

سوره سینا

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری - شماره ۲۱، آبان ۱۳۹۷

سرو زیر آب؛ روایتی ساده و جذاب از دفاع مقدس

فرا تر از انتظار

موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم می کند



رسید

تهیه کننده: جمال گلی

کارگردان:
محمد حسین لطیفی

به وقت بخاری

سرمایه گذار: سید جواد حسینی



مهدی فخیم زاده، هنگامه قاضیانی، ابوالفضل پورعرب، پوریا پورسرخ، هومن برق نورد، هادی کاظمی، سیما تیرانداز، شهره لریستانی، مجید یاسر، هنگامه حمیدزاده، علی سلیمانی، با حضور: بهروز بقایی، شیرین یزدان بخش و رعنا آزادی ور

فیلمنامه: احمد رفیع زاده، مدیر فیلمبرداری: فرشاد گل سفیدی، مجری طرح: علیرضا نجف زاده، مدیر تولید: سید امیر سید ابراهیمی، طراح گریم: ایمان امینداری، تدوین: امیرشیران خاقتی

موسیقی: رضا خسروی، طراح صحنه و لباس: محسن نوروزی، صدابردار: فرشید احمدی، سرمایه گذار: سید جواد حسینی، مدیر برنامه ریزی: امیر عباس لطیفی، دستیار اول کارگردان: رضا شریفی، عکاس: مهدیه لطیفی

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره بیست و یکم. آبان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیر مسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: محیا رضایی، فاطمه پزشکی.

الناز نعمتی، امید عشریه، راحله خدایی.

نرگس ساجد .

صفحه آرایی: مانی گرافیک

عکس: بهادر زارع، سحر قریب

با سپاس از حامد نیکومرام . محمدعلی حیدری

روی جلد: فیلم سرو زیر آب

تلفن: ۸۸۸۰۹۵۰۷-۸۸۸۱۲۸۸۹۱۸۱۲۸

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:

www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
Instagram.com/sourehcinema



۴



۲۴



۲۷



۴۲

فقدان دیپلماسی در عرصه فرهنگ و سینما

انقلاب اسلامی با وجود آنکه انقلابی گفتمان ساز و جریان ساز در حوزه فرهنگ بوده و مدل جدیدی از الگوی تمدنی و پیشرفت مبتنی بر معنویت و انسانیت و عدالت را در جهان نابرابر و مملو از ظلم، زیاده خواهی و استکبار بنا نهاده است متأسفانه این ویژگی جوهری و هویتی انقلاب کمتر از سوی هنرمندان و سینماگران ما مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه فضاسازی های گسترده و مسموم و بمباران های خبری و تشویش افکار عمومی جهانی در ترسیم مخدوش چهره انقلاب اسلامی بی اثر نبوده است با این حال گفتمان انقلاب اسلامی و نگاه فرهنگی و اجتماعی آن بر سپهر سیاسی جهان امروز، تاثیر خود را گذاشته است. جنبش نوینی که امروزه در جای جای منطقه رویداده و حرکت های چالشی و اعتراضی ملت ها در برابر قدرت های جهانی و نظام سلطه و دیکتاتوری های منطقه و جهان گویای این تاثیر گذاری و الهام پذیری از انقلابی است که به اذعان همگان ادبیات و قاموس جدیدی را در عرصه سیاست رقم زد و تاریخ تازه ای را رقم زد. با آنچه گذشت، به رغم برخورداری کشور از ظرفیت های عظیم فرهنگی و هنری، غنا و قدرت سینما با توجه به مشترکات فرهنگی، تاریخی، آیینی و آرمانی درصد کوچکی از این حجم عظیم حتی در نزدیکترین کشورهای همجوار و همسایه هم به درستی عرضه نشده است.

بی تردید، یکی از بزرگ ترین چالش ها و خلاء ها در این حوزه فقدان دیپلماسی فرهنگی و نگاه استراتژیک است. جشنواره بین المللی فیلم «مقاومت» در این زمینه اما کارنامه قابل قبولی داشته است که باید به فال نیک گرفت. این جشنواره با همه محدودیت های منابع و امکانات توانسته آثاری از سینمای دفاع مقدس و مقاومت ایران را در ۴۷ کشور دنیا به نمایش درآورد.

شکی نیست که باید به موازات گسترش جبهه سیاسی، جبهه فرهنگی و سینمایی مقاومت نیز گسترش پیدا کند. ولی به باور کارشناسان متأسفانه تاکنون در این زمینه کارهای زیربنایی و راهبردی چندانی صورت نگرفته است. نکته دیگر اینکه، سینما به دلیل ماهیت تاثیر گذار و جریان ساز خود، ابزار مهمی برای انتقال پیام انقلاب اسلامی و مظلومیت ملت ما در دوران دفاع مقدس است و لازم است با برنامه ریزی و بهره گیری از این ابزار نسبت به شناسایی این مقطع از تاریخ معاصر و پیام و محتوای انقلاب و اساسا فرهنگ مقاومت تلاش کرد.

نمایش فیلم های ژانر مقاومت دارای کار کرد دوگانه است؛ نخست ایجاد ظرفیت برای شناخت بهتر سینمای ایران و پس از آن روشنگری در زمینه دفاع مقدس و مقاومت است

و حرف اخر اینکه، روایت و نمایش همه جانبه رشادت های اخیر جبهه مقاومت اسلامی به دست مستندسازان آگاه به مسائل روز و تنها به مدد حمایت های مادی و معنوی مسئولین فرهنگی کشور امر امکان پذیر است. رسانه های غربی با اینکه از آفت های گروه های تروریستی در امان نیستند اما با بزرگنمایی و تحریف بسیاری از اخبار و گزارشات منطقه و در اصل حمایت های رسانه ای از گروه های تروریستی همسو، قصد تشدید اوضاع و برهم زدن معادلات سیاسی در منطقه را دارند.

بنابر این اگر ما نتوانیم با تولیدات تصویری از درگیری های موجود در حوزه سینما و تلویزیون، بر جامعه خود تاثیر بگذاریم، این دشمنان ما هستند که با حیل و ترفند نظر مردم جهان را به سوی دیدگاه ها و نیات شوم خود جلب می کنند. با توجه به اینکه خواسته های نظام و مردم ایران در مسیر دفاع از حقوق مردمان مظلوم جهان است ضرورت ویژه ای احساس می شود تا صاحبان اندیشه و هنرمندان کشور ما، جلوتر از رسانه ها و سینماگران دیگر ممالک مسلمان و غیر مسلمان به نمایش مظلومیت مردم کشورهای نظیر فلسطین، لبنان، عراق، سوریه، یمن، بحرین و ... بپردازند. رسالت مهم جشنواره فیلم مقاومت، اشاعه و معرفی مفاهیم عمیقی چون انسانیت، ظلم ستیزی، مبارزه و هنر پایداری در جای جای منطقه و جهان است.

«آخرین آغوش» بهترین فیلم جشنواره هند

سلمان حسین پور از دومین جشنواره جهانی فیلم کوتاه Annabhau Sathe هند جایزه گرفت. این جشنواره در دومین دوره‌اش به دو فیلم کوتاه ایرانی جایزه داد. جایزه بهترین فیلم جشنواره به «آخرین آغوش» ساخته سلمان حسین پور از تولیدات حوزه هنری کرستان اهدا شد. دومین جشنواره جهانی فیلم کوتاه Annabhau Sathe هند ۲۶ تا ۲۸ اکتبر در شهر پونا برگزار شد. همچنین فیلم کوتاه «آخرین آغوش» ساخته سلمان حسین پور، به بیست و پنجمین جشنواره جهانی فیلم‌های محیط زیستی «فیکما» اسپانیا راه یافت. بیست و پنجمین جشنواره جهانی فیلم‌های محیط زیستی «فیکما» اسپانیا یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های فیلم‌های محیط زیستی از ۲ تا ۹ نوامبر در اسپانیا برگزار شد. «آخرین آغوش» داستان کسانی است که آنچنان در گیر فضای مجازی هستند که حتی متوجه مرگ یکی از اعضای خانواده خود نمی‌شوند. سلمان حسین پور، فیلم‌ساز ۲۴ ساله کرستانی، تاکنون ۶ فیلم کوتاه داستانی ساخته و ده‌ها جایزه ملی و بین‌المللی برای آثارش دریافت کرده است.



فیلمی از حوزه هنری استان سمنان در جشنواره بین‌المللی

فیلم «مقاومت»

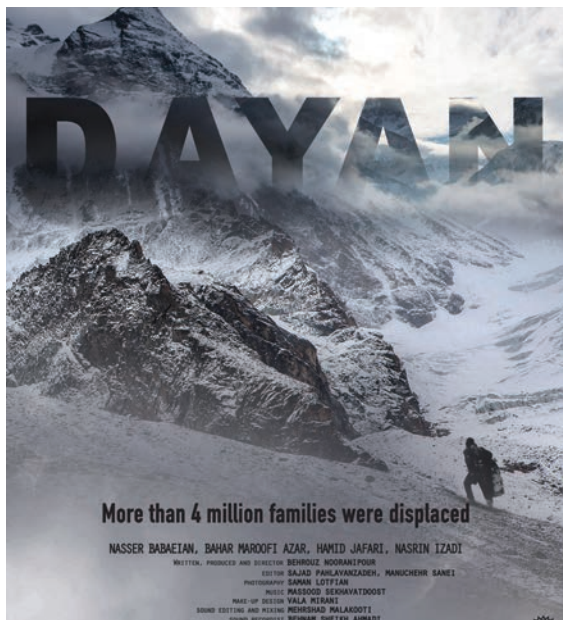
فیلم کوتاه داستانی «ماجرای آن روز» از تولیدات حوزه هنری استان سمنان به بخش مسابقه «روایت نو» پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» راه یافت. بر اساس اعلام دبیرخانه جشنواره، ۵ فیلم مستند و ۵ عنوان فیلم کوتاه به مرحله مسابقه این بخش راه یافتند که در بخش فیلم‌های کوتاه داستانی، فیلم «ماجرای آن روز» به کارگردانی حسین شیخ و از تولیدات حوزه هنری استان سمنان حضور دارد. فیلم کوتاه «ماجرای آن روز» درباره حمله تروریستی به مجلس و حرم امام خمینی (ره)، به مدت ۵ دقیقه به تهیه‌کنندگی حوزه هنری استان سمنان تولید شده است. حسین شیخ نویسنده و کارگردان، مصطفی مدرسی و بهار ذوالفقاری و زهرا مدرسی بازیگران، رسول ولی‌افتری دستیار کارگردان، حسین یوسفی و حسین شیخ فیلم‌بردار، حسین یوسفی تدوینگر و حوزه هنری استان سمنان تهیه‌کننده فیلم کوتاه «ماجرای آن روز» هستند.



حوزه هنری برای «واکنش سریع» پروانه ساخت گرفت

شورای صدور پروانه ساخت سازمان سینمایی با سه فیلم‌نامه از جمله «واکنش سریع» به تهیه‌کنندگی حوزه هنری موافقت کرد. فیلم‌نامه‌های «واکنش سریع» به تهیه‌کنندگی محمد حمزه‌زاده (به نمایندگی از حوزه هنری) و کارگردانی و نویسندگی رضا زهتابچی در ژانر اجتماعی، «ملخ» به تهیه‌کنندگی محمدمهدی عسگرپور، کارگردانی و نویسندگی فائزه عزیزخانی در ژانر اجتماعی و «تبسم تلخ» به تهیه‌کنندگی جعفر آقاباباییان، کارگردانی و نویسندگی سیدمحمد رضا ممتاز، در ژانر اجتماعی موافقت شورای ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند.





«دایان» در جشنواره سنگاپور

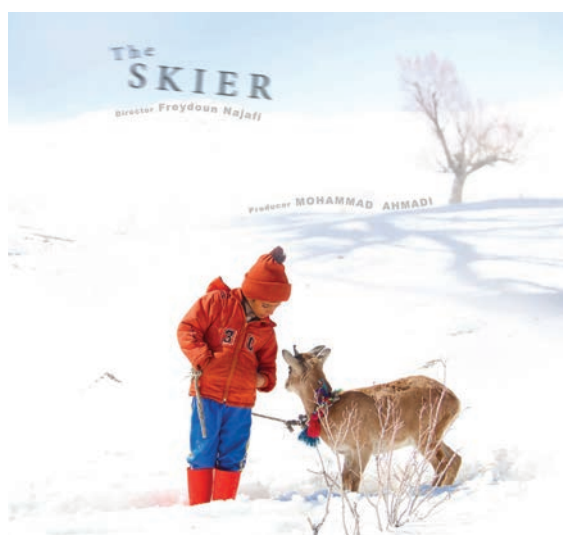
فیلم سینمایی «دایان» به کارگردانی بهروز نورانی پور محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در بخش رقابتی بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم سنگاپور به نمایش گذاشته می‌شود.

فیلم «دایان» که اولین ساخته بهروز نورانی پور پس از مستند «A۱۵۷» درباره جنگ سوریه است، به موضوع ترس و وحشت اقدامات گروه تروریستی داعش در کردستان ایران می‌پردازد.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: فیلم «دایان» تصویرگر هزاران نفر از مهاجرانی است که یک روز پس از آغاز جنگ سوریه قادر نیستند به سبب حضور داعشی‌ها در مرز به سمت خانواده‌های خود بازگردند. «سیبان» که یک پدر سالخورده سوری است و با خانواده‌اش در تبعید زندگی می‌کند حالا باید بین دو انتخاب تصمیم بگیرد...

از جمله دیگر فیلم‌های مهم حاضر در بخش اصلی جشنواره فیلم سنگاپور که برای کسب جایزه «پرده نقره‌ای» این رویداد سینمایی رقابت می‌کنند، می‌توان «سرزمین تصویر شده» به کارگردانی «پتو سی هوا» برنده جایزه یوز پلنگ طلایی جشنواره لوکارنو، «رودخانه» ساخته «امیر بایگازین» برنده بهترین کارگردانی بخش افق‌های ونیز و «سفر طولانی روز به شب» ساخته «بی‌گان» از چین اشاره کرد که در بخش «نوعی نگاه کن» امسال حضور داشت.

بیست و نهمین جشنواره فیلم سنگاپور از تاریخ ۲۸ نوامبر تا ۹ اکتبر (۷ تا ۱۸ آذر) برگزار می‌شود و میزبان ۱۰۳ فیلم از ۴۴ کشور جهان در بخش‌های مختلف است.



«اسکی باز» در «کمبریج» و «ایرانیان لندن»

فیلم «اسکی باز» به کارگردانی فریدون نجفی که بخش بین‌الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری برعهده دارد؛ در دو جشنواره بین‌المللی فیلم «کمبریج» و همچنین جشنواره فیلم «ایرانیان لندن» در کشور انگلستان به نمایش درآمد. جشنواره «کمبریج» در محیطی نسبتاً خصوصی و صمیمی با حضور کارگردان‌ها و دست‌اندرکاران فیلم‌ها برگزار می‌شود. انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی نیز در این جشنواره حضور داشت.

سی و هشتمین جشنواره فیلم «کمبریج» از سوم تا دهم آبان ماه در شهر کمبریج کشور انگلستان برگزار شد.

هدف جشنواره فیلم «ایرانیان لندن» که امسال نهمین دوره‌اش را پشت سر گذاشت، معرفی بهتر فیلم‌های ایرانی به جامعه سینمایی لندن است.

نهمین جشنواره فیلم «ایرانیان لندن» از چهارم تا دوازدهم آبان ماه در شهر لندن کشور انگلستان برگزار شد.

باشگاه فیلم سوره با ۶ اثر در جشنواره فیلم رشد

فیلم‌های ایرانی بخش داستانی کوتاه بین‌الملل چهل و هشتمین جشنواره فیلم رشد اعلام شد. ۶ اثر از گروه هنری کات در میان ۳۸ فیلم ایرانی راه یافته به بخش مسابقه این رویداد حضور یافتند.

اسامی فیلم‌های راه یافته از کات:

خاطره (رضوانه فتحی)

دوئل (محمدرضا خردمندان)

گزارشگر (محمدرضا خردمندان)

مادر (رضا هتاجیان)

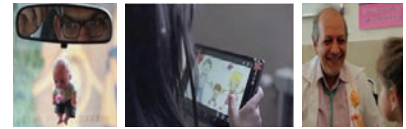
همکلاسی (مجتبی حیدری)

خطی (محمدسعید غلامی)

چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد از ۲۵ آبان تا ۲ آذر ۹۷ در سینما فلسطین تهران برگزار شد.



جشنواره

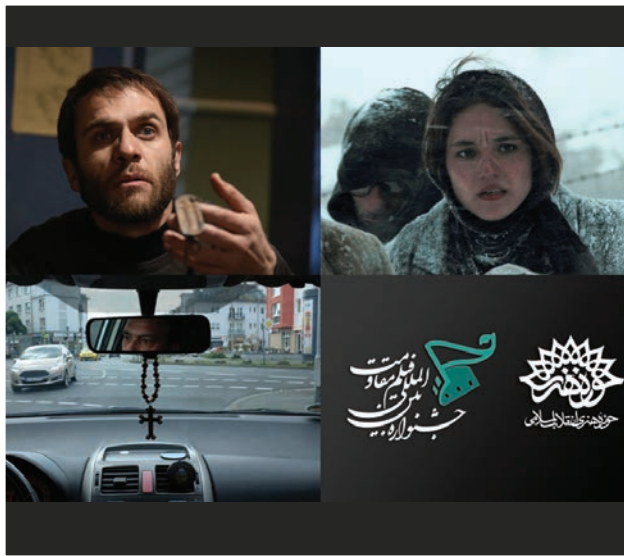
حضور پررنگ حوزه هنری اصفهان
در جشنواره مهر سلامت

واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان اصفهان با ارائه ۴ فیلم کوتاه داستانی حضور پررنگی در جشنواره فیلم کوتاه مهر سلامت داشت.

این جشنواره که در روزهای ۲۳ الی ۲۶ مهرماه در اصفهان برگزار شد، شاهد اکران ۴ فیلم از تولیدات حوزه هنری استان اصفهان با موضوعات جشنواره در راستای معرفی خیرین نیکوکار سلامت و ترویج و اشاعه فرهنگ سلامتی در جامعه بود.

فیلمهای «صندوق» به کارگردانی جمال احمدی، «دور دست» به کارگردانی نفیسه گیتی ستان، «دوئت» به کارگردانی مهدی میرزاده و «صندلی جلو» به کارگردانی محمدرضا شیخ بهایی از آثار تولیدی حوزه هنری به شمار می‌روند که مورد استقبال مخاطبان این جشنواره قرار گرفتند.

نخستین جشنواره فیلم کوتاه مهر سلامت از ۲۳ الی ۲۶ مهرماه صبح و عصر در سالن سوره حوزه هنری و سالن چهلستون پردیس سینمایی چهارباغ برگزار شد.



حوزه هنری با هشت فیلم در جشنواره مقاومت

سازمان سینمایی حوزه هنری با ۸ اثر سینمایی بلند، مستند و کوتاه در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت نقش پررنگی از خود به جا گذاشته است. «دایان» حضور دارد و فیلم سینمایی تحسین شده «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر و محصول مشترک حوزه هنری نیز در جشنواره مقاومت به نمایش در خواهد آمد.

همچنین مستند سینمایی «ادوارد» به کارگردانی محمدباقر شاهین از بخش فیلم‌های سینمایی، امسال تازه‌ترین اثر بهروز نورانی پور با عنوان



این نویسنده پیش‌کسوت در ادامه با تشریح شکل سه پرده‌ای و کلاسیک داستان فیلم بیان کرد: جایگاه پرده‌ها همیشه ترتیبی نبوده و می‌توان جای آن‌ها را عوض کرد؛ ولی این چیزی است که خود داستان و یا فیلم‌نامه آن را تعریف و مشخص می‌کند.

علی دنیوی ساروی در پایان گفت: قرار نیست با فیلم کوتاه، جهانی را تغییر دهیم. فقط یادمان باشد به بهترین شکل ممکن حرف خود را بزنیم و ایده‌مان را به تصویر بکشیم؛ طوری که بیننده جذب اثر ما شود.

در پایان این نشست، حاضران که اغلب از دانشجویان رشته‌های هنری و هنرمندان جوان استان بودند با مدرس این کارگاه به گفت‌وگو پرداختند.

سوم آبان ماه کارگاه یک روزه فیلم‌نامه در حوزه هنری مازندران برگزار شد.

علی دنیوی ساروی در این کارگاه در مقایسه شعری از سهراب سپهری با فیلم‌نامه، به بیان مولفه‌های تصویر، پیچیدگی و وضوح پرداخت.

ساروی به عنوان مدرس این کارگاه در آغاز این نشست با مقایسه شعری از سهراب سپهری با فیلم‌نامه‌نویسی به تشریح مولفه‌های تصویر، پیچیدگی و وضوح پرداخت.

این فیلم‌ساز با بیان این نکته که فیلم باید تصویرمحور باشد، گفت: قرار نیست فیلم‌نامه گفت‌وگو نداشته و صرفاً تصویری باشد، اما باید در قالب تصویر و رویدادی وابسته به آن حرف فیلم منتقل شود؛ ضمن اینکه دیالوگ باید پیش‌برنده داستان باشد.

کارگاه فیلم‌نامه در
مازندران

ساخت دو فیلم درباره شهیدان اقدامی و شیروانیان



جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، مالک شیخی معاون فرهنگی حوزه هنری اصفهان و پدران شهیدان طاهای اقدامی و ابوالفضل شیروانیان داشیم طرح ساخت دو فیلم از زندگی این دو شهید مطرح شد و مقرر شد فیلمسازان حوزه هنری استان اصفهان بزودی ساخت این دو فیلم را با حمایت انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس آغاز کنند.

حسین صابری اضافه کرد: به خود می‌بالیم که می‌توانیم گامی کوچک در جهت توسعه فرهنگ شهادت برداریم.

در آستانه برگزاری پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت حسین صابری مدیر عامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس از ساخت دو فیلم درباره شهیدان طاهای اقدامی و ابوالفضل شیروانیان خبر داد.

حسین صابری مدیر عامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس از ساخت دو فیلم توسط فیلمسازان اصفهان پیرامون شهید طاهای اقدامی شهید خردسال جنایت تروریستی اهواز و شهید ابوالفضل شیروانیان اولین شهید مدافع حرم اصفهان خبر داد.

وی با اعلام این خبر افزود: در دیدار و گفتگویی که با حضور محمد خزاعی دبیر

محصولات مرکز مستند سازمان سینمایی حوزه هنری نیز برای مخاطبان پانزدهمین جشنواره فیلم مقاومت روی پرده می‌رود.

۳ فیلم کوتاه «تراس» محمد علیزاده فرد، «کانتینر ۴۰۱» امید میرزایی، «پنجشنبه» رضوانه فتحی از آثار گروه هنری کات وابسته با باشگاه فیلم سوره حوزه هنری در بخش مسابقه این دوره به رقابت می‌پردازند.

فیلم کوتاه مستند «لوتوس» ساخته محمدرضا وطن‌دوست از شهر ساری و از محصولات حوزه هنری استان مازندران نیز در کنار دیگر آثار این رویداد سینمایی به رقابت خواهد پرداخت. همچنین فیلم کوتاه داستانی «ماجرای آن روز» به کارگردانی حسین سمnan به بخش «روایت هنری استان سمنان» به بخش «روایت نو» پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» راه یافتند.

در این خبر آمده است: علاوه بر حضور محصولات حوزه هنری در جشنواره مقاومت، حوزه هنری استان اصفهان متولی برگزاری همزمان این رویداد سینمایی در استان اصفهان شد.

به قصه ضامن آهو ساخته شده و داستان آهویی است که برای نجات جان فرزندش از فرش‌هایی با نقوش مختلف می‌گذرد تا در محرابی به آرامش می‌رسد.

رئیس حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد گفت: این انیمیشن پیش از این نیز به پنج جشنواره جهانی راه پیدا کرده بود.

گفتنی است، بیست و پنجمین جشنواره جهانی فیلم visionaria ایتالیا از ۱۰ تا ۱۷ نوامبر در سن جیمینیانو ایتالیا برگزار شد.

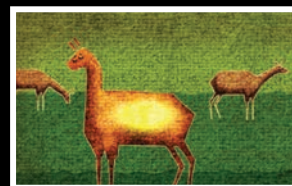
ایران در این رویداد حضور داشت.

اسلامی نژاد با بیان این خبر افزود: جشنواره جهانی فیلم visionaria ایتالیا با هدف ایجاد فرصتی برای نمایش آثار هنرمندان مستقل برگزار می‌شود و امسال این اثر حوزه هنری توانست به این جشنواره راه یابد.

وی بیان کرد: انیمیشن «محراب آرامش» با نگاهی

انیمیشن «محراب آرامش» از تولیدات حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد به بیست و پنجمین جشنواره جهانی فیلم visionaria ایتالیا راه یافت.

محمد شریف اسلامی نژاد رئیس حوزه هنری این استان گفت: انیمیشن «محراب آرامش» ساخته زیبا ارژنگ از هنرمندان حوزه هنری این استان است که به همراه انیمیشن «زیستن» ساخته پیام شادانیا به نمایندگی از



«محراب آرامش» در ایتالیا



دو فیلم از حوزه هنری، منتخب جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران

انیمیشن «درون یک چارچوب» از تولیدات حوزه هنری استان زنجان منتخب سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران شد.



هیئت انتخاب بخش پویانمایی متشکل از سعید توکلیان، روانبخش صادقی و علی نوری اسکویی، از میان ۱۴۴ فیلم ارسال شده به دبیرخانه جشنواره، ۲۱ فیلم را برای شرکت در بخش پویانمایی مسابقه سینمای ایران جشنواره سی و پنجم انتخاب کردند.

مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان زنجان با اشاره به بازه زمانی دو ساله تولید این انیمیشن گفت: انیمیشن «درون یک چارچوب» به نویسندگی و کارگردانی جعفر صیادی و به تهیه‌کنندگی حوزه هنری استان زنجان با تکنیک دوبعدی دیجیتال طراحی و ساخته شده است.

میثم سیفی در معرفی عوامل این اثر، به اسامی خانم‌ها لیدا فضلی به عنوان مشاور فیلم‌نامه، زهرا صیدی طراح فضا، زهرا حسینی طراح کاراکتر، ندا میرمحمدی انیمیت، مریم کرمی طراح پوستر و آقایان بهروز شهامت صداگذار، حسن مهرآذر تدوین و پویان مقدم به عنوان نورپرداز اشاره کرد.

وی افزود: انیمیشن کوتاه «درون یک چارچوب» از تولیدات حوزه هنری زنجان، موفق به دریافت تندیس و جایزه بهترین انیمیشن شصت و یکمین جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان اردبیل - مشکین شهر شده است.

انیمیشن کوتاه «درون یک چارچوب» روایت چشم‌انتظاری مادر بزرگی امیدوار است که همیشه منتظر دیدن خانواده و عزیزانش است. لازم به ذکر است، فیلم حمایت شده حوزه هنری استان مازندران به جشنواره

فیلم کوتاه تهران راه یافت. فیلم کوتاه مستند «لوتوس» ساخته محمدرضا وطن‌دوست، فیلم‌ساز ساروی، در فهرست منتخبین جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشنواره بین‌المللی مقاومت قرار گرفت.

مهدی معصومی گرچی، معاون فرهنگی و هنری حوزه هنری استان مازندران و مسئول واحد هنرهای تصویری این نهاد، گفت: فیلم کوتاه «لوتوس» درباره مادر شهیدی است که آرزوی رفتن به مزار فرزندش را دارد ولی مشکلاتی مانع از این دیدار می‌شود.

وی افزود: حوزه هنری استان مازندران از حامیان تولید این مستند بوده است.

شایان ذکر است، محمدرضا وطن‌دوست با «لوتوس» توانسته از اولین اکران رسمی فیلمش در جشنواره سال گذشته سینماحقیقت تاکنون، افتخاراتی را در جشنواره‌های داخلی و خارجی کسب کند.

«لوتوس»

در جشنواره‌های مقاومت و فیلم کوتاه تهران

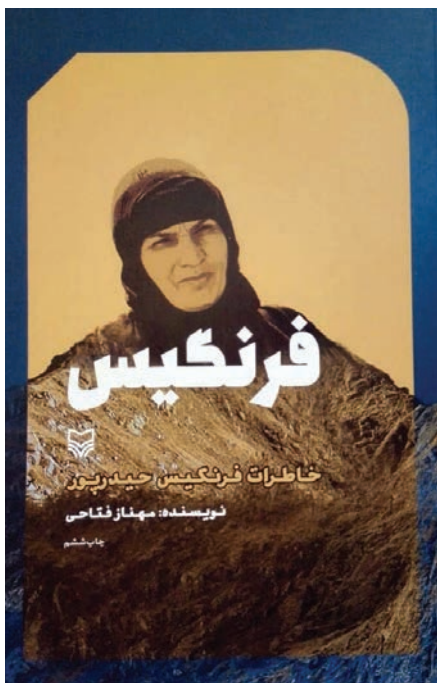
فیلم حمایت شده حوزه هنری استان مازندران به جشنواره فیلم کوتاه تهران و بین‌المللی مقاومت راه یافت.

فیلم کوتاه مستند «لوتوس» ساخته محمدرضا وطن‌دوست، فیلم‌ساز ساروی، هم‌زمان در فهرست منتخبین جشنواره‌های فیلم کوتاه تهران و جشنواره بین‌المللی مقاومت قرار گرفت.

مهدی معصومی گرچی، معاون فرهنگی و هنری حوزه هنری استان مازندران و مسئول واحد هنرهای تصویری این نهاد، در راستای این رخداد گفت: فیلم کوتاه «لوتوس» درباره مادر شهیدی است که آرزوی رفتن به مزار فرزندش را دارد ولی مشکلاتی مانع از این دیدار می‌شود.

وی افزود: حوزه هنری استان مازندران از حامیان تولید این مستند بوده است. شایان ذکر است، محمدرضا وطن‌دوست با «لوتوس» توانسته از اولین اکران رسمی فیلمش در جشنواره سال گذشته سینماحقیقت تاکنون، افتخاراتی را در جشنواره‌های داخلی و خارجی کسب کند.





نگاه کرد و گفت: «جنگ وحشتناک است. کشته می شوی، یا خدای نکرده اگر به دست دشمن بیفتی ...» رفتم کنارش نشستم و من هم مثل او سر بالا بردم و چشم دوختم و به ستاره ها گفتم: «یادت باشد آخرین نفری که از این روستا برود، من هستم. برای من، فرار کردن یعنی مردن. از من نخواه راحت فرار کنم. یادت باشد من فرنگیسم درست است زنم، اما مثل یک مرد می جنگم. من نمی ترسم میفهمی؟»

حوزه هنری فیلم سینمایی رمان «فرنگیس» را می سازد

با همان روحیه استوار و پر قدرت و با زبان صادق و صمیمی یک روستایی و با عواطف و احساسات رقیق و لطیف یک زن با ما سخن گفته و منطقه ناشناخته و مهمی از جغرافیای جنگ تحمیلی را، با جزئیاتش، به ما نشان داده است. ما از روستاهای مرزی در دوران جنگ و مصائب فراوان آنان و آوارگی ها و گرسنگی ها و خسارت های مادی و ویرانی ها و داغ عزیزان آن ها هرگز به این وضوح و تفصیلی که در این روایت صادقانه آمده است خبر نداشتیم و نیز از فداکاری جوانان آنان که در شمار اولین شتابندگان به مقابله با دشمن مهاجم بودند. ماجرای قتل و اسارت دشمن به دست این بانوی دلاور هم که خود یک داستان مستقل و استثنایی است که نظیر آن فقط در سوسنگرد، در همان اوان، اتفاق افتاده بود. بانو فرنگیس را باید بزرگ داشت و از نویسنده کتاب، خانم فتاحی، به خاطر قلم روان و شیوا و هنر مصاحبه گیری و خاطره نویسی، باید بسیار تشکر کرد.

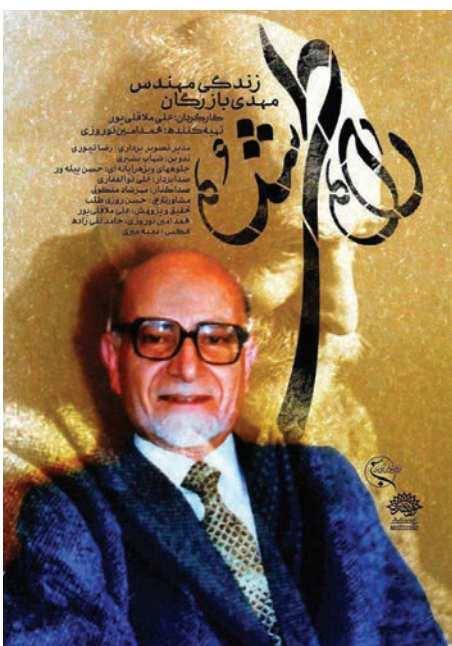
در بخشی از رمان آمده است: پرسید: «میخواهی از اینجا برویم؟ به شهر برویم یا ..» با ناراحتی نگاهش کردم و گفتم: «یعنی تو دلت می آید خانه مان را بدهیم دست عراقی ها و برویم؟» بلند شد و توی تاریکی شب، به ستاره ها

سازمان سینمایی حوزه هنری در نظر دارد بر اساس رمان «فرنگیس» (خاطرات فرنگیس حیدرپور) اثر برگزیده جایزه کتاب سال دفاع مقدس به قلم مهناز فتاحی فیلم سینمایی بسازد. این رمان به روایت خاطرات زنی شجاع (فرنگیس حیدرپور زنی کرمانشاهی) که در مقام دفاع توانست سرباز دشمن را اسیر کند و نیروی دشمن را به خاک و خون بکشد، می پردازد.

در این خبر آمده است: کتاب «فرنگیس» یکی از آثار قابل تامل در زمینه حضور تاثیرگذار زنان در دوران دفاع مقدس است که خاطرات فرنگیس حیدرپور، از زنان خطه گیلان غرب را با قلم مهناز فتاحی منعکس می کند. بر پایه این خبر، نگارش این فیلمنامه اقتباسی در مرکز تولید متن سازمان سینمایی حوزه هنری آغاز شده است.

رهبر معظم انقلاب در سفرشان به کرمانشاه به این بانوی بزرگ اشاره کرده و بر ثبت خاطراتش تاکید داشتند و این بهانه ای شد تا خاطرات این شیرزن به رشته تحریر در آید.

تقریظ مقام معظم رهبری: بخش ناگفته و با اهمیتی از حوادث دوران دفاع را، به مناسبت شرح حال این بانوی شجاع و فداکار، در این کتاب می توان دید. بانو فرنگیس دلاور



پوستر مستند «راه طی شده» رونمایی شد

به مناسبت سالروز استعفای دولت موقت مهندس بازرگان از پوستر مستند «راه طی شده» رونمایی شد.

این مستند به کارگردانی علی ملاقلی پور، روایتی است از افکار و اندیشه های «مهندس مهدی بازرگان» به عنوان روشنفکر دینی، سیاستمدار و نخست وزیر دولت موقت ایران در سال ۵۷.

نام این مستند که با عنوان «راه طی شده» تولید شده است برگرفته از عنوان یکی از مهمترین کتاب های مهندس بازرگان به همین نام است.

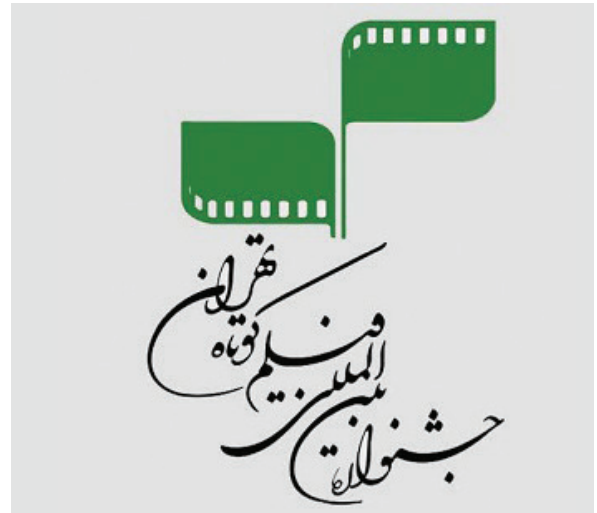
طراحی این پوستر توسط رضا آسایی انجام شده است و دیگر عوامل این مستند عبارتند از: محمد امین نوروزی؛ تهیه کننده، مشاور تاریخی؛ حسن روزی طلب، مدیر تصویربرداری؛ رضا تیموری، تدوین؛ شهاب بشیری، جلوه های ویژه رایانه ای؛ حسن پیلهور و صداگذار، مهرشاد ملکوتی.

مستندی از کرمان در جشنواره فیلم کوتاه تهران

مستند «آشنگ» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی محصول حوزه هنری استان کرمان به بخش مسابقه سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران راه یافت.

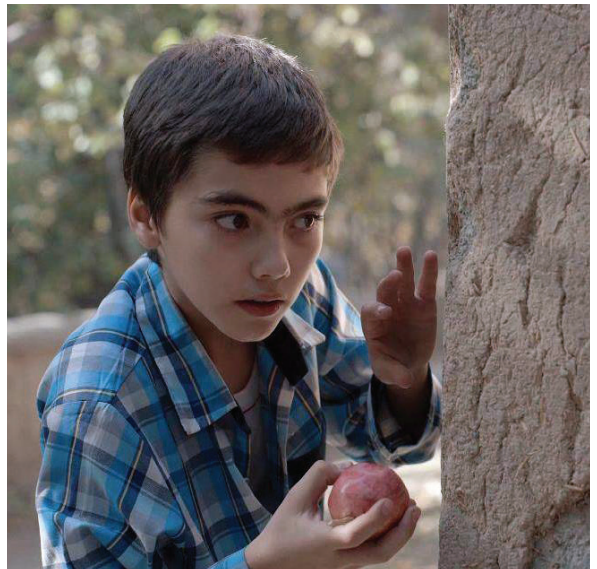


مستند «آشنگ» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی از تولیدات واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان به بخش مسابقه سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران راه یافت. محمدصادق اسماعیلی پژوهشگر و کارگردان، محمدحسین ملکی تهیه‌کننده، مهرداد اسکویی مشاور کارگردان، زانبار لطفی مدیر تصویربرداری، میثم شفیعی صدابردار، عارفه رضامند پارسائی مدیر تولید، دانا کریم‌سنه تدوینگر، حسین قورچیان صداگذار، حمیدرضا فتورچیان تصحیح رنگ، یاسمین مولایی عکاسی و مجتبی اسدی طراحی پوستر فیلم مستند «آشنگ» را برعهده دارند.



«وقت لبخند انار» دره «آلترناتیو» رومانی

فیلم کوتاه «وقت لبخند انار» به کارگردانی رهبر قنبری به بخش مسابقه بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم آلترناتیو در رومانی راه یافت. فیلم کوتاه «وقت لبخند انار» که در سال جاری به همت حوزه هنری کودک و نوجوان در ده دقیقه تولید شد موفق به حضور در بخش مسابقه بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم آلترناتیو در رومانی شد. این فیلم کوتاه، داستان پسر نوجوانی است که در یک باغ انار از سبد پیرزن صاحب باغ، پنهانی انارها را برمی‌دارد. ولی او نیت دیگری دارد.... دیگر عوامل فیلم کوتاه «وقت لبخند انار» عبارت‌اند از تهیه‌کننده: حمید حسینزاده، مجری طرح: بهنام بهادری، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز: امیر رحمت‌حیدری، مدیر فیلمبرداری: علی شهریاری، تدوین: امین اشرفی، طراح صحنه و لباس: ماهرخ کیانیان، صدابردار: حمید رحمت‌حیدری، موسیقی: سعید طاهرخانی، مدیر تولید: امیر هوشنگ فراهانیان، بازیگران: علی ایران‌نژاد، پدram مرادی و علی ابراهیمی. جشنواره آلترناتیو از تاریخ ۷ تا ۱۱ نوامبر (۱۶ تا ۲۰ آبان) در شهر مادیز رومانی برگزار شد.



«راه‌طی شده» رونمایی شد

مستند «راه‌طی شده» که به زندگی مهندس بازرگان می‌پردازد ساعت ۱۵:۳۰ روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه در تالار سوره حوزه هنری رونمایی شد. مراسم رونمایی این مستند که برگرفته از عنوان یکی از مهمترین کتاب‌های مهندس بازرگان است، با حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برگزار شد. آخرین اثر مستند علی ملاقلی‌پور از تولیدات مرکز مستند سوره و مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری بسیج است.

عوامل این مستند عبارت‌اند از: علی ملاقلی‌پور، کارگردان، محمدامین نوروزی، تهیه‌کننده، مشاور تاریخی، حسن روزی‌طلب، مدیر تصویربرداری، رضا تیموری، تدوین: شهاب بشیری، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای: حسن پیلهور و صداگذار، مهرشاد ملکوتی.

گزارش کامل این مراسم در شماره بعد منتشر می‌شود





کارگاه فیلم‌نامه و کارگردانی و ایده‌یابی فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای در همدان

کارگاه دو روزه فیلم‌نامه و کارگردانی فیلم کوتاه و ایده‌یابی فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای با حضور مراد نظری در حوزه هنری استان همدان برگزار شد.

مراد نظری در بخشی از این نشست گفت: برخلاف فیلم‌های بلند سینمایی که دست مخاطب را گرفته و آهسته آهسته راه می‌بریم، در فیلم کوتاه مخاطب را وسط ماجرا پرتاب می‌کنیم، حتی بدون نتیجه‌گیری نهایی. در فیلم بلند بحث سرگرمی هست و بیان نکاتی. اما در فیلم کوتاه به نظر نمی‌رسد زمان و فرصت و یا امکان سرگرمی وجود داشته باشد؛ بیشتر و در اصل هدف، بیان یک نکته تامل برانگیز است.

این فیلم‌ساز و مدرس ادامه داد: فیلم کوتاه سه رکن اساسی دارد؛ شخصیت‌های کم، لوکیشن محدود، و داستان تک خطی و منظور از تک خطی بودن این است که نباید چند موضوع را در فیلم گنجانند، یک حرف بزنی و تمام؛ فیلم کوتاه لایه‌دار نیست.

نظری تأکید کرد: فیلمی که می‌سازید، سعی کنید خوش ساخت باشد؛ چون ممکن است قصه خوب نباشد یا لحن مناسبی انتخاب نشده باشد. اما اگر فرم سینمایی خوبی داشته باشد، بهتر از فیلمی است که تمام این‌ها را داشته باشد اما فرم مناسبی ندارد.

وی در جای دیگری از صحبت‌هایش گفت: فرمت‌ها، قالب‌ها و ساختارهای سینمایی آن‌قدر متنوع و متفاوت است که نمی‌توان گفت حرف فلانی درست و حرف دیگری غلط است و تنها چیزی که اهمیت دارد، خلاقیت است. ببینید که برای ساخت فیلمتان به چه چیزی نیاز دارید.

نظری تأکید کرد: همواره قصه‌گویی بر مضمون مقدم است. معمولاً اگر بر اساس مضمون خاص سعی کنیم داستان بنویسیم ناموفق خواهد بود. برای نوشتن فیلم‌نامه کوتاه نیز به یک موقعیت خاص و یک شخصیت خاص نیازمندیم، یا حداقل یکی از این‌ها.

این کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس در ادامه گفت: باید در هر فیلم‌نامه کوتاه برای این پرسش‌ها پاسخ روشنی داشته باشیم؛ چه بگویم (داستان فیلم)، چگونه بگویم (فرم)، چگونه بگیرم، چگونه بچینم که دو سوال نخست به بحث فیلم‌نامه و دو سوال دوم به

بحث کارگردانی و تدوین مربوط می‌شود. طرح این پرسش‌ها و پاسخ‌های بجا و بصری ما به آن‌ها، سازنده یک فیلم‌نامه موفق است.

مراد نظری در پایان تأکید کرد: نخستین نما و نمای پایانی فیلم کوتاه بسیار اهمیت دارد. در میانه این فاصله، بحران و کشمکش میان شخصیت و موقعیت داستان ما در فیلم کوتاه را شکل می‌دهد. شیوه روایی داستان، حوادثی است که به دنبال هم می‌آیند، نه به شکل معمول بلکه به شیوه‌ای که تأثیرگذار باشد و ایجاد همذات‌پنداری کند.

تحلیل فیلم «افسون گل سرخ» در یزد

فیلم داستانی «افسون گل سرخ» به کارگردانی سید مجتبی حسینی، در حوزه هنری یزد اکران و تحلیل شد.

مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری یزد گفت: در شصت‌مین جلسه اکران و تحلیل فیلم این مرکز، فیلم بلند «افسون گل سرخ» ساخته سید مجتبی حسینی نویسنده و فیلم‌ساز یزدی، پخش و با حضور کارگردان و اهالی سینما تحلیل شد.

علیرضا غفاریان با بیان اینکه از نیمه دوم سال جاری، اکران و تحلیل آثار بلند سینماگران یزدی نیز در دستور کار باشگاه فیلم حوزه هنری استان قرار گرفته، گفت: «افسون گل سرخ» به عنوان اولین تجربه نویسندگی و کارگردانی سیدمجتبی حسینی با موضوع اجتماعی به مدت ۷۳ دقیقه روی پرده رفت.

این فیلم داستان زندگی دختری به نام شیرین را

روایت می‌کند که پدر و مادرش در حال جدا شدن هستند و از طرفی او نگران سرپرستی خواهرش است. بعد از مشکلاتی که برای شیرین به وجود می‌آید تصمیم به مهاجرت می‌گیرد تا اینکه در طول مسیر با فردی به نام پارسا آشنا می‌شود. شهرام عبدلی، سمانه پاکدل، مصطفی اعلایی، مهدی بقاییان، بیتا کریم‌خانی، سام یکتا، الهه شاه‌حسینی، عاطفه هادی، امیرجلالی، غلامرضا اصانلو و حسن زارع در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

از دیگر عوامل فیلم می‌توان به مدیر تصویربرداری: عباس عسگری، طراح صحنه: علیرضا شهنساری، تدوین: لیدا جهانگیری، صدابردار: علیرضا افخمی، طراح لباس: آصفه صانعی، طراح گریم: آتش حقیقی، مدیر تولید: شهرام صمدی، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز: علی عراقچی، منشی صحنه:



عاطفه هادی، موسیقی: علی امیدی، عکاس و تصویربردار پشت صحنه: امیرجلالی و طراح پوستر: یلدا منتظری اشاره کرد. «افسون گل سرخ» به تهیه‌کنندگی محمد بصیری با مشارکت حوزه هنری یزد در سال ۱۳۹۲ تولید شده است.

«مدرس» را تا جشنواره فیلم فجر آماده می کنیم

مربوط می شود. علاوه بر این توانستیم بخشی از عکس هایی که در ایران وجود ندارد یا به سختی یافت می شود را در سایت های خارجی پیدا و خریداری کنیم.

وی عنوان کرد: متأسفانه برخی نهادها و موسسات در ارائه این عکس ها به سختی همکاری می کنند و از آنجا که خودمان برای تهیه این منابع تصویری بسیار اذیت شدید تصمیم گرفتیم این آرشیو را در یک سایت بارگذاری کنیم تا افرادی که دنبال تصاویر هستند، استفاده کنند. هم کاخ گلستان و هم موسسات دیگر با اینکه برای تامین هر عکس مبلغی را دریافت کردند اما باز هم در همکاری با ایشان دچار مشکل شدیم. به عنوان مثال زمانی که برای فیلمبرداری می خواستیم به کاخ گلستان برویم مانع ورود ما شدند و گفتند مدرس چه ارتباطی به اینجا دارد. من لیست دلایل تاریخی ام را برای شان نوشتم و شرح دادم که وی در حکومت آن زمان می زیسته و در مجلس مشاوران عالی بوده و حضورش در همان محافل باعث شهرتش شده است اما این دلایل برایشان قانع کننده نبود و همکاری نکردند.

وی در ادامه بیان کرد: به هر ترتیب ما بخش تصویری کارمان را به سرانجام رساندیم و بعد از پایان یافتن کار صداگذاری و تدوین، مستند را در اختیار هنرمندانی قرار می دهیم که برای خوانش متن تمایل داریم با ایشان همکاری داشته باشیم. حسین محبوب برای صدای مدرس و رویا تیموریان برای دانای کل جزو گزینه های ما هستند که در صورت رضایت از خروجی این اثر با ما همکاری خواهند کرد. یکی از دلایلی که باعث شد در بیان دانای کل از گوینده خانم استفاده کنیم این بود که احساس کردیم فیلم به شدت مردانه است و هیچ کاراکتر زنی در مستند قصه گوی ما وجود ندارد. به همین خاطر حضور صدای گوینده خانوم هم در تلطیف فضا تاثیرگذار است و هم در تضادی که با صدای مدرس دارد می تواند بیشتر نمود پیدا کند.

وی در پاسخ به اینکه چه زمانی را برای رونمایی از مستند سینمایی ۶۰ دقیقه ای «مدرس» در نظر گرفته است، گفت: با توجه به حجم قابل توجهی که از کار باقی مانده بعید می دانم بتوانیم در جشنواره سینما حقیقت حضور داشته باشیم اما تلاش مان بر این است که بتوانیم کار را به جشنواره فیلم فجر برسانیم.

معین شافعی در پایان هدف خود را از تولید مستند «مدرس» محصول مرکز مستند سوره؛ معرفی کامل این شخصیت بیان کرد و توضیح داد: آنچه برای من اهمیت داشت اینکه مردم و جوه مهمی از شخصیت مدرس را نمی شناسند چون در این رابطه اگر اثری تولید شده نمای درستی از کاراکتر او را نشان نداده است. فیلم ما فضای روحانیت زمان خود را روایت می کند و در لابلای جریان، تفاوت او را با هم دوره هایش در خواهید یافت. در فضایی که بسیاری از نمایندگان مجلس و روشنفکران گرفتار سیاست های روس و انگلیس بودند؛ مدرس هیچ وقت اصلتش را از دست نمی دهد و سرسپرده هیچ سمت و سویی نمی شود. او مدرنیت را می پذیرد اما معتقد است کپی کردن از غرب کار درستی نیست و به تلفیق با فرهنگ ایرانی اصرار دارد و می گوید می شود مدرنیت را بدون غرب زدگی اجرا کرد. تمام این ها مد نظر ما بود و سعی کردیم زوایای پنهانش بیشتر شناخته شود.

مستند سینمایی مدرس ساخته معین شافعی به زوایای پنهان و مطرح نشده شخصیت سیدحسن مدرس روحانی سیاستمدار زمان رضاخان می پردازد.

معین شافعی کارگردان مستند سینمایی «مدرس» درباره چند و چون تولید تازه ترین اثر خود به سوره سینما گفت: از اواخر سال ۹۵ مراحل تحقیق و جمع آوری اطلاعات را آغاز کردیم و خیلی اتفاقی ۱۱ آذر ماه سال گذشته در سالروز فوت این شخصیت کار کلید خورد و این تصادف را به فال نیک گرفتیم. کار به شدت تنوع لوکیشن دارد و ما شاهد تصاویری از اصفهان، کرمانشاه، نجف، استانبول و هر جایی که مدرس سیر کرده است، هستیم و حتی خانه اش را در شهرک سینمایی ساخته ایم. شاید در مستند از هر فضا ۲ یا سه پلان بیشتر دیده نشود اما تولید به شدت سنگینی داشت و امیدوارم نتیجه به این زحمت بی ارزد.

این کارگردان توضیح داد: در حال حاضر گرافیک مرحله اول به پایان رسیده و صداگذاری و تدوین نیز در حال انجام است. در رابطه با فرم بصری نیز کار به شکل فیکس فریم نمایش داده می شود به این صورت که بیشتر آنچه در مستند خواهید دید عکس بوده و از موشن بسیار کم استفاده شده است. ضمن اینکه در بخش تولیدی باز یگر نداریم و فقط سعی کردیم فضاهایی را که مدرس به روایت تاریخ آنجا حضور داشته است را نشان دهیم. بخشی از این فضاها مثل خانه مدرس، اتاق تبعید و... بازسازی شده و بخشی دیگر از آرشیومان که چیزی حدود ۸ هزار عکس است تامین کردیم.

وی افزود: البته فضاهای امروزی نیز در کار استفاده شده و شما تصاویر فعلی محله ای که مدرس در اصفهان تحصیل کرده و بزرگ شده را خواهید دید. در مجموع این مستند متشکل از یک سری پلان های ثابت است که نورپردازی قابل توجهی دارد و اگر مستند «خاطرات خانه متروک» که من به عنوان مشاور کارگردان حضور داشتم را دیده باشید با فضای بصری این کار بیشتر آشنا خواهید شد. با این تفاوت که نسبت به آن اثر، پلان های تولیدی بیشتر و گرافیک کمتری دارد. ضمن اینکه مستند «مدرس» با قصه یکدست و روان از تولد تا مرگ ایشان را روایت می کند و اپیزودیک نیست.

شافعی با اشاره به اینکه صدای ۲ راوی در این کار استفاده می شود، گفت: راوی اول دانای کل است که بنا داریم برای تلطیف فضای سراسر مردانه این مستند از صدای یکی از هنرمندان خانم استفاده کنیم و راوی دوم در لباس مدرس ظاهر شده و تمام نقل قول ها، نطق های مجلس و همه قصه های موثقی که از ایشان روایت شده به علاوه کتاب «گنجینه خوف» (که به قلم مدرس نگارش شده است) از زبان او شنیده می شود به گونه ای که مخاطب احساس می کند خود مدرس با او سخن می گوید.

این کارگردان ادامه داد: متأسفانه صدا و فیلمی از این شخصیت وجود ندارد و تنها چند عکس معدود از ایشان باقی مانده است. ما برای مستندمان از آرشیوهای در دست مجلس، موسسه مطالعات تاریخ معاصر و عکس هایی که زمان تولید «خاطرات خانه متروک» از کاخ گلستان تهیه کرده بودیم، بهره بردیم چرا که کاخ گلستان سر این پروژه با ما همکاری نکرد. بیشتر این تصاویر به اواخر دوره قاجار یعنی از تاجگذاری احمدشاه به بعد



روایت سینمای ایران

از واقعه عظیم عاشورا در «شرح درد اشتیاق»

«شرح درد اشتیاق» عنوان نمایشگاهی است که از ابتدای محرم در محوطه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برپا شد و تا پایان ماه صفر ادامه داشت.

سینمای ایران همواره دغدغه مناسب‌های گوناگون را به واسطه سینماگران خوش ذوقش در خود دیده است. عاشورا و پرداختن به مضامین و ارکان گوناگون این واقعه جریان‌ساز، حال چه مستقیم و چه غیر مستقیم، از مهم‌ترین و جدی‌ترین مناسبتهای آیینی و مذهبی به‌شمار می‌آید که سینمای ایران سینه خود را برای آن فراخ کرده است. سینمای ایران در اقسام بسترهای خود، حتی در گونه‌های مستند و انیمیشن نیز از پرداختن به القای دستاوردهای این رویداد مهم حماسی - فرهنگی و البته دینی و تاریخی، دریغ نکرده است تا شاید تنها به مقداری، دین خود و تاریخ را به ایثار و جان‌فشانی‌های شهدای کربلا ادا کرده باشد. گرچه قامت تاریخ از آنچه در کربلا بر امام حسین (ع) و یاران‌اش رفت، هلال

می‌ماند، اما سینما با تکیه بر توان و بضاعت‌هایی که در خود دارد سعی کرده تا بخشی از فرهنگ عاشورایی را به تصویر بکشد. به هر حال سینمای ایران به واسطه آثاری چند، برآن بوده تا درباره قیام امام حسین (ع) و واقعه کربلا، شرح درد اشتیاق کند، هرچند که این حماسه دینی - فرهنگی به هیچ کلام و تصویری اندر وصف نمی‌گنجد. در نمایشگاه «شرح درد اشتیاق» آثار سینمایی زیادی معرفی شده‌اند و تعدادی از این آثار از محصولات حوزه هنری است. عکس‌ها به همراه متن نوشته‌ای از مستند «اربعین» ساخته ناصر تقوایی و فیلم‌های «سفیر» ساخته فریبرز صالح، «پرواز در شب» ساخته رسول ملاقلی‌پور، «شب دهم» ساخته جمال شورجه، «روز واقعه» ساخته شهرام اسدی، «به

خاطر هانیه» ساخته کیومرث پوراحمد، «بال‌های سپید» ساخته مهدی و ناصر هاشمی، «دست‌های خالی» ساخته ابوالقاسم طالبی، «مصائب دوشیزه» ساخته مسعود اطیابی، «دل شکسته» ساخته علی روئین تن، «عصر روز دهم» ساخته مجتبی راعی، «من و زیبا» ساخته فریدون حسن پور، «رستاخیز» ساخته احمد رضا درویش، «کربلا جغرافیای یک تاریخ» ساخته داریوش یاری، «ناسور» ساخته کیانوش دالوند و «هیئات» ساخته هادی مقدم دوست، روح اله حجازی، دانش اقباشاوی و محمد هادی نائیجی به عنوان فیلم‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم به این حادثه عظیم پرداخته‌اند در معرض دید قرار گرفت که در ذیل مشاهده می‌شود.

روز واقعه	کربلا جغرافیای یک تاریخ	رستاخیز	به خاطر هانیه
روز واقعه کارگردان: شهرام اسدی مستند: بهار کویتانی تهیه‌کننده: مریم شایسته تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند. مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.	کربلا جغرافیای یک تاریخ کارگردان: داریوش یاری مستند: داریوش یاری تهیه‌کننده: بهروز ملکی تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.	رستاخیز کارگردان: احمد رضا درویش مستند: احمد رضا درویش تهیه‌کننده: علی علیزاده تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.	به خاطر هانیه کارگردان: کیومرث پوراحمد مستند: کیومرث پوراحمد تهیه‌کننده: کیومرث پوراحمد تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.
از حمله دایمادی تا پسر عاشقی کارگردان: شهرام اسدی مستند: بهار کویتانی تهیه‌کننده: مریم شایسته تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.	پرده خونی حسینی روی پرده نقره‌ای کارگردان: شهرام اسدی مستند: شهرام اسدی تهیه‌کننده: شهرام اسدی تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.	کربلا در قاف سینمای ایران کارگردان: شهرام اسدی مستند: شهرام اسدی تهیه‌کننده: شهرام اسدی تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.	نظری برای دخترم کارگردان: شهرام اسدی مستند: شهرام اسدی تهیه‌کننده: شهرام اسدی تاریخ: ۱۳۷۲ (۲۱ مرداد ۱۳۷۲) داستان: شرح کربلا از دیدگاه تاریخی و علمی، مستند شامل فیلم‌های مستند، عکس‌های تاریخی، نقاشی‌ها، و فیلم‌های مستند.



جشنواره فیلم مقاومت آبرودار سینمای ایران

محمد محمدی

روزنامه‌نگار منتقد حکومت سعودی کنار زده و این مورد را در کنار از ده‌ها موردی که از سوی حاکمان این شبه‌جزیره به وقوع پیوسته در مقابل دیدگان ملت نمایان کرده، فیلمی که بی‌تردید اکران آن در ایام جشنواره نه تنها با استقبال مخاطبان مواجه خواهد شد بلکه حقایق بسیاری را از خاندان سعودی و رفتارهای بدوی و خوی وحشیگریان ایشان را برملا می‌سازد.

البته که می‌بایست دست‌میزاد گفت به برو بچه‌های جشنواره فیلم مقاومت که انصافاً این روزها آبروی سینمای ایران شده‌اند سینمایی که در جشنواره فیلم کوتاهش در اوج بی‌تدبیری و سیاست‌گذاری غلط به‌سادگی آب خوردن و بافتخار در نشست خبری خود بیشترین اثر متقاضی خارجی برای شرکت در جشنواره را از کشوری که سالیان سال است در حوزه فرهنگ و هنر کشور آشکارا دخالت کرده و البته بانفوذ در برخی مدیران و جایگاهی حساس فرهنگی مشغول مهره چینی نیز شده‌اند اعلام می‌دارند و این ظرفیت مهم و سرنوشت‌ساز را جولان‌گاه دلالان سابقه‌دار و البته مدیران نان به نرخ روز خور بدل کرده است و یا در جشنواره فیلم فجر که تنها کافی است در ایام برگزاری سری به کاخ جشنواره زده تا شاهد به هدر رفتن پول مردم با ایجاد بستری برای جلوگیری برخی «خودهنرمندپندار» آن‌هم در دورهمی سالیان سینمای ایران باشیم درحالی که در وصف تأثیرگذاری همان قدر کافی است که بگوییم به‌محض تمام شدن مراسم اختتامیه گویی نه‌خانی آمده و نه‌خانی رفته است و دقیقاً باوجود چنین وضع اسفناک و تأسف باری ست که باید خدا قوت جانانه‌ای گفت که این روزها نه تنها جشنواره‌های مقاومت به‌نوعی آبرودار فرهنگ و هنر این سرزمین شده‌اند بلکه به‌نوعی جورکش عقب‌ماندگی‌های مهم‌ترین فستیوال‌های هنری با هزینه‌های چند ده‌میلیاردی نیز می‌باشند

سالیان سال است که بسیاری از متخصصین و منتقدین سینه سوخته سینمای کشور بر عدم استراتژی مطلوب و مؤثر در سینما نقدها و مطالب بسیاری به رشته تحریر درآوردند خلائی که هر ساله و با نزدیک شدن به ایام مهم‌ترین و بزرگ‌ترین فستیوال سینمایی کشور بیش از پیش احساس شده و متأسفانه هر سال که بر سینمای انقلاب می‌گذرد نه تنها بوی بهبودی به مشام نمی‌رسد که با برگزاری هر دوره بذر ناامیدی بیش از پیش در سینمای ایران پاشیده می‌شود.

اما در این میان نیز بی‌انصافی است که این بی‌برنامگی و سردرگمی را مطلق جلو داده درحالی که به همت برخی سینماگران متعهد و معتقد هرازگاهی ولو کم و محدود نیز شاهد تولید و پخش آثار مهم و تأثیرگذار در قالب اکران‌های عمومی و جشنواره‌ای هستیم به‌عنوان نمونه در ادوار گذشته جشنواره فیلم مقاومت اثری با عنوان «پادشاه‌شن‌ها» اکران شد، فیلمی که انصافاً فوق استراتژیک و از منظر زیباشناسی و فنی نیز به‌شدت قابل دفاع تولید و اکران شده است.

در وصف تأثیرگذاری فیلم همانا که پادشاهان سعودی در اقدامی قابل تأمل و عجیب سازندگان فیلم را تهدید به قتل کردند و تمام سعی و اهتمام خود را برای عدم اکران و دیده نشدن فیلم در سرتاسر دنیا به کار بستند درحالی که با تلاش فراوان برخی دوستان متعهد در سینمای ایران آن‌هم علی‌رغم فشارهای متعدد و مختلف برای عدم اکران شاهد پخش این فیلم و صدالبته استقبال مخاطبین از آن بودیم.

اما امسال نیز در پانزدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت گروه رصد بین‌المللی این جشنواره مستندی با عنوان «فقط خاشقجی نیست» را آماده اکران کرده‌اند، اثری ضد سعودی که درواقع پرده از واقعیت‌های دل‌خراش پیرامون قتل



سخنگوی شورای صنفی نمایش:

شرایط اکران؛ دستاویزی برای فیلم‌های ضعیف



غلامرضا فرجی با اعلام اینکه بیشتر فیلم‌های ضعیف شرایط اکران را دستاویز عدم موفقیت خود قرار می‌دهند گفت: تمامی فیلم‌هایی که از وزارت ارشاد پروانه نمایش دریافت می‌کنند، می‌توانند سینمای سرگروه داشته باشند و ژانر اثر در این زمینه تأثیری ندارد. غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش در گفت‌وگویی درباره شرایط اکران اظهار کرد: هر فیلمی که از وزارت ارشاد پروانه نمایش دریافت کند می‌تواند، متقاضی اکران در تمامی سرگروه‌ها باشد، البته در سال گذشته اکران آزاد نیز داشتیم، اما به دلیل این که در سال جاری تعداد سینماهای سرگروه، افزایش پیدا کرد نمایش آزاد کلاً حذف شد تا تمامی فیلم‌ها در سینماهای سرگروه اکران عمومی شوند.

وی افزود: باید بدانید که نمایندگان صنوف بر چگونگی قراردادهای که در شورای صنفی نمایش تصویب می‌شود، نظارت دارند. این نظارت نیز در جهت اجرای قوانین و نظام‌نامه صورت می‌گیرد. درباره تعداد سینماهای سرگروه نیز باید بگویم در زمان حال هفت سینمای سرگروه داریم که قراردادهای آن‌ها بر اساس تعداد هفته اجرا می‌شود. شورای صنفی نمایش به هیچ وجه دخالتی در چرخه اکران ندارد، زیرا همانگونه که توضیح دادم شورا موظف است قراردادی که امضا می‌شود را اجرا کند. فرجی ادامه داد: اگر در اکران تغییراتی هم به وجود آید مطمئن باشید بر اساس قوانین و مستندات صورت گرفته است، برای مثال اگر فیلمی از اکران انصراف دهد این مسئله به صورت کتبی به شورای صنفی نمایش ابلاغ می‌شود. در این میان ممکن است این سؤال پیش آید چرا فیلمی بعد از دو هفته نمایش از اکران پایین کشیده می‌شود یا این که تعداد سالن‌های نمایش آن افزایش پیدا می‌کند؟ جواب این مسئله در قانون پیش‌بینی شده، زیرا طبق قانون هر فیلمی بعد از دو هفته نمایش اگر توانسته باشد کف فروش را کسب کند نمایش آن ادامه می‌یابد یا این که تعداد سالن‌هایش افزوده می‌شود، اما کاری که به تماشاگر لازم دست پیدا نکند، طبیعتاً چنین شرایطی را نخواهد داشت.

عدم دخالت شورای صنفی در اکران وی با بیان این که تعداد سینماها برای نمایش آثار سینمایی ارتباطی به شورای صنفی نمایش ندارد، چون پخش‌کننده فیلم است که تعداد سینماها را انتخاب می‌کند، تصریح کرد: برخی مواقع اعتراضاتی را از سوی عوامل فیلم شاهدیم که معتقدند تعداد سالن‌هایی که به نمایش فیلم‌شان اختصاص داده شده، مناسب نیست، در صورتی که اگر آن‌ها از شرایط اکران و قوانینی که بر آن حاکم است مطلع بودند قطعاً می‌دانستند که شورای صنفی در این زمینه دخالت ندارد و نقش اصلی را قرارداد بین پخش‌کننده و سینما دار ایفا می‌کند.

این مدیر سینمایی در پاسخ به این سؤال شکل اکران سبب مهجوریت فیلم‌های دفاع مقدسی شده است گفت: این که فیلم‌های دفاع مقدسی یا انقلابی چرا در اکران مهجور می‌ماند، بحث دیگری دارد، چون نمی‌توان سینما دار را مجبور کرد، حتماً فیلم‌هایی که ما اعلام می‌کنیم را اکران کند. سینما دار باید بتواند نیازهای خود را تأمین کند پس ناگزیر است به شرایط فروش فیلم‌ها توجه کند. اگر ما خواهان اکران مناسب برای فیلم‌های ارزشی هستیم باید یارانه‌هایی را به سینما داران بخش خصوصی اختصاص دهیم و آنگاه از آن‌ها انتظار حمایت از برخی آثار را داشته باشیم.

سخنگوی شورای صنفی نمایش گفت: برخی از انتقاداتی که درباره اکران مطرح می‌شود به نظرم کم رنگ کردن برخی کم‌کاری‌ها است تا عدم موفقیت فیلم به نوعی توجیه شود، در صورتی که ممکن است کار مربوطه خود ظرفیت دیده شدن را نداشته باشد. پس چاره‌ای برای سینما دار باقی نمی‌ماند که بعد از دو هفته نمایش، از ادامه اکران آن انصراف دهد. جالب است بدانید گاهی در هنگام نمایش یک فیلم فقط چند نفر تماشاگر آن هستند. باید بررسی کرد که دلیل این اتفاق چیست؟ آیا تبلیغات در این زمینه کافی و مؤثر بوده‌اند؟ آیا نباید پرسید پخش‌کننده فیلم برای بهتر دیده شدن چه اقداماتی انجام داده است؟ اگر منصفانه به این سؤالات پاسخ دهیم قطعاً بخشی از انتقادات از بین می‌رود.

وی در پاسخ به سؤالی درباره کم‌کاری سینماهای

حوزه هنری در حمایت از آثار ارزشی همچون «ماه‌ورا» گفت: این فیلم به سرگروهی سینما استقلال اکران شد، پس چگونه می‌گوییم این فیلم به شرایط اکران تن داده است. نکته دیگر به اولویت‌های حوزه هنری مربوط می‌شود. حوزه هنری بیشتر به بحث خانواده گرایش دارد، اما باید این امکان را فراهم آورد تا آثاری که چنین موضوعی دارند هم دیده شوند.

ساعت چرخشی نمایش فیلم‌ها فرجی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار کرد: بحث دیگری که ممکن است پیش آید به سانس‌های اکران فیلم مربوط می‌شود. در تهران ساعت اکران شرایط خاص خود را دارد به این نحو که، کارهای مربوطه به صورت چرخشی به نمایش درمی‌آیند. در شهرستان‌ها هم تقریباً شرایط مشابهی حاکم است، البته باید یاد آور شوم در شهرستان‌ها عموماً سینماها ۴۰۰ یا ۵۰۰ صندلی دارند، پس مجبورند در ساعات خوب، فیلم‌هایی را نمایش دهند که حداقل تعداد تماشاگر را تأمین کند، در غیر این صورت اگر همانند برخی آثار در بهترین ساعت نمایش، یک یا دو نفر بیننده داشته باشد در کوتاه مدت آن سینما تعطیل خواهد شد.

وی در پایان تأکید کرد: برای این که همه از اکران رضایت داشته باشند، جدا از تعداد سینماها که من نیز قبول دارم تعدادشان کم است، موضوعات دیگری هم وجود دارد که برای موفقیت یک کار سینمایی لازم است. در همین راستا باید به ظرفیت فیلم در جذب تماشاگر اشاره کنم و در مرحله بعد شرایطی که پخش‌کننده، فراهم می‌کند می‌تواند سبب موفقیت فیلم شود.



رسیدن به کربلا از «راه دل»



کارگردان مستند «راه دل» بیان کرد: هر سال بیش از هزار فیلم در راه اربعین ساخته می‌شود، بنابراین مستند ساز باید بتواند علاوه بر خلاقیت، نوآوری هم داشته باشد. ما تصمیم گرفتیم «مشتی اسماعیل» را که شرایط خاصی از نظر جسمی دارد، از بیراهه‌ها به کربلا برسانیم و او را در شرایطی شبیه اتفاقاتی که برای امام حسین (ع) پیش آمد قرار دهیم و عکس‌العمل‌های واقعی را ثبت و ضبط کنیم.

مهدی زمانپور کیاسری که روایت سفر پیاده‌روی کربلا «مشتی اسماعیل» پیرمرد نابینا کیاسری را به تصویر کشیده است، بیان کرد: من به عنوان کارگردان و مستندساز سعی می‌کنم بر روی موضوعاتی کار کنم که نو و بکر باشد بنابراین با توجه به اینکه اربعین سوژه جدیدی برای ساخت یک مستند نیست و گفته می‌شود سالیانه حدود هزار فیلم در این باره ساخته می‌شود، باید شرایطی را به وجود می‌آوریم که در پرداختن به آن نوآوری وجود داشته باشد. به عبارتی در اجرای آن نگاهی نو نیاز بود.

او با بیان اینکه در مستند «راه دل» قصد داشتیم پرداختن به موضوع اربعین را از کلیشه خارج کنیم؛ به ایسنا گفت: خلاقیت، تولید چیزی جدید است و نوآوری، بهترین و جدیدترین شیوه اجرا است. وقتی می‌خواهی کاری انجام دهی که خود به خود جدید نیست و در سال تعداد زیادی فیلم درباره همین موضوع ساخته می‌شود، باید به دنبال راهی باشی تا آن را از نگاه جدیدی بیان کنی.

این مستندساز در پاسخ به اینکه آیا برای ساخت این مستند سناریویی از پیش تهیه شده بود، بیان کرد: نمی‌توان برای یک مستند سناریویی را از پیش تهیه کرد که اگر چنین باشد دیگر یک کار کاملاً داستانی ساخته خواهد شد، اما می‌توان

کلیاتی از کار را در ذهن داشت تا بدانی از کجا می‌خواهی شروع کنی، در میانه راه کجا خواهی بود و در پایان به چه نتیجه‌ای می‌رسی. بنابراین ما هم با قرار دادن مشت‌ی اسماعیل در شرایط مختلف و در مسیری متفاوت از راه اصلی عکس‌العمل‌های واقعی او را ثبت و ضبط می‌کردیم. مثلاً در بیابان با خانواده‌ای عراقی برخورد می‌کند و از او می‌خواهند که شب را در کنار آنها سپری کند یا به او محبت می‌کنند و می‌خواهند پایش را

ماساژ دهند، خجالت می‌کشد. زمانپور ادامه داد: ما تصمیم گرفتیم مشت‌ی اسماعیل که شرایط خاصی از نظر جسمی دارد را در مسیری غیر از مسیر اصلی و در بیراهه قرار دهیم البته مقصد و هدف، مشخص و کربلا بود، تنها مسیر رسیدن به آن را متفاوت انتخاب کردیم و از این راه سعی داشتیم مشت‌ی اسماعیل را در شرایطی شبیه اتفاقاتی که برای امام حسین (ع) پیش آمد قرار دهیم. ما خودمان از قبل می‌دانستیم قرار است چه مسیری را برویم اما به مشت‌ی اسماعیل نمی‌گفتیم. گاهی هم نصیر که همراه همیشگی او بود در جریان مسایل قرار می‌گرفت. مشت‌ی اسماعیل را در بیراهه‌ها می‌بردیم، در بیابان قرار می‌دادیم و در آن شرایط عکس‌العمل‌های او را ثبت و ضبط می‌کردیم.

این کارگردان با تأکید بر اینکه «وقتی کار داستانی باشد می‌توان تمام اتفاقات را از پیش نوشت اما در یک پروژه مستند همه چیز قابل پیش‌بینی نیست» گفت: اگر این مستند از پیش نوشته شده بود هیچ گاه مشت‌ی اسماعیل نمی‌آمد در بیابان بنشیند، گریه کند که



فیلمبردار: سیدحسن سیدی پریشان؛ صدابردار: سیدمحمدصادق قاهری؛ صداگذار: حسن مهدوی؛ تدوینگر: حسین نیکزاد؛ مدیر تولید: اسدالاسدی؛ دستیار کارگردان و عکاس: اکبر روح؛ تهیه کنندگان: سمیه زراعت کار و مهدی زمانپور کیاسری؛ تهیه شده در: مرکز مستند سوره.

مهدی زمانپور کیاسری متولد سال ۱۳۵۳ در کیاسر و دارای مدرک کارشناسی ارشد کارگردانی از دانشکده صداوسیما است. وی با مستند «مشتی اسماعیل» ضمن حضور در بخش رسمی ده‌ها جشنواره ملی و بین‌المللی، موفق به دریافت سیمرغ بلورین کارگردانی فجر، جایزه بهترین فیلم جشنواره ویزیون دورتل سوییس و جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت شده است.



یکی از مخاطبان روسی می‌گفت عکس «مشتی اسماعیل» را روی صفحه کامپیوترم دارم و هر روز آن را می‌بینم و از آن انگیزه می‌گیرم.

این مستندساز اضافه کرد: «مشتی اسماعیل عاشق کربلا است، اینقدر که اگر هر روز هم به او بگوئی می‌آیی به کربلا برویم با تو همراه می‌شود.

زمانپور همچنین درباره مشکلاتی که در راه ساخت این مستند و در ایام اربعین وجود داشته، خاطر نشان کرد: برخی فکر می‌کنند با نابینا کار کردن سخت است اما شیرینی‌هایی هم دارد، به همین دلیل من در مستند جدیدم هم به زندگی یک سنگ‌شکن جنوبی که نابینا است پرداخته‌ام. «مشتی اسماعیل اصلا در راه مشکلی نداشت و بسیار راحت بود و اصلی‌ترین مشکل ما این بود که چون فیلمبرداری در مسیری غیر از راه اصلی کربلا انجام می‌شد، بارها در طول یک روز برای تصویربرداری و داشتن مجوز از ما پرس‌وجو می‌شد.

کیاسری در پایان گفت: برخی از مستندسازان به من انتقاد می‌کردند که تو یک مستندساز بین‌المللی هستی، چرا رفته‌ای و روی چنین مستندی کار کرده‌ای و راجع به امام حسین و کربلا فیلم ساخته‌ای؟ باید بگویم که ساخت چنین مستندی که ده روز بطول انجامید، افتخاری بود که نصیب من شد و جزو تجربیات خوب زندگی‌ام بود.

عوامل تولید مستند «راه دل» عبارتند از: پژوهشگر و کارگردان: مهدی زمانپور کیاسری،

حتی نتواند گریه‌اش را کنترل کند یا در مواجهه با یک خانواده عراقی در مقابل محبت‌هایی که به او داشتند و می‌خواستند پایش را ماساژ دهند، خجالت بکشد. پس همه اینها واکنش‌های طبیعی «مشتی اسماعیل» بود.

وی با اشاره به ساخت مستند «مشتی اسماعیل» که حدود ۵ سال پیش از «راه دل» ساخته شده بود، درباره سابقه آشنایی‌اش با «مشتی اسماعیل» گفت: «مشتی اسماعیل هم کیاسری است و ما هم ولایتی بودیم. بنابر این از کودکی او را می‌شناختم، کاملاً با زندگی او آشنا بودم و سبک زندگی‌اش برایم جالب بود که کشاورزی نابینا است اما تمام کارهایش را خودش انجام می‌دهد و حتی از یک فرد بینا هم توانا تر است. این تفاوت همیشه برای من حائز اهمیت بود. نکته دیگر از شخصیت او شوخ طبعی‌اش است. به این صورت که حتی خودش هم راجع به نابینایی‌اش شوخی می‌کند. هیچگاه معلولیت برای او محدودیت نبود البته که «مشتی اسماعیل» کور مادر زاد نبوده بلکه از کودکی به مرور بینایی‌اش را از دست داد و در نهایت حدود ۳۵ سالگی به طور کامل نابینا شده است.

او خاطر نشان کرد: فکر نمی‌کردم روزی برسد که از او مستند بسازم اما وقتی این اتفاق افتاد و فیلمش به نمایش درآمد در هر نقطه‌ای از دنیا با واکنش‌های جالبی مواجه شدم و هر کسی فیلم را دید اظهار کرد که بر روی زندگی او تأثیر گذار بوده است. فرقی هم نمی‌کرد که اگرانش در آمریکا، آلمان یا قطر باشد.

تبلیغات موثر



محمود کاظمی

این روزها رقابت در تبلیغات و معرفی کالاها و خدمات به یک ویژگی در تجارت و کسب و کارهای فرهنگی تبدیل شده است. با توجه به آنچه در سال‌های اخیر در سینماهای حوزه هنری به همت شما همراهان اتفاق افتاده و آقای حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری همواره به آنها عنایت داشته و از مجموعه ما حمایت کرده‌اند، وقت آن رسیده که به انعکاس درست این داشته‌ها و آورده‌ها فکر کنیم.

حوزه هنری به عنوان نهادی که در عرصه سینمای ایران، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد، در بخش سینماداری و سالن‌سازی هم گام‌های موثری برداشته و پا به پای بخش خصوصی فعالیت کرده. آن هم در روزهایی که نهادهای دولتی کمتر توجهی به موضوع سینماسازی داشته‌اند و اگر جهشی در سالن‌سازی در کشور اتفاق افتاده به دلیل حضور پررنگ بخش خصوصی بوده است.

بسیاری از رویدادهایی که در سینماهای حوزه هنری اتفاق می‌افتد ارزش انتقال و ترویج دارند، بسیاری از برنامه‌های مردمی و ورک شاپ‌ها، بسیاری از همایش‌ها و کنفرانس‌هایی که در بهترین سینماهای موسسه برگزار می‌شوند.

حضور پرشور مردم در اکران‌های مردمی حتی در شهرهای کوچک، تاثیر بازسازی‌ها در جذب مخاطب برای سینمای ایران و ... اخبار و اطلاعاتی که در سایت و نشریه موسسه به آنها پرداخته شده اما همچنان می‌توان به آنها توجه کرد. در نیمه دوم امسال، یکی از وظایف مدیران امور سینمایی حوزه توجه به انعکاس دقیق رویدادهای موسسه در قالب تصویر، عکس و اطلاعات است. ترویج فعالیت‌های همکاران در سراسر کشور و توجه به تلاشی که در سینماهای حوزه هنری برای بهتر دیده شدن فیلم‌ها انجام می‌شود، ارزش آن را دارد که رسانه‌ای شده و به قلب جامعه راه یابد. نکته دیگری که لازم است به آن اشاره کنم اهمیت اکران نیمه دوم سال است، ممکن است بضاعت سینمای ایران در ماه‌های پیش رو، به اندازه بهار و تابستان گذشته نباشد، اما این موضوع نباید عزم ما برای جذب مخاطب را کمتر کند. مهم این است که روند بازسازی و مسیر پیشرفت در جذب مخاطب متوقف نشود. ما در بهمن سبز، باید بر چالش‌های پیش رو چیره شویم و بتوانیم از فرصت‌ها بهتر استفاده کنیم. اکران نیمه دوم سال هم می‌تواند با تمرکز بر سانس بندی یا برگزاری اکران‌های مردمی، رونقی نسبی داشته باشد.



سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس: حمایت کمیسیون فرهنگی مجلس از سیاست‌های سینمایی حوزه هنری

با حوزه هنری نیست. وی تاکید کرد: اگر چه سازمان سینمایی متولی اصلی ارائه مجوز به آثار سینمایی است، اما به نظر می‌رسد با توجه به تعدد دستگاه‌های فرهنگی در کشور چاره‌ای جز به کارگیری این راهکارها و مصالحه نسبی با حوزه هنری نیست. آزادی خواه با بیان اینکه اجرای صحیح «نظام درجه بندی سنی» راه حل اصلی برای نمایش و تفکیک فیلم‌هایی مناسب خانواده‌ها است، توضیح داد: متأسفانه فاکتور رده بندی سنی در موضوعات فرهنگی کنار گذاشته شده است و با وجود طرح این موضوع از سوی رئیس فعلی سازمان سینمایی همچنان در عرصه سینما رعایت نمی‌شود در حالی که می‌تواند بسیاری از اختلافات و مشکلات را حل کند.

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه مدیران باید با شناخت به روز از جامعه و نیاز جامعه امروز تصمیم‌گیری کنند و لازم است درباره همه امور گفتگو کرد، افزود: حوزه هنری از زمان تشکیل، در زمینه سینما مدعی و بیشتر اوقات هم در موضع تقابل با دولت‌ها بوده است، آن‌ها رسالت‌شان را عمیق‌تر از تعاریف دولتی مطرح می‌کند و شاید این موضوع از نظر بسیاری افراد به معنای سیاسی کاری باشد اما بهتر است از نگاه فرهنگی به موضوع نگریست و به دنبال حل و فصل اختلاف‌ها رفت.

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس معتقد است برای حل مشکل فیلم‌های نمایش داده نشده در سینمای حوزه هنری در زمان بررسی یک اثر از ظرفیت حوزه هنری استفاده بیشتری شود.

احد آزادی خواه با اشاره به اعتراض‌های پیرامون عدم نمایش فیلم «عرق سرد» در سینماهای حوزه هنری، گفت: اگر چه این ادعای حوزه هنری که می‌تواند مستقل از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتار کند مورد انتقاد بسیاری است اما به لحاظ قانونی درست است و تخلف قانونی پشت این اقدام نیست به همین دلیل وزارتخانه فرهنگ و حوزه هنری باید بتوانند با مصالحه و تعامل، تفاوت دیدگاه میان خود را حل و فصل کنند.

نماینده مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اکثر فیلم‌هایی که از سوی حوزه هنری رد می‌شوند متعلق به بخش خصوصی بوده و در پی عدم نمایش در حدود ۷۰ سینمای حوزه هنری در سراسر کشور دچار ضرر مالی می‌شوند، اضافه کرد: بهتر است برای حل این مشکل در زمان بررسی یک اثر سینمایی برای ارائه مجوز تولید و اکران از ظرفیت حوزه هنری استفاده بیشتری شود.

اگر چه سازمان سینمایی متولی اصلی ارائه مجوز به آثار سینمایی است، اما به نظر می‌رسد با توجه به تعدد دستگاه‌های فرهنگی در کشور چاره‌ای جز به کارگیری این راهکارها و مصالحه نسبی

معتقدند مستند مخاطب ندارد و این اصلا درست نیست. اتفاقا اگر تبلیغات و اکران درستی برای این آثار در نظر گرفته شود مخاطبان بسیاری خواهد داشت.

وی اظهار کرد: محل دیگری که مستندها فرصت دیده شدن دارند شبکه مستند است که البته بنا به سیاستها و بحث کپی رایت کمتر پیش می آید مستندهای سینمایی و آثاری که از دل جشنواره سینما حقیقت بیرون می آیند در این شبکه نمایش داشته باشند. ضمن اینکه سازندگان آثار مستند سینمایی نیز ترجیح می دهد اول کارشان روی پرده دیده شود و بعد به تلویزیون بیاید. البته رسانه ملی معمولا ممیزی هایی دارد که همین کار را کمی سخت می کند.

مهدی بخشی مقدم عنوان کرد: شبکه مستند دغدغه مخاطب خاص را ندارد و برای مردم عام طراحی شده است بنابراین سعی می کند نحوه دیدن مستند را آموزش دهد و در کنار مستندهای حیات وحش که از قدیم بین مردم مخاطب داشته؛ مستند اجتماعی را معرفی کند اما گروه هنر و تجربه ادعای مخاطب خاص و فرهیخته دارد و انتظار می رود بتواند این گروه را راضی نگه دارد اما همین را هم نتوانسته است. کارگردان مستند «خانه ای برای تو» بیان کرد: من از لحاظ مخاطب و دیده شدن ترجیح تلویزیون است چون تعداد تماشاگرانش خیلی بیشتر است و هدف هر کارگردان در وهله اول این است که مخاطبان بیشتری کارش را ببینند. چنین فرصتی قطعا در تلویزیون فراهم تر است اما برای من هنوز چنین شرایطی به وجود نیامده است.



مهدی بخشی مقدم:

امید به زندگی و تلاش برای شرایط بهتر

برای ما مهمتر بود. چرا که می دانیم همه یک روز از این دنیا می رویم اما اینکه بتوانیم اثری از خود به جا بگذاریم ارزشمند است. مستند ما مشاهده گر است و از ابتدا قرار نبود ما تاثیری بر سوژه و خط قصه بگذاریم. در واقع همه چیز در خدمت همان هدفی بود که داوود می خواست رقم بزند. این کارگردان در معرفی قصه و عوامل نیز توضیح داد: داود جوان ۳۰ ساله اهل یکی از روستاهای گیلان است. کمتر از یکسال از ازدواجش نگذشته که در شغلش دچار شکست وحشتناکی شده و همزمان متوجه می شود که به سرطان پیشرفته ای دچار است و در همین شرایط برای زندگی اش تصمیمات جدیدی می گیرد.

مهدی شامحمدی تهیه کننده، محمد حدادی تصویربردار، عطا مهراد تدوین گر، حسن شبانکاره صدابردار، حسین ابراهیمی صداگذار و افشین عزیزی آهنگساز در این پروژه که در مرکز مستند سوره تهیه شده است با من همکاری داشتند.

کارگردان «اسب چوبی» و «صد و سه روز» بیان کرد: اگر چه پیش از این تجربه تولید مستند و چند مجموعه تلویزیونی داشتم اما «خانه ای برای تو» نسبت به همه کارهای قبلی متفاوت تر بود و به لحاظ کارگردانی، فن بیان، شیوه پرداخت و... به نظر خودم کار پخته تری شده است. شاید همین باعث شود به زودی کار بعدی را آغاز کنم و با وسواس بیشتری پیش بروم.

وی درباره مخاطبان سینمای مستند نیز گفت: قطعا نمایش آثار مستند در محافل دانشجویی خیلی به دیدن شدن این آثار کمک می کند اما شاید گروه سینمایی «هنر و تجربه» محل بهتری باشد که متأسفانه این روزها در حوزه مستند بسیار بی رمق و بی انگیزه هستند. چرا که

کارگردان «خانه ای برای تو» معتقد است اکران آثار مستند در گروه هنر و تجربه بی رمق است چون به باور آنها مستند مخاطب ندارد و این اصلا درست نیست.

مهدی بخشی مقدم که تازه ترین اثر مستند خود را برای حضور در جشنواره سینما حقیقت آماده می کند در این باره به سوره سینما گفت: مستند «خانه ای برای تو» در آخرین مراحل فنی به سر می برد و به زودی آماده نمایش خواهد شد. این اثر درباره موضوع مرگ آگاهی است یعنی کسانی که متوجه می شوند فرصت چندانی برای زندگی کردن ندارند و می خواهیم ببینیم با علم به این موضوع زندگی شان چه تغییری می کند.

وی افزود: اولین بار این سوژه را با مرکز مستند سوره مطرح کردم و متوجه شدم مهدی شامحمدی نیز چنین دغدغه ای دارد. به همین خاطر تحقیقات مان را با همدیگر آغاز کردیم و به بیمارستان های مختلف رفتیم تا به داوود رسیدیم. فردی که پزشکان جواب کرده و گفته بودند چند ماه بیشتر زنده نیست اما در فرصتی که دست داد و با او روبه رو شدیم دریافتیم فردی تلاش گر است که تصمیم های بزرگی برای ادامه زندگی اش دارد.

بخشی مقدم در پاسخ به این که در مواجهه با چنین شخصیتی چه قدر تاثیر گرفته است، گفت: تاثیرش روی من و مخاطبانی که در این مدت کار را دیده اند امید به زندگی و تلاش برای شرایط بهتر حتی برای مدت کوتاه بود. در مستند می بینیم با اینکه از جایی به بعد شرایطش سخت شده و اوضاع جسمانی اش خوب نیست اما یک لحظه از زندگی کردن دست بر نمی دارد. نگاه ما فقط درد و رنج نیست بلکه مخاطب همراه داوود به یک ایمان قلبی می رسد و این از هر چیزی



علی سرتیپی:

فروش خوب فیلم‌ها در شهرستان‌ها به دلیل عملکرد موفق حوزه هنری است



علی سرتیپی کار حرفه‌ای در سینما را با بازیگری در «قربانی» رسول صدرعاملی از خویشاوندان نزدیکش آغاز کرد و با «راه و بیراه» و «باز باران» بازیگری را ادامه داد و حتی در دو فیلم از آثار ایرج قادری با عناوین «طوطیا» و «شهرت» که این دومی سالها توقیف بود ظاهر شد با این حال بازیگری برای سرتیپی عایدی چندانی در سینما نداشت و این تهیه‌کنندگی و بعدتر مدیرعاملی موسسه پخش «فیلمیران» بود که اسباب اشتهار سرتیپی در سینمای ایران را موجب شد.

سرتیپی در میانه دهه هشتاد و بعد از تجربیاتی که به عنوان تهیه‌کننده در آثاری نظیر «آکوارיום»، «دیشب بابا تو دیدم آیدا» و «توکیو بدون توقف» داشت به همراه رسول صدرعاملی، محمدرضا تختکشیان، حمید اعتباریان و غلامرضا موسسه پخش فیلمیران را راه انداخت و خود نیز مدیرعاملش شد و در بازه‌ای اندکی بیش از یک دهه‌ای از تأسیس فیلمیران تبدیل به موسسه پخش شد که همگان علاقه دارند محصولاتشان توسط آن عرضه شود.

این در کانون توجه قرار گرفتن فیلمیران موجب شده سرتیپی چهره‌ای در سینمای ایران باشد که حرف و حدیث درباره‌اش فراوان است و کم نیستند سینماگرانی که انتقاداتی را به موسسه پخش متبوع وی دارند اما یک واقعیت را نباید از نظر دور داشت و آن هم، تأثیرگذاری سرتیپی به عنوان پخش‌کننده در سینمای ایران!

سرتیپی با «سوره سینما» درباره جایگاه حوزه هنری به عنوان تولیدکننده و پخش‌کننده قدیمی سینمای ایران سخن گفته است.

و عالی، نمره دهیم من به حوزه هنری نمره خوب می‌دهم.

*تعامل حوزه با پخش‌کنندگان مستقل را چگونه می‌بینید؟

در مجموع تعامل مثبتی داشته است و خودمان به عنوان یک پخش خصوصی داریم با حوزه همکاری می‌کنیم و خوشبختانه خوب هم با یکدیگر کار می‌کنیم و بده‌بستان‌های سینمایی داریم و همچنین ارتباط میان ما مثبت است. به عنوان مثال فیلم «به وقت شام» ابراهیم حاتمی کیا پخشش با فیلمیران بود اما حوزه به ما کمک کرد تا پخش این فیلم استراتژیک به درستی صورت گیرد یا اخیرا هم «تنگه ابوقریب» را حوزه پخش می‌کرد و ما نیز سعی کردیم هر چه در توان مان است برای این فیلم انجام دهیم. حوزه هنری در سالهای اخیر سعی کرده با اغلب موسسات پخش تعامل خوبی داشته باشد و فارغ از پاره‌ای سوءتفاهمات کمک کند به دیده شدن فیلم‌های پخش‌کنندگان مختلف.

*...اما هستند پخش‌کنندگانی که از عدم نمایش فیلم‌هایشان در سینماهای حوزه گلایه می‌کنند.

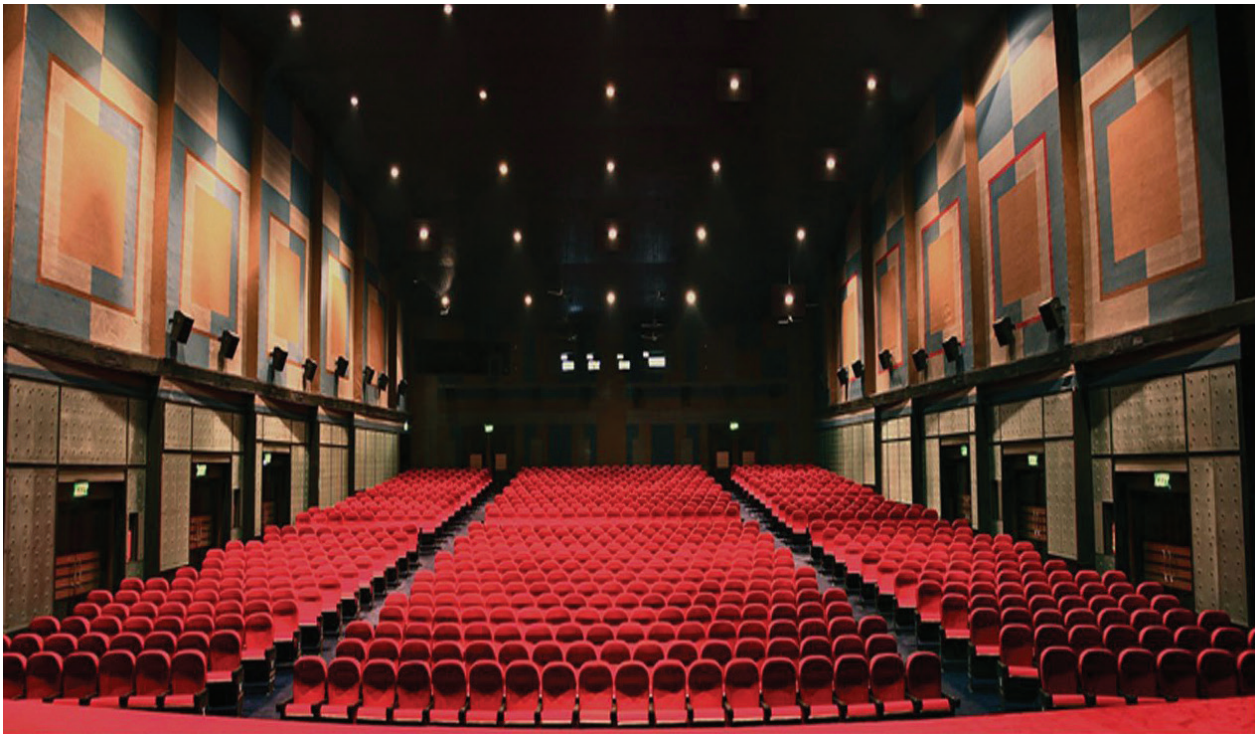
به هر حال هر ارگان حکومتی مانیفست خود را دارد. همان طور که فلان ارگان باید فلان فیلم را تولید کند حوزه هنری به عنوان سینمادار هم استانداردهای خاص خود را برای اکران دارد. من به این اعتقاد ندارم که می‌گویند حوزه یک سری

*به عنوان مدیر یکی از موسسات پخش سینمای ایران نگاهتان به حوزه هنری چه به عنوان سالن‌دار و چه به عنوان پخش‌کننده چگونه است؟

جایگاه حوزه هنری را در سینمای ایران مجموعا مثبت می‌بینم. چه به نوع تولیدات که بعد از انقلاب اسلامی داشته و به کمک گونه‌های مختلفی از سینما رفته و چه به لحاظ سالن‌داری. حوزه هنری در دهه شصت که هنوز سینمای بعد از انقلاب روی پایش نایستاده بود کمکهای شایان توجهی را هم در زمینه تولید و هم اکران انجام داد. به هر حال بخش عمده‌ای از سالن‌های سینمایی کشور با دستور مقامات به حوزه هنری رسیده بود و حوزه نیز سعی کرد تا حد امکان در روندی مثبت و روبه رشد سالن‌ها را اداره کند. البته که در سال‌های اخیر نیز حوزه هنری کوشیده با بازسازی سالن‌های شهرستانها کارکرد به‌روزتری از خود ارائه کند؛ در همین مسیر پردیس هویزه مشهد وارد چرخه سینماها شد و تعدادی سینما در تهران و شهرستان هم ساخته یا بازسازی شد.

*اگر بخواهید به عملکرد سینمایی حوزه هنری امتیاز دهید نگاه‌تان نمره قبولی است؟

همه چیز نسبی است و باید عملکرد نهادهای حکومتی را به نسبت شرایط مختلفی که در آن قرار گرفته‌اند سنجید. من نمی‌گویم عملکرد حوزه عالی است ولی اگر بخواهیم بین بد، خوب



فیلم‌ها را نشان نمی‌دهد؛ این موضوع اتفاقی است و ناشی از همان مسئولیتی که بر دوش مدیران حوزه هست. البته شخصا امیدوارم روزی برسد که این قضا یا تمام شود و سوء تفاهم‌ها از بین برود و حوزه هنری بتواند تمام فیلم‌هایی که از ارشاد پروانه گرفته‌اند را اکران کند.

* به جز حوزه هنری، در سالهای اخیر شهرداری هم به سینماداری روی آورده است. عملکرد این دوارگان را در قیاس با یکدیگر چطور می‌بینید؟

باید بگویم شهرداری با آن گستردگی که حوزه هنری به لحاظ تعداد سالن دارد قابل قیاس نیست. شهرداری حتی در تولیدات هم چندان موفق نبوده و هیچ چیز مثبتی از خودش نشان نداده است و در سینماداری هم به همین صورت بوده است. البته اینکه برخی فیلم‌ها توسط شهرداری ساخته شده باشد یک امر خوب و حرکت مثبتی است که در دوران محمدباقر قالیباف اوج گرفت ولی تولید وقتی موثر است که به جریان تبدیل شود ولی شهرداری نتوانسته در مقوله تولید روندی مفید به وجود آورده و حرکتی رو به جلو داشته باشد.

* حوزه هنری در سالهای اخیر انرژی مضاعفی را گذاشته برای بازسازی سالن‌های فرسوده که تعدادشان در کشور کم هم نیست. از این حیث عملکرد حوزه را چطور دیدید؟

البته بخش خصوصی و سینماداران شخصی هم در حد توان خود سعی کرده‌اند در مسیر بازسازی کمک حال چرخه اکران باشند ولی حوزه هنری

چون به صورت پویا بازسازی را در دستور کار قرار داده خیلی موثرتر است. بازسازی و اضافه کردن سالن‌ها و یا بازسازی سالن‌هایی قدیمی یک گام بسیار مثبت است و من امیدوارم که حوزه این روند را با قدرت ادامه دهد چون باید هم این کار را بکند و گر نه سینماهای قدیمی شهرستان‌ها کاملاً مستعمل خواهد شد. حوزه هنری در این زمینه بسیار خوب فعال بوده و عملکرد خوبی داشته است. این را هم اضافه کنم دلیلی که در شهرستان‌ها مقداری مجموع فروش سینماها بالا کشیده شده است همین عملکرد حوزه هنری در بازسازی‌ها و درست کردن سالن‌ها می‌باشد و نشان دهنده اینکه اگر در شهرستان‌ها هم سالن باکیفیت باشد مطمئناً مخاطبان به جای نشستن پای تلویزیون به سینماها می‌روند و فیلم‌های روز را می‌بینند.

* اینکه کیفیت سالن کمک می‌کند به افزایش فروش کاملاً اثبات شده ولی همچنان عده‌ای به دنبال بریز و بپاش در تولیدند؟!

اتفاقاً به شدت به سالنهای خوب نیاز داریم. سینمای ایران علیرغم همه هیاهوهای که دارد بنیه بسیار ضعیفی دارد و وقتی به مجموعه آن بنگرید می‌بینید که چقدر سینمای ضعیفی داریم و اینکه حوزه هنری در کنار تولید روند توسعه یافته‌ای در بازسازی سالن دارد به شدت راهبردی است. شخصا از مدیران حوزه هنری می‌خواهم برای مجموعه سینمای ایران انرژی بگذارند و به عنوان یک ارگان حکومتی

کمک کنند به گردش چرخ سینما زیرا حوزه با توجه به پشتوانه حکومتی و سالن‌هایی که دارد می‌تواند خیلی حرکت و جنب و جوش در بخش‌های مختلف سینما به وجود آورد. مثلاً در مقوله نمایش می‌تواند سالن‌های بیشتری را به‌روز، تجهیز و راه‌اندازی کند چون این کار به مجموعه سینما کمک می‌کند. این حس و حال و پتانسیل حرکت روبه جلو در حوزه هنری وجود دارد و امیدوارم در کنار بخش خصوصی که حرکتی موثر را در سینماداری آغاز کرده، این سالن‌سازی‌ها و بازسازی‌ها و همچنین افزایش سالن‌های حوزه هم تشدید شود و به اصطلاح دوزش را بالا ببرند و بیشتر ورود کنند تا روزی برسد که هیچ سینماگری از کمبود سالن برای فیلمش گلایه نکند.

* پس شما هم به مانند منتقدان تان به کمبود سالن نقد دارید.

مشکل اصلی چرخه اکران ما کمبود سالن است و اگر سالن‌های بیشتری داشته باشیم خیلی از دعوها و سوء تفاهم‌ها و دلخوری‌ها که در سینما وجود دارد دیگر وجود نخواهد داشت. حوزه هنری از جمله نهادهایی است که می‌تواند در این زمینه کمک حال بخش خصوصی باشد و با افزایش سالن‌های مفید سینمایی شرایطی را ایجاد کند تا در یک دهه آینده، حداقل گلایه‌ها را از کمبود سالن‌ها داشته باشیم.



حوزه هنری اصفهان میزبان مراسم رونمایی از پوستر جشنواره مقاومت

شهیدان - شیروانیان و اقدامی - به عنوان نخستین شهید مدافع حرم و کوچک ترین شهید مقاومت گفت: جشنواره بین المللی فیلم مقاومت قدیمی ترین جشنواره در حوزه مقاومت و انقلاب اسلامی است که از سال ۶۲ نخستین دوره آن در تهران آغاز به کار کرد و هم اکنون به صورت در کشور و منطقه دوسالانه برگزار می شود.

وی افزود: برای آیین رونمایی از پوسترهای این رویداد فرهنگی و سینمایی هر دوره به خانواده شهدا زحمت می دهیم و این افتخاری است برای ما که پوستر جشنواره بین المللی مقاومت به دست خانواده این عزیزان متبرک می شود.

وی ادامه داد: جشنواره بین المللی فیلم مقاومت هر چند اندک، ولی تلاش می کند حداقل یاد و خاطره شهیدان را زنده نگه دارد. و دلمان به همین کلام رهبر جانبازمان خوش است که زنده

در این مراسم مهدی احمدی فر، مدیر کل حوزه هنری استان اصفهان با بیان اینکه اصفهان در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، پیشگام و جبهه اول بوده است اظهار کرد: زمانی که بررسی کنیم در می یابیم سرمنشا بسیاری از حرکت های انقلابی و بسیاری از عملیات های خاص و تراز اول در زمان جنگ، اصفهان بوده است.

وی افزود: این مراسم به حق در اصفهان برگزار شده است و این افتخاری دیگر برای این شهر است و امیدوار هستیم برای دو سال آینده جشنواره شانزدهم فیلم مقاومت نیز در اصفهان برگزار می شود.

در ادامه محمد خزاعی دبیر جشنواره بین المللی فیلم مقاومت ضمن ابراز خشنودی از حضور خود در بین خانواده شهدای مدافع حرم، خانواده های



پوستر پانزدهمین دوره بخش اصلی و ویژه جشنواره بین المللی فیلم مقاومت در حوزه هنری اصفهان رونمایی شد.

آیین رونمایی از پوستر پانزدهمین دوره جشنواره بین المللی فیلم مقاومت عصر روز یکشنبه ۲۹ مهر ماه در عمارت سعدی حوزه هنری استان اصفهان با حضور خانواده شهدای مدافع حرم و خانواده شهید طاها اقدامی و شهید شیروانیان، حسین صابری مدیر عامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، محمد خزاعی دبیر جشنواره بین المللی فیلم مقاومت، یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و محافل سازمان سینمایی حوزه هنری و جشنواره مقاومت و جمعی از هنرمندان اصفهانی برگزار شد.

نگه داشتن یاد شهدا کم از شهادت نیست.

دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت تصریح کرد: ما شرمساز شهیدان هستیم چرا که این همه سال، عزت و عظمت این عزیزان و چتر پربرکت یادشان در لابلای تصاویر روزمرگی‌ها، لذت‌ها و سرگرمی‌ها و محنت‌های حقیر گم کرده‌ایم.

به گفته وی شهدا راه آسمانی را پیموده‌اند و حال نوبت ماست، نوبت ماست که اگر هنری نداریم لااقل خاطره هنر شهیدان را در جانمان و جامعه به یادگار جاری سازیم.

خرزاعی با بیان اینکه جشنواره فیلم مقاومت روایت دفاع مقدس و جنگ است گفت: این رویداد روایت مدافعین حرم است، روایت عاشقان کربلا، روایت انقلاب و انتظار.

وی ادامه داد: جشنواره فیلم مقاومت، محفل مجاهدانی است که هنوز در هیاهوها و رنگ‌ها و صداها و تصاویر رنگ باخته پرده‌های سینما گم نشده‌اند، خیمه گاه کسانی که روای مقاومت هستند از ایران، از سوریه، از عراق، از فلسطین، نیجریه و از هر کجای عالم که صدای مظلومی بلند است.

دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم مقامت با اشاره به اینکه این جشنواره از ۵ تا ۹ آذر ماه با حضور فیلم‌سازان داخلی و خارجی برگزار خواهد شد گفت: به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی دو بخش ویژه در این جشنواره پیش‌بینی شده که نخستین آن «جلوه گاه نور» است که موضوع آن مرتبط با حوزه انقلاب است و بخش ویژه دیگر بهترین فیلم از نگاه مردم است که فراخوان آن به زودی اعلام می‌شود.

خرزاعی در خصوص هفته‌های فیلم خارج از کشور بیان کرد: در تلاش هستیم تا بتوانیم گلچینی از فیلم‌های جشنواره را در دو کشور لبنان و سوریه نمایش دهیم که برنامه ریزی‌های جدی در این حوزه در حال انجام و پیگیری است.

وی ادامه داد: بخش دیگر در مورد آموزش فیلم‌سازان خارجی در منطقه است که همواره تلاش شده در حوزه فیلم مقاومت آموزش‌هایی به فیلم‌سازانی که بر علیه رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کنند و نگرشی شبیه به ما دارند، داده شود ولی باتوجه به مشکلاتی که امسال به وجود آمده است فیلم‌سازان محدودتری را برای این بخش شناسایی کردیم تا در کلاس‌های فشرده شرکت کنند و جالب است بدانید به واسطه همین آموزش‌ها تاکنون ۲۷۰ فیلم‌ساز در منطقه تربیت شده‌اند.

دبیر جشنواره فیلم مقاومت در مورد بخش نکوداشت جشنواره فیلم مقاومت اظهار کرد: یکی از جدی‌ترین بخش‌های این دوره از جشنواره فیلم مقاومت انتخاب چهره مقاومت سال ۲۰۱۸ است که در سال ۲۰۱۴ آقای سید حسن نصرالله و در سال ۲۰۱۶ عبدالملک حوئی، رهبر حوئی‌های یمن انتخاب شده‌اند و برای این دوره نیز شورای راهبردی جشنواره در تلاش برای انتخاب این چهره از بین چهره‌های ملی و منطقه‌ای است.

حسین صابری مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس در این مراسم طی سخنان کوتاهی گفت: تمایل بر این بود که در منزل شهدا خدمت آنان برسیم و خوشحالیم که خانواده‌های شهدا مجلس ما را مزین کرده‌اند.

وی خبر داد: در نظر داریم با همکاری حوزه هنری اصفهان و انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس



دو فیلم در مورد زندگی شهید طاهای اقدامی و شهید شیروانیان تولید کنیم.

پدر شهید مدافع حرم:

باید رشادت‌های شهیدان برای آیندگان ثبت شود

در ادامه این مراسم مدیر کل بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان اصفهان گفت: همان‌طور که رهبری فرمودند، شهدای مدافع حرم ره صد ساله را یک شب طی کردند. آنها علی‌رغم این که دوران انقلاب و جنگ هشت ساله و حضرت امام خمینی را ندیده بودند، زمانی که انقلاب و جبهه‌های مقاومت به آن‌ها نیاز داشت با بصیرتی که به برکت خون شهدای دفاع مقدس نصیب آن‌ها شده بود توانستند بدون هیچ

هیاهویی که بعضاً در دوران دفاع مقدس برای یک اعزامی تبلیغ و برنامه مطرح بود، مظلومانه و غریبانه رفتند و از دین و حریم اهل بیت و قرآن و ارزش‌های واقعی اسلام و انقلاب دفاع کردند و فراتر از جغرافیای کشور خود در جبهه‌های مقاومت حضور پیدا کردند.

مجتبی شیروانیان ادامه داد: لذا باید بهترین هنرمندان این هنرمندی‌ها را به تصویر بکشند هر چند که شهدا نیازی به تبلیغ ندارند ولی باید این رشادت‌ها ثبت و ضبط بشود تا برای نسل‌های آینده که نیازمند پی بردن به سیره شهدا هستند در دسترس باشد.

پدر شهید خردسال طاهای اقدامی:

خوشحالم جشنواره مقاومت در زمینه تربیت فیلمسازان جهان اسلام اقدام کرده‌است

پدر شهید مدافع حرم شیروانیان در خصوص شهید طاهای اقدامی خاطر نشان کرد: باید حق مطلب در مورد شهدا و بالخصوص آخرین شهید مدافع وطن که لبیک یا حسین گویان در روز قبل از شهادت خود بدون این که معنی آن را بدانند، خیلی زود حضرت اباعبدالله الحسین (ع) مانند شهدای دیگر خریدار او شدند و امروز تبدیل به افتخاری برای مملکت ما و نظام ما و برای تمام آنهایی شده است که لبیک یا حسین می‌گویند.

سعدالله اقدامی گفت: از بابت شنیدن خبر کار فرهنگی در خارج از کشور خوشحال شدم چرا که در کار فرهنگی خیلی عقب هستیم و امروز آل سعود در این خصوص قوی عمل می‌کند به طوری که به روح و انگیزه جوانان نفوذ کرده و شاهد این هستیم که جوانانی با انگیزه کامل در حالی که الله اکبر می‌گویند، جوانان و کودکان را می‌کشند و می‌گویند خدایا از ما ماضی باش!

وی ادامه داد: خوشحالم که جشنواره فیلم مقاومت در زمینه آموزش مستندسازان منطقه‌ای اقدام کرده است و اعتقاد دارم در زمینه نیاز به تربیت و پرورش و آموزش فیلمسازان داریم.

پدر شهید خردسال طاهای اقدامی ادامه داد: در مورد مقاومت پیامی داریم و باید بگویم مردم و خانواده شهدا مقاوم هستند و خسته نیستند. تا پیش از این هم گوش به فرمان رهبری بودیم ولی از زمانی که کودک خردسال شهید شد احساس می‌کنم انگیزه و مقاومت بیشتر شد.

در انتهای مراسم از پوسترهای بخش اصلی جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت و بخش ویژه عماد مغنیه رونمایی شد و از خانواده شهدای مقاومت تجلیل به عمل آمد.



میزگردی با حضور مدیرعامل موسسه هنرهای تصویری سوره در شبکه سه سیما

غربت شبکه نمایش خانگی

در این جریان عمل کنند و حامی این گروه باشند. متأسفانه همه اینها به نفع تعدادی آدم خاص از هم پاشیده شد و از بین رفت. از طرفی هم با ورود پول‌های کثیف به این حوزه اوضاع بدتر شد.

عبدی پور: از آقای پارسایی مدیر شبکه نمایش خانگی وزارت ارشاد هم دعوت کردیم که در این برنامه در کنار ما حضور داشته باشند، اما ایشان نپذیرفتند، از پروین حسینی پرسید: شما به عنوان کسی که هم اکنون سریال «ساخت ایران ۲» را در حال پخش از شبکه نمایش خانگی دارید تجربه خودتان از شبکه نمایش خانگی و مدیریت آقای پارسایی را بگویید. آیا ایشان وظیفه شان را به درستی انجام میدهند؟ آیا معتقدید که وزارت ارشاد نارسایی اجرایی و مدیریتی دارد در زمینه نمایش

حوزه یک میدان به هم ریخته، پر از سواستفاده، بی عدالت، ترویج برخی مبادی مخالف با جامعه و میدانی بدون متولی است.

عبدی پور: مگر متولی این حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست؟ **خندق آبادی:** ما تا ۸ سال پیش از ۲۸ موسسه نمایش خانگی برخوردار بوده‌ایم و الان تعدادمان به انگشتان دست هم نمی‌رسد. این به این معنی است که اگر اینها متولی داشتند و حمایت می‌شدند و سازماندهی می‌شدند، چنین وضعیتی به وجود نمی‌آمد.

عبدی پور: مگر آن موسسات به خاطر رقابت‌های اقتصادی کناره گیری نکرده‌اند؟

فهمیم: خیر. قرار بود وزارت ارشاد و موسسه شبکه نمایش خانگی با مدیریت آقای پارسایی به عنوان مادر

برنامه «کیوسک» شبکه سوم سیما با حضور سعید خندق آبادی مدیرعامل موسسه هنرهای تصویری سوره حوزه هنری، محمد تقی فهمیم منتقد سینما و سید امیر پروین حسینی تهیه کننده، و احسان عبدی پور به عنوان کارشناس مجری با موضوع بررسی شبکه نمایش خانگی به روی آنتن شبکه ۳ سیما رفت. گزارش این برنامه را می‌خوانیم.

عبدی پور: درباره رشد رسانه‌های خانگی در ایران توضیح دهد: اینکه آیا این رشد در ایران متناسب با اتفاقاتی است که در جهان افتاده یا خیر؟ و ایراد اساسی این جریان چیست؟

فهمیم: تفاوت‌های زیادی بین نمایش خانگی در ایران و جهان وجود دارد و اصلاً شباهتی بین آنها نیست. نمایش خانگی در ایران مانند سینما یک بچه ناقص است. چون از ابتدا هدف‌گذاری درستی در این زمینه نشده. قبل از شکل‌گیری «نمایش خانگی»، «رسانه‌های تصویری» بود که اواسط دهه ۷۰ به وجود آمد و تا الان که شکل نمایش خانگی دارد، برخی از این رسانه‌ها تعطیل یا ادغام شده‌اند. اگر بخواهیم این روند را مرور کنیم متوجه می‌شویم که چه قدر باید تأسف بخوریم به یک موضوع پر تجربه در جهان که همه این راه را رفته و پیشرفت کرده‌اند اما در کشور ما به عنوان یک امر ابتدایی حتی نتوانستیم سر و سامانی به این موضوع بدهیم. ایراد اساسی این

خانگی، فیلم‌های ویدیویی و رایت فیلم‌های سینمایی؟

پروین حسینی: دفتر ما جزو تهیه‌کنندگان سرسخت هست یعنی چشممان به دست دیگران نیست و متکی به خود هستیم و تنها توقعمان از مدیران این حوزه فقط تنظیم است. من به عنوان کسی که کارهای زیادی در سینما، تلویزیون، شبکه نمایش خانگی و در کشورهای مختلف کرده‌ام، به استانداردهایی در این زمینه‌ها رسیده‌ام. متأسفانه خیلی از همکاران ما توقعات زیادی دارند، آنها تهیه‌کنندگانی هستند که از جایی پول می‌گیرند و آن پول را بین کسانی تقسیم می‌کنند، اما حتی معمولی‌ترین وظایف یک تهیه‌کننده را هم انجام نمی‌دهند.

عبدی پور: از سال ۸۵ با ساخت و پخش «قلب یخی» و «قهوه تلخ» از شبکه نمایش خانگی جریانی در این حوزه به وجود آمد، لطفاً این جریان را با توجه به عمر ۱۲ ساله خودش و آزمون و خطاهایی که در ابتدای شکل‌گیری هر کاری وجود دارد بررسی کنید.

پروین حسینی: متأسفانه یک ایراد مدیریتی در کل بخش فرهنگ کشور وجود دارد و آن فقدان شجاعت است. مدیران نمی‌توانند پای استراتژی‌های خودشان بایستند. در گذشته استراتژی‌ها تکلیفش مشخص بود و نتیجه داشت.

خندق آبادی: شما تیراژ قهوه تلخ و ساخت ایران را با هم مقایسه کنید؟ قهوه تلخی که ۲ تا ۳ میلیون تیراژ داشت به چند رسیده است؟ وی افزود: عدم حمایت وزارت ارشاد باعث این اتفاق است چرا که تا الان با توجه به تنوع در ژانرها و افزایش کیفیت تولیدات در شبکه نمایش خانگی و دیگر عوامل لااقل تا قبل از گران شدن قیمت تولیدات در شبکه نمایش خانگی می‌بایست افزایش مخاطب داشته باشیم نه کاهش.

عبدی پور: زمان پخش قهوه تلخ فقط ۲ سریال در شبکه نمایش خانگی پخش می‌شد، اما الان ممکن است همزمان ۵ فیلم در حال پخش باشد، **VOD** و هجوم فیلم‌های سینمایی به رسانه‌های خانگی، تلویزیون و... را هم در نظر بگیرید و به همین نسبت تیراژ و فروش را حساب کنید، در حقیقت الان بازار شلوغ‌تر شده است.

خندق آبادی: این دلیل منطقی نیست. وقتی ما فیلمی را در شبکه نمایش خانگی منتشر می‌کنیم فردای آن روز لینک داندوهای رایگان فیلم در تمام سایت‌ها موجود است. کانال‌های تلگرامی غیرقانونی فیلم‌ها را برای داندو در اختیار مردم قرار می‌دهند از طرفی دیگر شبکه‌های ماهواره‌ای چندین بار فیلم را پخش می‌کنند. یا وجود کپی‌های غیرقانونی در سراسر کشور همه اینها دلیلی است بر عدم وجود متولی و شما

فکر کنید که اگر یک فیلم سینمایی که روی پرده سینماست فیلمش لو برود هر چقدر هم که فیلم مخاطب خوب و فروش خوبی داشته باشد ضرر جبران‌ناپذیری به عوامل آن فیلم وارد می‌شود؛ حالا، فکر کنید که در شبکه نمایش خانگی برای هر فیلم ما شاهد این همه بی‌نظمی و فروش‌های غیرقانونی و داندوهای غیرقانونی در حفظ صیانت از آثار هستیم در شبکه نمایش خانگی چه کسی پاسخگوی این مشکلات ما هست؟ حتی، وقتی با رییس ستاد صیانت از محصولات فرهنگی که همان رییس موسسه رسانه‌ها تصویری هستند تماس می‌گیریم و می‌گوییم فیلم «خجالت نکش» در خیابان انقلاب به صورت غیرقانونی در حال فروش است می‌گوید: پول پلیس را پرداخت نکردیم و پلیس برای مقابله با این افراد از ما حمایت نمی‌کند. سوال من این است که بودجه ستاد صیانت در کجا خرج شده است؟ چرا وقتی سایتی را که داندو غیرقانونی فیلم را ممکن ساخته به پلیس فتا معرفی می‌کنیم، ۱۵ روز طول می‌کشد تا به سایت اعلام کنند فیلم را بردارند؟ در این ۱۵ روز تمام مخاطبان فیلم را دیده‌اند و دیگر به درد ما نمی‌خورد. غربت نمایش خانگی همین بس که مدیرکل آن دغدغه تیاتر دارد و از جنس نمایش خانگی نیست.

فهییم: من فکر می‌کنم باید این بحث را به دو بخش مدیریت و سازندگان آثار تقسیم کنیم. اینکه کارها از کیفیت خوبی برخوردار نیستند. برخی از سریال‌ها در این حوزه فقط قسمت اول و دومشان خوب است و پس از آن دیگر کیفیتی ندارند. از قسمت سوم به بعد فقط به فکر خالی کردن جیب مصرف‌کننده هستند. وقتی شبکه نمایش خانگی هدایتش به سمتی است که مرکز پول‌سازی تلقی می‌شود تا جایی که سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان فکر می‌کنند اگر سرمایه‌ای وارد این حوزه کنند باید دو برابرش را در بیاورند، نمایش خانگی محملی می‌شود برای کلاه‌گذاشتن سر مصرف‌کننده. چرا باید وزارت ارشاد شرایطی را فراهم کند که همه فکر کنند باید با ورود به این حوزه فقط به فکر پول در آوردن باشند به هر قیمتی؛ حتی، به قیمت زیرپا گذاشتن خطوط قرمز رسمی و نه سلیقه‌ای.

خندق آبادی: بحث محتوای بد طبق مثال شما مربوط به سریال‌هایی است که ویژه شبکه نمایش خانگی ساخته می‌شوند. اما چرا در فیلم‌های سینمایی که پس از اکران وارد شبکه نمایش خانگی می‌شوند تیراژ ۸۰۰ هزار به ۱۵۰ هزار کاهش پیدا کرده است؟

عبدی پور: هم در ادامه این سوال از فهییم پرسید، به نظر شما مشکل از هنرمندان است یا مدیریت اجرایی؟ **فهییم:** در درجه اول مدیریت. مدیریتی

که ناتوان از اداره این حوزه است. اما هنرمندان هم مقصرند.

خندق آبادی: کسی که وارد این حوزه می‌شود تمام تلاشش را می‌کند فیلمش دیده شود و مورد پسند مخاطب باشد. پس این افت تیراژ به سبب عدم مدیریتی است که در این حوزه وجود دارد. تیراژ کم شده چون مخاطب با این قیمت دیگر دی‌وی‌دی نمی‌خرد. معمولاً تیراژها و فروش‌های بالا مربوط به فیلم‌های طنز است و بالاترین تیراژ ما تا به حال فیلم سالوادور بوده با تیراژ حدود ۷۰۰ هزار دی‌وی‌دی. افزایش قیمت دی‌وی‌دی به ده هزار تومان، تیشه‌ای بود به ریشه خودمان و مقصر وزارت ارشاد است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌توانست از وزارت بازرگانی بخواهد مقوا را با ارز دولتی به ما بدهند یا برای وارد کردن پلی‌کربنات برای تولید دی‌وی‌دی از ارز دولتی استفاده کنند تا این افزایش قیمت و به دنبال آن ریزش مخاطب را نداشته باشیم.

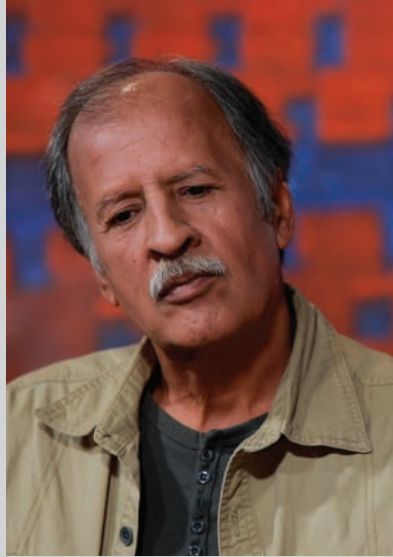
عبدی پور: خوشبختانه رسانه‌های خانگی در عرصه تولید سریال از آزادترین مشاغل هستند، چرا باید وزارت ارشاد از وزارت بازرگانی بخواهد سوبسید ارز دولتی را برای تولید دی‌وی‌دی اختصاص دهد؟ مردم فکر می‌کنند اول باید مایحتاج اولیه‌شان مانند مواد غذایی و سلامت تامین باشد و خرید دی‌وی‌دی برای آنها اولویت ندارد.

خندق آبادی: محصول فرهنگی هم نیاز مردم است. محصولات فرهنگی باید به اندازه مایحتاج روزانه مردم برای مدیران و همه کسانی که در این عرصه کار می‌کنند مهم باشد آنها باید راهی برای برون‌ریزی مشکلات داشته باشند، برای همین اتفاقاً در همین دوران مردم بیشتر فیلم طنز می‌بینند. برای اینکه بخندند و برای لحظاتی مشکلاتشان را فراموش کنند.

پروین حسینی: متأسفانه نگاه به فرهنگ همین است که آقای عبدی پور می‌گویند، مردم واقعاً فکر می‌کنند محصول فرهنگی نیاز اولیه آنها نیست. اما نظر من این است که اتفاقاً در این شرایط مردم باید فیلم ببینند تا حالشان خوب شود. وقتی مردم تحت فشار قرار می‌گیرند باید وسیله‌ای برای تسکین آنها باشد و محصول فرهنگی کارش همین است.

عبدی پور: می‌توانیم به این نتیجه برسیم که متأسفانه کماکان سینما برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مهم‌ترین مساله است؟

خندق آبادی: متأسفانه بله، همین‌طور است. فیلم تا وقتی در سینما اکران است برای همه مساله است و از آن حمایت می‌کنند. اما به محض پایین آمدن از پرده سینما، دیگر اهمیتی ندارد. به سراغ ما می‌آیند رایت فیلم را می‌فروشند



فیلم‌ها بتوانیم فیلم‌های ارزشی و دفاع مقدس را حمایت کنیم. البته فیلم‌هایی که با شاخص‌های سینمایی حوزه همخوان و همراه باشند.

عبدی پور: خیلی خوشحالیم که نهادی مثل حوزه هنری مدیرانش را موظف به درآمدزایی و پرکردن هزینه‌های خود می‌کند و از پتانسیل‌های فرهنگی خودش استفاده نمی‌کند و مانند یک شخص حقیقی و بیزنسی در بازار شروع به فعالیت می‌کند.

خندق آبادی: از وقتی که بودجه‌های سازمانها را کاهش دادند نهادها به فکر درآمد زایی از منابعشان افتادند. حوزه هنری هم در قسمت‌های دیگر خود مانند سالن سازی سینما هم همین مشی را پیش گرفته است. اغلب سینماهایی که توسط حوزه هنری و بهمن سبز احیاء می‌شوند هزینه‌هایش از محل درآمدهای سینماهایش تامین می‌شوند.

عبدی پور: آقای فہیم لطفا موضوع ماهیت کارکرد سریال‌های موجود در بازار نمایش خانگی را جمع بندی کنید.

فہیم: تناسب بین سریال‌هایی که در شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود و نیازهای فرهنگی جامعه ما زمین تا آسمان است. مهم‌ترین هدف ایجاد شبکه نمایش خانگی، به نظرم پرکردن خلا و کمبود سالن‌های سینمایی کشور بوده. اما آنچه که درونمایه این آثار است با کلون‌های و کانونهای خانواده ایرانی تناقض دارد. متأسفانه به خاطر به دست آوردن پول بیشتر محتوای غنی را به نفع سطحی گرایي زیر پا می‌گذارند. یا به عبارتی می‌خواهند برای دموکراتیک کردن جامعه ابتذال را رواج دهند. جریان انحرافی فکری راه افتاده که تولیداتی به ما می‌دهد که دچار ابتذال و سطحی گرایي است، از خطوط قرمز رسمی گذشته و روی ارزشهای مردم پا گذاشته است. مگر در گذشته به دنبال بازار آزاد سینما در شبکه نمایش خانگی نبودید، پس چرا اکنون می‌گویید قانونی برای نظارت بر آن وجود ندارد؟ چون بازار آزاد در کشور ما تعریف درستی نشده است.

عبدی پور در انتهای این بحث گفت: کاش آقای پارسایی دعوت ما را می‌پذیرفتند و در این برنامه شرکت می‌کردند.

کلان سینما را در اختیار دارد در راستای حمایت، از سرمایه داری خرد حمایت کند و در کنار سرمایه داری کوچک و صنوف قرار بگیرد. طوری حمایت کند که صنوف مدافع منافع خودشان باشند. اما چیزی که الان اتفاق افتاده شکل قلابی و جعلی از نوع مناسبات نظام سرمایه داری امریکا است که هر کس زورش بیشتر است، سرمایه بیشتری دارد، از لابی استفاده می‌کند یا دنبال پولشویی است در جایی مثل شبکه نمایش خانگی جمع می‌شوند. سرمایه داری به مفهوم کلان اینگونه است که خردها خورده می‌شوند تا کلان‌ها بزرگتر شوند. نفس این مناسبات ضد مردمی اشتباه و براساس پول است که حتی باعث تغییر محتوای فیلم‌ها می‌شود چون مناسبات نادرست افراد را به سمت پول می‌کشاند و باعث می‌شود آنها تغییر رویه دهند.

عبدی پور: آیا سوبسیدهایی که وزارت ارشاد به سینما می‌دهد جریان ساز است؟ مگر این سوبسید به جز ۲ یا ۳ فیلمی است که فارابی از آنها حمایت می‌کند؟

فہیم: متأسفانه باز می‌گردم به همان حرف خودم که هر کس رابطه‌اش با فلان مدیر نزدیکتر است یا زورش بیشتر است سوبسید بیشتری می‌گیرد.

عبدی پور: آیا این تحلیل که عرصه ممیزی‌ها از تلویزیون به سینما و سپس به رسانه‌های خانگی بازتر و ولنگارتر می‌شود، صحیح است؟

عبدی پور: حوزه با «گشت ارشاد یک» در زمان اکران خیلی جدی، مشکل داشت، و با اینکه فیلم «هزار پا» هم تقریباً جزو اولویت‌هایش نبود اما موسسه «هنرهای تصویری سوره» برای خرید رایتش اقدام کرد، لطفاً درباره این تعارض کمی توضیح دهید.

فہیم: یک موسسه فرهنگی نیاز به پول دارد برای ادامه حیات خود.

خندق آبادی: موسسه هنرهای تصویری سوره به لحاظ مالی و اقتصادی یک موسسه خودگردان است. ما از ردیف‌های بودجه حوزه هنری هیچ دریافتی نداریم. ما برای اینکه بتوانیم از فیلم‌های ارزشی حمایت کنیم مجبوریم چندتا فیلم تجاری هم بخریم تا از درآمد حاصل از این

و می‌روند. حتی تهیه کننده فیلم هم دنبال تبلیغاتی برای بیشتر دیده شدن فیلمش در رسانه خانگی نیست.

عبدی پور: خطاب به مدیرعامل موسسه هنرهای تصویری سوره سوال می‌پرسد شما به عنوان یکی از بزرگترین ویدئو رسانه‌های کشور رابطه اتون با vod با توجه به مشکلات اخیر افزایش قیمت تولید دی وی دی در شبکه نمایش خانگی چگونه است؟

خندق آبادی: از زمان افزایش قیمت تولیدات در شبکه نمایش خانگی بازار فروش دی وی دی رسید به یک سوم بازار که قاعدتاً دو سوم دیگر اگر همه اشان نرفته باشند سمت vod، قطعاً یک سوم به دلیل مناسب بودن خرید کالای فرهنگی برای مردم به سمتش رفته‌اند ولیکن دوستان vod این موضوع را قبول ندارند و آنها هم می‌گویند که ما هم افت فروش داشتیم و فعلاً نتوانسته ایم تعامل دو طرفه‌ای با این دوستان داشته باشیم.

عبدی پور: در خصوص خرید رایتها با توجه به افزایش قیمت تولید در شبکه نمایش خانگی چگونه است؟

خندق آبادی: قیمت استاندارد خرید رایت یک فیلم سینمایی ۸ درصد از فروش آن فیلم در سینما می‌باشد که متأسفانه این افزایش قیمت‌های تولید در شبکه نمایش خانگی و همینطور، قیمت‌های پشت جلد دی وی دی‌ها که در تهران ده هزار تومان و در شهرستان‌ها هشت هزار تومان نتوانسته ما را به سود برساند و همین تعداد اندک ویدئورسانه‌هایی که در حال حاضر فعالیت می‌کنند رو به زیان و شکست می‌باشند که اگر حمایت‌های وزارت ارشاد در این خصوص نباشد و ارز دولتی به این صنف تعلق نگیرد قطعاً در آینده اتفاقات خوبی برای شبکه نمایش خانگی نخواهد افتاد. موضوع ادامه مسیر سینما، تلویزیون، شبکه نمایش خانگی و vod و اینکه کجا با هم تلاقی خواهند کرد و کدام یک دیگری را می‌بلعد یا اصلاً قضیه بلعیدن در میان هست یا نه از دیگر موضوعات مطرح شده در این میزگرد بود.

فہیم: قرار بر این است وزارت ارشاد که مدیریت

نگاهی به تازه‌ترین اثر باشه آهنگر

فرا تر از انتظار

اشاره:

«سروزر آب» جدیدترین محصول مشترک سازمان سینمایی حوزه هنری بعد از موفقیت و حضور درخشان در جشنواره فیلم فجر این روزها روانه پرده سینماهای کشور شده است. این فیلم توسط موسسه بهمن سبز از موسسات وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری در حال پخش است. به انگیزه اکران این فیلم ارزشمند حوزه دفاع مقدس در سینماهای تهران و شهرستان‌ها مناسب دیدیم دیدگاه‌های منتقدان سینمایی را در خصوص این فیلم مرور می‌کنیم.



فیلم جنگی که یک گلوله در آن شلیک نمی‌شود

فیلم «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه آهنگر، کارگردان مطرح تئاتر را تحت تأثیر قرار داد. محمد رحمانیان بعد از تماشای «سرو زیر آب» در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای گفت: برای من این بخش قضیه جالب است که می‌شود حتی بدون شلیک یک تیر، فیلمی جنگی ساخت که آدم را به شدت متأثر کند و یاد همه چیزهایی که اتفاق افتاده و دارد فراموش می‌شود ببندازد. بسیار باعث افتخار من است که در سینمای ایران می‌شود همچین فیلمی ساخت، با یک همچین قدرت و اجرای درخشانی. غروری که در سرتاسر فیلم موج می‌زد، بیش از هر چیز من بیننده را تحت تأثیر قرار داد. امیدوارم بتوانیم فیلم‌هایی بسازیم که جهان جنگ ۸ ساله را از درون تعریف کند. از آقای باشه آهنگر متشکرم.

یک روایت تازه و جذاب از دفاع مقدس

محمد آزادی

یک روایت تازه و جذاب را از دفاع مقدس در «سرو زیر آب» تماشا کنید! باید ایستاد و عوامل «سرو زیر آب» را ستایش کرد. اثر درخشانی که ابعادی از جنگ هشت‌ساله را برایمان روایت می‌کند که کمتر شنیده‌ایم.

فیلم باشه آهنگر جذاب‌تر از چیزی بود که تصور می‌کردیم. آقای کارگردان این بار هم دست روی سوزهای گذاشته که از حق نگذریم «آس» است. وقتی لوکیشن‌های فیلم را از اهواز و لرستان گرفته تا یزد پراکنده می‌کنی نتیجه‌اش می‌شود قاب‌های تماشایی «سرو زیر آب»! به این همه بازی درخشان بازیگران داستان را هم ضمیمه کنید؛ از بابک حمیدیان گرفته که مثل همیشه عالی است تا هومن برق‌نورد و مسعود رایگان.

پانزده دقیقه‌ی آخر فیلم کسل‌کننده است؛ پانزده دقیقه‌ای که می‌تواند به پاشنه آشیل کل فیلم تبدیل شود. شاید بهتر باشد آقای کارگردان برای نمایش عمومی هم که شده قدری زواید انتهای داستان را مختصر کند. در نهایت اینکه باید ایستاد و عوامل «سرو زیر آب» را ستایش کرد. اثر درخشانی که ابعادی از جنگ هشت‌ساله را برایمان روایت می‌کند که کمتر شنیده‌ایم. خسته نباشی آقای باشه آهنگر!

روایتی از سیاوشان ریشه در خاک

فرزانه گشتاسب پژوهشگر زرتشتی

«سرو زیر آب» حکایتی است که حتی برای کسانی که در این سال‌ها لحظه‌ای از دفاع مقدس و حوادث جنگ تحمیلی هشت‌ساله فاصله نگرفتند، کمتر آشناست؛ حکایتی از «معراج شهدا»ی جنگ و مسئولیت‌سنگین و دشوارش.

«سرو زیر آب» روایتی است از سیاوش‌های این سرزمین، که یاد و خاطره‌ی ایشان چون سروی همیشه سبز، فارغ از هر قومیت و دین و فرهنگی، در همه‌جای این مرز و بوم ریشه دارد.

«سرو زیر آب» روایت پیکرهایی است که پس از آنکه خونشان در راه راستی و آزادی بر خاک ایران ریخت، گویا چون سیاوشانی از جای جای این خاک باز رویدند.

فارغ از همه‌نقاط قوت این فیلم از جمله طراحی صحنه درخشان، اعجاز در فیلمبرداری، بازی‌های بسیار خوب و موسیقی ماندگار آن، محمدعلی باشه آهنگر مثل همیشه حرفی تازه و از جنسی دیگر دارد، حرفی که از میان آتش و خون و مرگ، نوای مقدس عشق و غرور و ایثار را در گوش ما زمزمه می‌کند، زمزمه‌ای که هیچ نامی پشت آن نیست، گمنام است، ولی واقعا چه نامی مقدس‌تر از این گمنامی! فیلم «سرو زیر آب» را بارها خواهیم دید، می‌خواهیم هر بار از این زمزمه، تری از وجودم بلرزد و هر بار، آن ارزش‌های انسانی را که باشه آهنگر شش سال برای به تصویر کشیدنش جنگید، به خویش یادآور شوم. چنین باد.

ساده و دلنشین

آخرین فیلم باشه آهنگر روایتگر بخشی از جنگ است که در آثار سینمایی کمتر به آن پرداخت شده است. فیلم داستان خانواده‌هایی است که برای شناسایی پیکر فرزندان شهیدشان به مرکز معراج شهدا در اهواز مراجعه کرده و با ماجراهایی روبرو میشوند. باشه آهنگر در «سرو زیر آب» از فضای فیلم قبلی اش «ملکه» جدا شده و به حاشیه جنگ و خانواده شهدا می‌پردازد. آخرین فیلم باشه آهنگر درباره خانواده‌ای زرتشتی است که پس از جستجوهای فراوان از یافتن فرزند خود ناامید شده و به معراج شهدا می‌ایند اما سپاوش آنها جایی دیگر است...

خط داستانی «سرو زیر آب» ساده و دلنشین است. کارگردان در دام شعارزدگی نمیفتد و تلاش خود را میکند تا تصویری واقعی از نگرانی‌ها و اندوه خانواده‌های شهدا در زمان جنگ ارائه کند. آنچه در این مسیر به کارگردان در جهت رسیدن به این باورپذیری کمک می‌کند بازی‌ها خوب بازیگران و البته طراحی صحنه و لباس خوب فیلم است. اضافه کنید به اینها فیلمبرداری ماهرانه علیرضا زرین دست را که تعمداً از جلوه‌گری پرهیز داشته. «سرو زیر آب» اما فیلمی خالی از اشکال نیست. مشکل اصلی فیلم ریتم کند آن بخصوص در میانه اثر است. فیلم کاملاً قابلیت تدوین مجدد برای اکران را دارد و می‌توان دست کم یک ربع از آن را بدون اینکه لطمه‌ای به روند داستان وارد شود حذف کرد.

قصه‌ی رفتن و برگشتن

صدف پیکامی

نگاهی به کارنامه این کارگردان بیانگر این نکته است که او عجله‌ای برای فیلم ساختن ندارد. کما اینکه طی ۱۸ سال گذشته تنها ۶ فیلم ساخته و این نشان از این دارد که احتمالاً مخاطب باید با دغدغه‌ای بزرگ در فیلم «سرو زیر آب» روبرو باشد. مسیری که این کارگردان از فیلم فرزند خاک شروع کرده، در فیلم «سرو زیر آب» ادامه پیدا می‌کند و دیدن این فیلم پیام می‌دهد که فاصله بعضاً زیاد میان ساخت فیلم‌های او بی دلیل نیست، چرا که حتماً در فیلم بعدی چیزی به او اضافه شده است و این دقیقاً نکته‌ای است که در فیلم «سرو زیر آب» با بازی روان بازیگران (به خصوص بابک حمیدیان و رضا بهبودی)، قابلهای لانگ شات جسور، موسیقی شیوا و فضا سازی تأثیر گذار کاملاً مشهود است.

فیلم «سرو زیر آب» در دل جنگ و در مناطق جنگی می‌گذرد، اما نمایشگر هیچ گاه تصویر یا صدایی از جبهه نمی‌بیند و نمی‌شنود. با این حال لحظه‌هایی در فیلم می‌بینیم که می‌تواند تأثیر گذار باشد و می‌توان جنگ، تجاوز و دفاع را هم زمان به وضوح لمس کرد. روایت شهدایی که قابل شناسایی نیستند، پیش از این بارها تصویر شده، اما نوع مواجهه بازماندگان با پیکرهای غیر قابل شناخت و کنش و واکنش‌هایی که در این میان شکل می‌گیرد از ظریفی است که باشه آهنگر در این فیلم تصویر کرده است. اما در این میان اشاره به چند نکته ضروری است؛ اگر داستان پس از گذر از نیمه دچار شعارزدگی نمی‌شد و با همان سر ضرب آهنگ ابتدایی، روایت ادامه می‌یافت، می‌شد اذعان کرد فیلم «سرو زیر آب» قابل تامل ترین فیلم این کارگردان است. اما با گذشت نیمی از فیلم دیالوگ‌های شعاری، رفتار و برخوردهای گل درشت شخصیت‌ها با نمادهای ملی و مذهبی که بارزترینش در مواجهه دو خانواده شهید از دو دین متفاوت نمود می‌یابد قدرت آن را دارد که به روح اثر ضربه بزند و شاید این عوامل به اضافه نکات جزیی دیگری منجر به این می‌شود

که در یک سوم پایانی فیلم، تماشاگر رغبت ابتدایی را نداشته باشد.

به عبارتی می‌توان گفت که در «سرو زیر آب» فیلمنامه پایان می‌گیرد اما فیلم همچنان ادامه دارد و مخاطب منتظر است تا بالاخره فیلم تمام شود. دیالوگ‌های «سرو زیر آب» نیز تا ۶۰ دقیقه‌ی اول دیالوگ‌هایی واقع‌گرا و عادی است که بین همه انسان‌ها در شرایط خاص رد و بدل می‌شود اما ناگهان فیلم به ورطه‌ای می‌افتد که دیالوگ‌ها به مانند شعار می‌مانند. مکث‌هایی طولانی و سپس دیالوگ‌هایی همراه با نفس عمیق که شاید زمان گفتن آن‌ها گذشته و یا اینکه از فرط تکرار تأثیر خود را از دست داده است.

در نهایت می‌توان گفت فیلم «سرو زیر آب» فیلم دغدغه‌مندی است که می‌توانست با بکارگیری روش‌هایی نوین و اجتناب از عناصر کلیشه‌ای تبدیل به اثری ماندگار در سینمای ایران شود. اما فیلم‌های دارای موضوعات مرتبط با جنگ در کشور ما همواره با نوعی شعارزدگی و سمبلیسم همراه است که البته شاید بهتر باشد در آن تاملی بیشتر کرد.

سوژه مغفول مانده

مرتضی کوه مسکن

ژانر دفاع مقدس در کشور ما با ژانر جنگی فاصله گرفته و الان به دو مقوله نسبتاً جدا تقسیم شده‌اند؛ در فیلمهای جنگی شاهد صحنه‌های اکشن و دلاوریهای سربازان هستیم و در فیلمهای دفاع مقدس که چند سالیست در سینما بیشتر با آنها مواجه هستیم همچون فیلم ویلایی‌ها، شیر ۱۴۳، بیداری رویاها و... از نوع دیگری به مسئله جنگ می‌پردازند که پیش از این درباره آن صحبت نشده بود و این فیلمها قاعدتاً از مشخصه‌هایی نیز برخوردارند که شاید انگ ضد جنگ بودن هم به آنها بزنند و در این بین شاید شیوه نمایش آن موضوعات هم طوری باشد که به ذائقه متفکرین آن دوره دفاع مقدس خوش نیاید و این آثار نشانگر این هستند که بعد از سالها سینما و ادبیات جنگ یا همان دفاع مقدس از هیجانات اولیه خود کاسته و سراغ موضوعات دیده نشده رفته است، فیلم «سرو زیر آب» هم در این دسته از فیلمها قرار می‌گیرد و با اینکه داستان در بحبوحه جنگ هشت ساله رخ میدهد اما موضوع اصلی یک نکته تقریباً فراموش شده است: شهدای گمنام.

«سرو زیر آب» داستانی پیرامون شهدای مفقود الاثر و سرگردانی خانواده‌های آنها در پی خبر و نشانی از آنهاست؛ باشه آهنگر در فیلم جدیدش به سراغ مساله حساسی

رفته و سعی کرده است به یکی از فعالیتهای دسته‌های دیده نشده جنگ ایران و عراق بپردازد، «ستاد معراج شهدا» گروهی بودند که جنازه‌های شهدا را کشف و تشخیص هویت می‌کردند و پیکرهای کاملاً سوخته، بی پلاک که حتی نمیشد از آنها انگشت نگاری کرد به پایگاه آورده میشدند و این گروه وظیفه داشتند تا به هر طریقی که شده هویت اجساد شهدا را شناسایی کنند و پس از بررسی‌های دقیق و قطعی به خانواده‌هایشان خبر و تحویل دهند، در فیلم «سرو زیر آب» مادران و پدران چشم به انتظار فرزندان‌شان از سرتاسر ایران به سمت این پایگاه‌ها روانه میشوند تا بلکه بتوانند خبری، پیکری و یا حتی تکه‌ای از فرزند خود را داشته باشند تا بر آن سوگواری کنند، در این میان سربازی وجود دارد که باور دارد باید داغ این خانواده‌ها را هر جور شده تسکین داد و گاهی پیکری بی‌نام و نشان را که چند صباحی است خبری از هویت او نیست به این خانواده‌ها به عنوان فرزند شهید خود میدهد، این کار او با اینکه مخالفان بسیاری در میان بچه‌های پایگاه و علی‌الخصوص فرمانده دارد ولی از نظر او ضرورست و به گفته او - باید هوای این زنده‌ها را داشت - در خلاصه داستان آمده است: راز جهانبخش کرامت فاش می‌شود؟ این راز خواب چیست، ماهرو، گودرز، بهرام، جهانگیر و سرگرد پوشیاس را آشفته خواهد کرد؛ جهانبخش برای اثبات بی‌گناهی‌اش و بازگشت آرامش سفر بلندی را آغاز میکند؛ سفری که پایانش زندگی بسیاری از آنها را تغییر می‌دهد.

روایت جدید در سینمای جنگ

به نظر می‌رسد «سرو زیر آب» به دلیل تجربه محمدعلی باشه آهنگر در گونه دفاع مقدس و سینمای جنگ، اثری پخته و منسجم است. باشه آهنگر نویسنده و کارگردان توانای سینمای ایران بعد از گذشت شش سال با فیلم جدیدش روایتی جدید را در سینمای جنگ ارائه می‌دهد. او متولد سال ۱۳۴۱ در شهر دزفول است و فیلم‌های سینمایی «فرزند خاک»، «تبات داغ» و «سریال‌های «تاصبح» و «نیمه گمشده» را در کارنامه کاری خودش دارد. اما موفق‌ترین فیلم سینمایی باشه آهنگر «ملکه» است. فیلمی که در سال ۹۰ موفق شد با ۱۴ نامزدی در سی‌امین جشنواره فیلم فجر و ۱۱ جایزه از شانزدهمین جشن خانه سینما رکورد دار بهترین فیلم سال باشد و جوایزی همچون بهترین بازیگری نقش اول مرد و بهترین بازیگری نقش مکمل مرد را به ترتیب برای میلاد کی مرام و حمیدرضا آذرنگ به ارمغان بیاورد.

به دلیل این سابقه و پیشینه مطلوب او به نظر می‌رسد «سرو زیر آب» هم فیلم موفق دیگری در کارنامه کاری باشه آهنگر باشد. او نویسنده‌ی «سرو زیر آب» رو هم خود بر عهده داشته و سید حامد حسینی هم این فیلم را تهیه کرده است. فیلمی که با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی، حوزه هنری و شهرداری تهران ساخته شده و به موضوع شهدای گمنام می‌پردازد. این فیلم طولانی‌تر از زمان استاندارد فیلم‌های سینمایی است و در ۱۱۳ دقیقه روایت می‌شود. «سرو زیر آب» متعلق به ژانر دفاع مقدس هست و قصه اتفاقات و روزگاری است که بر شهدا و خانواده‌هایشان گذشته و اساس روایت در نبرد اهواز و جریان‌های اطراف آن است. «سرو زیر آب» به داستان علیرضا زرین دست فیلمبرداری شده و بهزاد عبدی آهنگسازی آن را بر عهده داشته است. حامد باشه آهنگر نیز در نگارش فیلمنامه اثر را همراهی کرده. آخرین ساخته باشه آهنگر دارای جلوه‌های ویژه میدانی و رایانه طراحی کانسپت و استوری برد هست و مراحل فنی دشواری را پشت سر گذاشته و صداپردازی و طراحی گریم این فیلم هم بر عهده عباس رستگار پور و محسن بابایی بوده است. امیدواریم که سینمای دفاع مقدس در دهه فجر و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بتواند موفقیت‌های باشه آهنگر در سینمای جنگ را تکرار کند.

بازیگران چهره زیادی در «سرو زیر آب» به ایفای نقش پرداخته‌اند. بابک حمیدیان که امسال یکی از پرکارترین بازیگران جشنواره فیلم فجر است، در این اثر ایفای نقش اصلی را بر عهده دارد. مینا ساداتی همسراو هم نقش مقابلش را بازی می‌کند. مسعود رایگان، حسین باشه آهنگر فرزند محمد علی باشه آهنگر، رضا بهبودی بازیگر خوب تئاتر، همایون ارشادی، ستاره اسکندری، هومن برق نورد شهرام حقیقت دوست بازیگرانی هستند که دست کم نامشان می‌تواند انگیزه تماشای فیلم «سرو زیر آب» را دو چندان کند. این ترکیب بازیگران در عین حال متفاوت است و سپردن نقش‌هایی که سهمی از فضای جنگ و جبهه دارند و با موضوعات این چینی روایت می‌شوند، در نوع خود جالب توجه به نظر می‌آید.

فیلمی برای ارج نهادن به خانواده شهدای اقلیت

جنگ، ابعاد مختلفی در زندگی بشر دارد و اثرات یک نزاع طولانی، تا سال‌ها باقی می‌ماند. این اثرات هیچ ارتباطی به اینکه کدام طرف؛ آغازکننده جنگ بوده، ندارد چون جنگ در ذات خود با غم و حسرت همراه است. فیلم «سرو زیر آب» سه جایزه بهترین طراحی صحنه، بهترین فیلمبرداری و بهترین فیلم از نگاه ملی را به خود اختصاص داد. محمد علی باشه آهنگر، کارگردان این فیلم، فیلمسازی است با نگاه ویژه به جنگ. قصه «سرو زیر آب» از جایی شروع می‌شود که یکی از کسانی که در جریان یافتن پیکر کشته شدگان است، شک می‌کند که شاید جنازه شهیدی را به اشتباه به خانواده دیگری داده است و برای یافتن حقیقت سفری را آغاز می‌کند. این سفر بستری است برای نمایش دو قوم با دین‌های مختلف (زرتشتی و مسلمان) و باعث شناخت بیشتر مخاطب از نحوه نگاه آن دو خانواده به مفهوم شهید می‌شود.

نویسنده فیلمنامه، زنجیره شخصیت‌ها را به شکلی طراحی می‌کند که از کنار هم قرار گرفتن شخصیت‌ها و نقطه نظرشان پیرامون مسئله اصلی فیلم، ارتباط حقیقت با آرامش و دیدگاه اخلاقی طرفداران آن روشن می‌شود. باشه آهنگر، در این فیلم صحنه‌های جذابی خلق و داستان را در سه موقعیت جغرافیایی مختلف، روایت می‌کند. «سرو زیر آب» فیلمی برای ارج نهادن به خانواده شهدای اقلیت است و برای نخستین بار پای شهدای زرتشتی را به سینمای ایران باز می‌کند. از این رو، فیلم را می‌توان در راستای همدلی و وفاق ملی قلمداد کرد.



چهره‌هایی در نقش‌های کمرنگ

بازیگران معروف در «سرو زیر آب» دقیقا چه نقشی ایفا کردند؟ پرداختن به زرتشت‌ها و نشان دادن این که در مملکتی شیعه مذهب به تمام ادیان الهی احترام گذاشته می‌شود نیز بسیار خوب بود. فیلم باید محتوا و پیام داشته باشد و مخاطب را به تفکر وادارد، «سرو زیر آب» به خوبی توانست مخاطب را درگیر اندیشه کند. در ابتدا می‌توان گفت بسیار خوب است شاهد فیلمی هستیم که با اصل ذات جشنواره فجر همخوانی دارد و به مسئله‌ای انقلابی پرداخته است. این فیلم در واقع به مسئله‌ای پشت جبهه می‌پردازد که همان شناسایی و تحویل پیکر شهدا به خانواده آنهاست. بابک حمیدیان که نقش جهانبخش کرامت را ایفا می‌کند و انصافا هم به خوبی از پس ایفای نقش خود برآمده، در ابتدای فیلم با یک سری توضیح و توجیه برای کارهای خود که بتواند دل خانواده شهید را شاد و یا آرام کند کارهایی انجام می‌دهد، اما مورد مواخذه دیگران قرار می‌گیرد و در انتهای فیلم می‌بینیم که خود او در موقعیت افراد که به وی مراجعه می‌کردند قرار می‌گیرد و از پس آن به خوبی بر می‌آید و این مسئله نقطه قوت فیلم به نظر می‌رسد.

راز جهانبخش کرامت فاش می‌شود؟ این راز خواب چیست، ماهرو، گودرز، بهرام، جهانگیر و سرگرد پوشیاس را آشفته خواهد کرد. جهانبخش برای اثبات بی‌گناهی و بازگشت آرامش سفر بلندی را آغاز می‌کند؛ سفری که پايانش زندگی بسیاری از آنها را تغییر می‌دهد... بازی رضا بهبودی در نقش جهانگیر کرامت خیلی خوب نیست. میمیک بهبودی بسیار ضعیف است حال یا اقتضای صورت و یا عدم آشنایی استفاده از آن موجب این مسئله شده است. بازیگران چهره‌ای را در فیلم می‌بینیم که ممکن است مخاطب به خاطر حضور آنان در فیلم به سینما بیایند اما نقشی چنان مهم ندارند که بتواند ذوق مخاطب را برای دیدن آن بازیگر در فیلم ارضا کند. اینگونه احساس می‌شود که حضور آنها در فیلم صرفا جنبه تبلیغاتی دارد. می‌توان گفت بهتر بود از بازیگرانی ناشناخته‌تر استفاده می‌شد. پرداختن به زرتشت‌ها و نشان دادن این که در مملکتی شیعه مذهب به تمام ادیان الهی احترام گذاشته می‌شود نیز بسیار خوب بود. فیلم باید محتوا و پیام داشته باشد و مخاطب را به تفکر وادارد، «سرو زیر آب» به خوبی توانست مخاطب را درگیر اندیشه کند. فیلم برداری کار به مدیریت علیرضا زرین دست و قابل تحسین است. کارگردانی فیلم هم خوب است اما فیلمنامه می‌توانست قوی‌تر از این باشد.

فرا تر از انتظار هو من نشستانی

بعد از شروعی بسیار بد در جشنواره، فیلم دومی که به تماشای آن نشستیم «سرو زیر آب» بود. قبل از جشنواره هم این فیلم جزء کنجکاوهای من نبود، و مشتاقانه به سراغ فیلم نرفتم. آن هم بعد از یک شروع ناامید کننده. و انتظار بالایی هم از فیلم نداشتیم. اما با شروع فیلم، طراحی صحنه و فضا من را مجذوب خودش کرد. مقاومت می کردم در برابر دوست داشتن فیلم، اما فیلم بر من پیروز شد. چیزی که از همه بیشتر من را مسحور این فیلم کرد، طراحی صحنه، طراحی لباس و طراحی فضای کار...

بعد از شروعی بسیار بد در جشنواره، فیلم دومی که به تماشای آن نشستیم «سرو زیر آب» بود. قبل از جشنواره هم این فیلم جزء کنجکاوهای من نبود، و مشتاقانه به سراغ فیلم نرفتم. آن هم بعد از یک شروع ناامید کننده. و انتظار بالایی هم از فیلم نداشتیم. اما با شروع فیلم، طراحی صحنه و فضا من را مجذوب خودش کرد. مقاومت می کردم در برابر دوست داشتن فیلم، اما فیلم بر من پیروز شد. چیزی که از همه بیشتر من را مسحور این فیلم کرد، طراحی صحنه، طراحی لباس و طراحی فضای کار بود. طراحی ای با جزئیات و پر از ریزه کاری هایی که حتی به چشم نمی آید. و این مسئله بدون شک، کمک بسزایی به باور پذیری فیلم کرده است. اما چیزی که موجب دیده شدن این طراحی صحنه شده، فیلمبرداری کار است. فیلمبرداری ای پر از حرکات نرم دوربین و استفاده از نماهای قاعده مند. انتخاب نماها باری به هر جهت نبوده و کارگردان سعی کرده در تمام نماها از علم زیبایی شناسی نیز استفاده کند. پلان های ضبط شده همه هدفمند بوده و همه به دل می نشیند. یکی دیگر از سختی های این فیلم، استفاده بسیار زیاد از نماهای لانگ شات است، که طراحی صحنه عظیمی را می طلبد. و در کنار اینها تدوین خوش ریتم، این نماها را کاملاً به دل مخاطب می نشاند. اما برای کاری به این عظمت، بعضی از «سوتی» ها قابل بخشش نیست. مانند نفس کشیدن جنازه ها، که چندین بار در فیلم شاهدش بودم. اما از اینها بگذریم، می رسیم به فیلمنامه. با فیلمنامه ساده ای سروکار نداریم. این قصه پر از پیچیدگی های روایی و قصه های از هم جدای به هم مرتبط است. و حفظ انسجام بین اینها نیاز به تمرکز و تحقیق بالایی دارد. که خوشبختانه انسجام در فیلم حفظ شده و مخاطب لحظه ای از فیلم جدا نمی شود. با وجود تمام پیچیدگی ای که این قصه دارد، اما مخاطب را دچار سردرگمی نمی کند. قسمت هایی بود که فیلم ریتم خود را از دست بدهد، اما می شود از آنها چشم پوشی کرد.

فیلم حرف برای گفتن زیاد دارد، و خوشبختانه در گیر شعار دادن نشده است. یکی از مهم ترین مسائل که در فیلم به آن پرداخته شد، تقابل ادیان و خصوصاً اسلام و زرتشت بود. که بدون توهین و با نگاهی عادلانه و بدون قضاوت، روند اتحاد این دو دین را در فیلم به تصویر کشید. فیلم قدمی رو به جلو برای ایران برداشت. در این فیلم به نحوی ایران بزرگ نشان داده شده بود که مخاطب عاشق کشورش می شد. و این بزرگ نمایی بدون شعار و اغراق بود. اما یکی از نکات ضعف، دیالوگ های پایانی فیلم بود. که تمام مفهومی که مخاطب باید از فیلم درک می کرد را در چند جمله خلاصه کرده بود. و می توان گفت تمام معنای فیلم با چند دیالوگ پایانی به خورد مخاطب داده شد. که ایکاش در نوشتن دیالوگ های پایانی ظرافت بیشتری خرج می شد. هر مخاطبی با هر اعتقادی می تواند به تماشای فیلم بنشیند و از بازی خوب بازیگران و فیلمنامه منسجم و فیلمبرداری خوب و طراحی صحنه با جزئیات لذت ببرد. در سانس های که من فیلم را به تماشا نشستیم، هیچ کدام از عوامل حضور پیدا نکردند. اما مردم فیلم را تشویق کردند. که قطعاً این فیلم استحقاق تشویق را داشت.

سوگ سیاوش

سعید زعفرانی

برای ما که سال‌ها است با آثار سینمایی ژانر اصیل سینمای ایران یعنی «دفاع مقدس» خو گرفته‌ایم، مفهوم شهید گمنام، تازه و بکر نیست. هیچ فیلمی اما در تاریخ سینمای ایران این چنین به پرداخت «گمنام بودن فیض است» نپرداخته و شاید تا سال‌ها زیر سایه «سرو زیر آب»، نخواهد پرداخت. محمدعلی باشه آهنگر در این فیلم، با قصه‌ای محکم و استوار این مفهوم را دوباره سازی کرده و به زیبایی این تک جمله‌ی کلیدی را پرورش داده است.

«سیاوش آبادیان» فرزند دو خانواده از دو قوم ایرانی است با مشخصات متفاوت، از پهنه‌ی غربی این سرزمین تا مرکز فلات ایران، از سبزی و باران تا دل کویر. سیاوش آبادیان شهید سوخته‌ی ماجرای «سرو زیر آب» است. فیلمی که یک درام سنگین ضد جنگ و نمادین است برگرفته از باوری کهن در میان ایرانیان. سیاوشان. سوگ سیاوش. سووشون سینمای ایران است این «سرو زیر آب» و به زیبایی هر چه تمام‌تر هم این قصه را بازگو می‌کند.

سوگ سیاوش از پیدا شدن تعدادی «پیکر» شهدای جنگ ایران و عراق آغاز می‌شود. در مقطعی که خاک ایران باز پس گرفته شده و نیروهای ایرانی به دل خاک عراق هجوم برده‌اند و برای استحکام مرزهای ایران در خاک دشمن به مبارزه می‌پردازند. مقطعی کلیدی از جنگ ایران و عراق که مناقشات بسیاری بر سر آن است. «سرو زیر آب» به دور از این مناقشات، به روایت قصه‌ای می‌پردازد که می‌تواند تا سال‌ها تاثیر فرهنگی آن در سینمای ایران حس شود. فیلم با پیدا شدن خانواده‌ای که برای پیدا کردن فرزندشان به معراج جبهه‌های جنوبی ایران آمده‌اند جان می‌گیرد. «بهرام» و دخترش به دنبال پیدا شدن «سیاوش» آمده‌اند. سیاوشی که قصه‌ای دارد ناگفته. در انتظار رمز گشایی، داستان به پرداخت شخصیت‌های اصلی و فرعی می‌پردازد.

پیکر سوخته‌ی سیاوش آبادیان شناخته می‌شود، اما در خلال دل‌سوزی‌های «جهانبخش کرامت» (بابک حمیدیان) برای خانواده‌های شهدای گمنام و درگیری او با برادرش «جهانگیر» راز این پیکر رفته رفته در دل فیلمنامه بر ملا می‌شود. پرداخت بی‌نظیر فیلم به موضوع اجازه نمی‌دهد فکر مخاطب جای دیگری برود و از خط اصلی داستان منحرف نشود. به این ترتیب، تماشاگر تا پایان، و نقطه‌ی اصلی داستان سنگین فیلم با آن همراه می‌شود.

فیلمنامه تقریباً هیچ‌یک از شخصیت‌های کلیدی را بدون شخصیت‌پردازی نمی‌گذارد. به خوبی می‌داند که بدون نزدیک شدن به خانواده‌ی کرامت، که قرار است تراژدی اصلی فیلم را رقم بزنند، محال است به توفیقی در تاثیرگذار کردن این رویداد دست پیدا کند. به همین ترتیب، خرده‌داستان‌های جهانگیر کرامت در دل فیلمنامه با ظرافت تمام جای گرفته‌اند و با به دست آمدن این شناخت در رویارویی با این شخصیت، هم شهادت او و هم جمله‌ی کلیدی‌اش که در پایان از زبان برادر داغ‌دیده تکرار می‌شود، فرصت برجسته شدن پیدا می‌کنند. معلم شهید، جایی از فیلم می‌گوید «گمنام بودن فیض است» و بعد خود این جمله را معنا می‌کند و به کمک برادرش هم.

خانواده‌ی شهید لر، نقش مهمی در داستان ایفا می‌کنند. برادر سیاوش با بازی شهرام حقیقت دوست، نقطه‌ی عطف فیلم در بازی‌ها است. این بازی خوب با انقلاب درونی همسر شهید با بازی ستاره اسکندی تکامل می‌یابد و در این بازی مکمل به خوبی می‌تواند در بازی‌های فیلم تعادل ایجاد کند. این تعادل، درست جایی به هم می‌خورد که درام اصلی قصه شکل می‌گیرد. ورود خانواده‌ی شهید یزدی (که به شیوه‌ای هوشمندانه مشخص می‌شود زردشتی هم هستند - یعنی حتا از یک آیین دیگر) به پشت‌تنگه یکی از اصلی‌ترین رویدادهای فیلم است. تنش، رفته رفته ایجاد می‌شود. رویارویی دوستانه‌ی قوم لر و خانواده‌ی یزدی، تنش خاموش شده دارد که از بابت اشتراک اصلی آن‌ها یعنی خانواده‌ی شهید بودن است. شهادت، ارزشی است که هیچ کس در فیلم بر سر آن مناقشه‌ای ندارد. راه نجات معرفی می‌شود. هم آن جایی که پدر شهید لر در سوگ سیاوش خود به حال مادر سیاوش یزدی می‌گرید و هم آن جایی که شهادت جهانگیر کرامت، راه را برای فیصله‌دادن موضوع فراهم می‌کند.



روایتی سینمایی از فراموشی شده‌ترین‌های جنگ

محمد صادق شایسته

اما داستان جنگ در «سرو زیر آب» غم ورنجی متفاوت دارد. داستان شهدای گمنام و بی‌پلاک، روایتی شاعرانه و البته واقع‌گرایانه از خانواده‌های چشم به راه، از آخرین آرزوی آنها که بدرقه پیکر فرزندشان است. در فیلم تازه محمدعلی باشه آهنگر خبری از تیر و تانک و انفجار نیست. این جافقط احساس است و ترس. استیصال خانواده‌هایی که در زمان جنگ زمین و زمان را یکی می‌کردند تا بدانند سرنوشت فرزندشان چه شد، ترس از غریب ماندن فرزندشان روی خاک یا زیر آب، ترس از بی‌خبری، ترس از نبودن سنگ قبری که بدانند جوان رعنائشان زیر آن آرمیده و می‌توانند بغض‌هایشان را سر مزارش بشکنند. این جادیدگر مرزی میان مسلمان و زرتشتی نیست، حتی بین لر و کرد و یزدی. این جا یک چیز مهم است: بازگرداندن فرزند به خانه‌اش. فیلم باشه آهنگر ترجمانی درست از درد انتظار است، دردی که نه پیر می‌شناسد نه جوان، نه پدر و مادر، نه همسر و فرزند. دردی که نه آیین دارد و این درد مشترک، بخشی از هویت بسیاری از خانواده‌هایی است که عزیزشان را در جنگ هشت ساله ایران و عراق از دست دادند. «سرو زیر آب» شاعرانه‌ای است که با اتکا به هنر کارگردانی باشه آهنگر و توانایی ثابت شده‌اش در روایت داستانی سینمایی، شخصیت‌های اصلی‌اش را در مرز احساس و عقل حرکت می‌دهد. نسلی که شاید ندانند آنها که در «معراج شهدا» بودند و آنها که سرکله‌شان به آن‌جا می‌خورده چه دیدند و چه کردند. آن‌هایی که مسئولیت‌شان در آن دوران کم از فرمانده‌های جنگ نداشت. آنها که تلاش‌های بی‌وقفه و صبوری‌شان کم از مجاهدت و شهادت نداشت. باور ندارید؟ کافی است به چشم‌های مادری که هر بار با عکس فرزندش کنار رژه پیکرهای تازه پیدا شده شهدا راه می‌رود دقت کنید. به رنج و بغض انتظاری که هنوز هم ذره‌ای از آن کم نشده است. در جنگ همه از قهرمانان می‌گویند و تعداد دلیر مردان شهید را می‌شمارند اما شاید هر از چند گاهی بد نباشد نگاهی کرد به پشت صحنه جنگی که شهدایش فارغ از دین و مذهب و جناح دوشادوش هم جنگیدند و خانواده‌هایی که فارغ از دین و مذهب و جناح داغ عزیزشان را دیدند.

«تنگه ابوقریب» و «سرو زیر آب» دو طرف کاملاً متفاوت از ماجرای دفاع مقدس را روایت می‌کنند: بطن جنگ و پشت صحنه آن. نکته مشترک و اهمیت بالای این دو فیلم هم دست گذاشتن روی موضوعات و مسائل مغفول مانده در هر دو سمت است. شاید بپرسید مگر نبوده‌اند فیلم‌هایی که در طول دو دهه گذشته به هر دو سمت پرداخته‌اند؟ جواب مثبت است! شاید حتی این سوال پیش بیاید که این دو فیلم بهترین نمونه‌های خود در تاریخ سینمای دفاع مقدس‌اند؟ که جواب منفی است. ویژگی اصلی این دو فیلم جدا از دست گذاشتن روی موضوعات بکر و کمتر مورد توجه قرار گرفته، همان‌طور که اشاره شد توجه به ظرفیت‌های سینما و دستور زبان این مدیوم است. سال‌هاست بودجه‌های کلان و میلیاردها برای ساخت فیلم در حوزه دفاع مقدس در اختیار کسانی قرار گرفته که نه تنها دست روی موضوعات دراماتیک و خاص جنگ نگذاشته‌اند بلکه حتی در روایت داستانشان با قابلیت جذب مخاطب بالا یا ساختار درجه یک تکنیکی عاجز و ناتوان بوده‌اند. نتیجه‌اش؟ انبوهی فیلم شعاری و بی‌کیفیت که نه تنها ذره‌ای تأثیر در مخاطب نگذاشته‌اند و آگاهی‌اش را افزایش نداده‌اند بلکه حتی کسی نام آنها را نیز به خاطر نمی‌آورد. بهرام توکلی و محمدعلی باشه آهنگر که برخاسته از دو تفکر کاملاً متفاوت در سینما هستند با فیلم‌هایشان نشان دادند تنها زمانی می‌شود از گنج بیکران دفاع مقدس برای ساخت اثری تأثیرگذار و ماندگار استفاده کرد که اول از همه سینما را بلد بود.

داستان انسانی چند لایه

مهدی امینی

انتقال موفق حس و حال فیلم به مخاطب فیلم بلحاظ کارگردانی، میزانشن، طراحی صحنه، انتخاب بازیگرها و انتقال یافتن حس و حال به مخاطب امروزی، موفق عمل کرده بود. در فیلم هیچگونه شعارزدگی دیده نمی‌شود و دیالوگها در عین جدی بودن، یک نوع طنزخی خفیفی هم دیده میشود که همه آنها، دقت فیلمساز به جهات مختلف در پروسه تولید این فیلم را نشان می‌دهد.

مختصات دینی و قومیتی ایران ماجرای فیلم «سرو زیر آب»، با اینکه در فضای جنگ و محل تشخیص هویت پیکرهای شهدای معراج روایت می‌شود. اما فیلمساز توانسته بود یکی از لطیف‌ترین و انسانی‌ترین نوع روایت را در ژانر دفاع مقدس خلق کند.

این فیلم به خوبی توانسته بود مختصات دینی و قومیتی داخل ایران را به بهترین صورت به تصویر کشد. جزئیات تصویری و مراسمات و آیین عزاداری و نحوه تعامل قوم لر به فراخور نیاز داستان به مخاطب نشان داده شد که متأسفانه امروزه ما شاهد فیلمهای یکنواخت آپارتمانی کلان شهری هستیم که همیشه داستان از مختصات تعیین شده تکراری روایت می‌کند. اما فیلمهایی مثل «سرو زیر آب» باعث می‌شود تا مخاطب از زاویه‌نگاهی جدید و در عین حال بومی به وقایع داشته باشد. همچنین در فیلم، از آئین‌ها و فرهنگ و رسوم چند هزارساله خانواده شهید زرتشتی در درگیردار جنگ را می‌بینیم که به صورت هنرمندانه با داستان فیلم چفت و بست یافته تا فضاهای بومی اما جدیدی در قاب سینما نمایش داده شود.

بنظر نگارنده، جای چنین زاویه‌نگاه‌هایی در سینمای ایران به دلیل حاکمیت قشر خاص بر بدنه سینما مغفول مانده است. چراکه اگر قومیتها، ادیان و آئین‌های مختلف را حذف کنیم دیگر ایرانی باقی نمی‌ماند تا در بوم پرده سینما نشان داده شوند. جا دارد مسئولین سینمایی، تمهیدات و حمایت‌های ویژه‌ای در این راستا برای فیلمسازان قائل شوند.

پرش‌انی شخصیت اول فیلم جهانگیر کرامت (با بازی بابک حمیدیان)، به دلیل عاطفی شخصی و نوعی تسلی یافتن خانواده‌های داغدار شهدا، پیکر شهدایی که شناسایی نشده‌اند و گمنام هستند به خانواده دیگر به عنوان فرزندخوانده تحویل می‌دهد و متوجه می‌شود پیکر یکی از شهدای گمنامی که تحویل خانواده دیگر داده، خانواده اصلی شهید پیدا می‌شود و ماجرا ادامه می‌یابد تا اینکه برادر جهانگیر شهید می‌شود و اینرا خودش درگیر ماجرا می‌شود. در نهایت تصمیم می‌گیرد برادرش را به خانواده‌ای که باعث شده شهیدشان به خانواده دیگری منتقل شود، تحویل دهد. پایان بندی فیلم و سیر تحول شخصیت جهانگیر منطقی نیست و از داستان بیرون می‌زند. اگر تمهیدات داستانی بیشتری چاشنی موقعیت تحول جهانگیر داستان می‌شد، مخاطب شاهد افت پایان بندی نبود و فیلم براحتی میتوانست مخاطب را تا انتهای فیلم همراه کند ولی در این روایت از فیلم، پرش شخصیتی بخوبی قابل مشاهده است. سکاس نمادین درآوردن قبر و سرو زیر آب، گرچه بلحاظ کارگردانی کاری درخشان است ولی بلحاظ داستانی، حالت جزیره‌ای بخود گرفته و از داستان بیرون می‌زند.

کلیت فیلم هم بلحاظ داستانی و هم کارگردانی نسبت به فیلمهای حاضر در سی و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر، فیلم قابل اعتنائی بود که توانسته بود بدون شعارزدگی و تکنیک زدگی، داستان انسانی چند لایه‌ای را به معرض نمایش بگذارد.

تاثیر گذار در ذهن مخاطب

محمد رضا فلاحی

محمد علی باشه آهنگر با فیلم «سرو زیر آب» برای مخاطب سینما لحظاتی تاثیر گذار خلق می کند.

«سرو زیر آب» در میان فیلم‌های ژانر دفاع مقدس سوژه‌ای جدید داشت. باشه آهنگر در فیلم خود به سراغ خانواده‌هایی رفته بود که فرزندان‌شان در جبهه‌ها به شهادت رسیده و پیکر‌شان گمنام مانده است.

نگاه کارگردان در فیلم منحصر به فرد است. هر چند در ۳۰ دقیقه ابتدایی فیلم، مخاطب در یک سردرگمی به سر می‌برد، اما به مرور ماجرا روشن می‌شود.

باشه آهنگر، جهانی وسیع را در مقابل شخصیت‌های اصلی فیلم می‌گشاید؛ به طوری که شخصیت اصلی فیلم که بابک حمیدیان ایفاگر آن نقش است، در پایان داستان در موقعیتی قرار می‌گیرد که ابتدا برای دیگران ایجاد می‌کرد.

فیلم سینمایی «سرو زیر آب» سناریویی قوی دارد و خرده داستان‌ها به خوبی در داستان اصلی فیلم حل شده‌اند. این فیلم روایتی آهسته از اتفاقات معراج الشهدا، محل اصلی احراز هویت شهدا دارد و به خوبی تشریح می‌کند که در پشت جبهه‌ها چه مصائبی برای سپردن پیکر رزمندگان به خانواده‌ها وجود دارد.

نکته مهم فیلم باشه آهنگر که در زیر پوست قصه فیلم نهفته است، قرار گرفتن تمام قومیت‌ها و مذاهب تحت پرچم سه رنگ کشورمان است. این موضوع را باشه آهنگر به خوبی در سکانس‌های تشییع شهدا نشان داده است. جایی که یک شهید زرتشتی به اشتباه به جای یک شهید مسلمان در لرستان به خاک سپرده می‌شود و بعد از مشکلات فراوان، دو خانواده شهید در کنار هم می‌ایستند و برای شهیدان از خداوند طلب مغفرت می‌کنند.

به هر حال روایت نو و در عین حال صریح باشه آهنگر در «سرو زیر آب» نوید آن را می‌دهد که شاید پرداختی جدید در سینمای دفاع مقدس ایران شکل بگیرد.

«سرو زیر آب» تکرار تجربه موفق «فرزند خاک»

داوود کنشلو

محمدعلی باشه آهنگر با فیلمسازی در حوزه فیلم کوتاه کار خود را در هنر هفتم آغاز کرد. وی از همان ابتدای راه، نشان داد، دفاع مقدس دغدغه اصلی وی در سینماست، برای همین هم در اکثر کارهایش این موضوع را به صورت ویژه مد نظر قرار می‌دهد. این فیلمساز با ساخت فیلم تحسین شده «فرزند خاک» توانست نظر منتقدان و اهالی سینما را به سمت خود جذب کند. در این فیلم سینمایی به موضوع تفحص شهدا پرداخته می‌شد، البته به صورتی که تا به حال نظیر آن را در تولیدات سینمایی شاهد نبودیم. بعد از «فرزند خاک» وی سراغ موضوعی درام و خانوادگی رفت که در آن به نوعی دیگر به دفاع مقدس پرداخته شده بود. این فیلم «بیداری رویاها» نام داشت؛ فیلمی که قصه‌اش بسیار جسورانه بود، اما بنا به دلایلی غیر سینمایی، این کار آنچنان که باید دیده نشد. در ادامه، باشه آهنگر باز هم به دفاع مقدس پرداخت. «ملکه» عنوان این فیلم سینمایی است. این کار توانست تحسین منتقدان و مردم را جلب کند، همچنین در جشن خانه سینما و جشنواره فجر، فیلم جوایز بسیاری را به خود اختصاص دهد. بعد از «ملکه» این فیلمساز شش سال فرصت کار کردن پیدا نکرد، کم‌کاری که خود خواسته نبود، بلکه شرایط وی را به این سمت می‌کشاند. این فیلمساز در مصاحبه‌هایی گفته بود که سینمای دفاع مقدس ژانر مورد علاقه وی است، اما به شرطی حاضر به فیلم ساختن در این حوزه است که کار مورد نظر کیفیت لازم را دارا باشد. این خواسته نیز در گرو فراهم بودن امکانات است. باشه آهنگر بارها تاکید کرده بود که فیلم ساختن بدون امکانات در حوزه دفاع مقدس در حقیقت ظلم به دفاع مقدس است. با توصیفات فوق باشه آهنگر بعد از شش سال با فیلم «سرو زیر آب» در جشنواره سی و ششم فجر حاضر است؛ در این کار باز هم کارگردان نگاهی جدید به دفاع مقدس دارد. در ساخته جدید باشه آهنگر، فیلمساز علاوه بر کارگردانی نویسنده‌گی را هم به همراه پسرش بر عهده دارد. تهیه‌کنندگی فیلم بر عهده حامد حسینی است و قصه فیلم به اتفاقاتی که در معراج شهدا و نورد لوله اهواز رخ داده مربوط می‌شود. از جمله امتیازات فنی این فیلم می‌توان به فیلمبرداری خیره‌کننده علی‌رضا زرین‌دست می‌توان اشاره کرد، به نحویکه می‌توان از هم‌اکنون وی را یکی از کاندیداهای اصلی سیمرغ در بخش فیلمبرداری دانست. دیگر امتیاز این فیلم به جلوه‌های ویژه این فیلم مربوط می‌شود. محسن روزبهانی جلوه‌های ویژه این کار را انجام داده است. این کار سینمایی سعی کرده در موسیقی نیز از بهترین فرد سود برد، برای همین حسین علیزاده آهنگسازی کار را انجام داده است. درباره «سرو زیر آب» می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که فیلم در شهرهای مختلفی از جمله؛ تهران، یزد، لرستان و... جلوی دوربین رفته است.

سخن آخر این که؛ چرا سینمای دفاع مقدس رونق گذشته را ندارد و فیلم‌های خوبی در آن تولید نمی‌شود؟ جواب این سوال را باید آنجا جستجو کرد که فیلمسازی نظیر باشه آهنگر در آن کم کار هستند، فیلمسازی که از آنها باید به عنوان سند زنده جنگ نام برد، اما افسوس که باید هر شش یا هفت سال فیلمی از این دست فیلمسازان ساخته شود، در حالی که برخی کارگردانی که کارهایشان ارزش نام بردن هم ندارد، سالی دو کار جلوی دوربین می‌برند.

نگاه اساطیری به نام «سیاوش» و شهید وطن

علی منصوری

«سرو زیر آب» آخرین اثر محمدعلی باشه آهنگر است. کارگردانی که به دفاع مقدس علاقه دارد اما سعی می‌کند گرایش‌های روشنفکرانه اش را نیز به هر شکل در آن بگنجاند.

«سرو زیر آب» یک روایت لوپ دارد که از بیرون کشیدن یک سنگ یادگاری از مزار یک شهید که زیر آب مانده شروع می‌شود و سپس به زمان جنگ و ستاد معراج می‌رود و دوباره به اول فیلم می‌رسد.

فیلم به لحاظ کارگردانی و بازی بازیگران کاملاً طبق اصول و قواعد ساخته شده و به واقع نمی‌توان خللی در آن وارد کرد. تصویرهای جناب زرین دست مخصوصاً در روستاهای یزد و لرستان فیلم بسیار چشم‌نواز و استادانه است. این تصاویر در انبوه باران‌های موجود در فیلم و همچنین در زیر آب کاملاً کنترل شده و خوب و شایسته تقدیر است.

همین منوال در طراحی صحنه و همچنین لباس نیز در روستاهای گوناگون و لوکیشن‌های متعدد و سخت روستایی از این حیث نیز کاملاً رعایت شده است. بازی‌ها نیز کاملاً خوب و استاندارد است اما دو بازی بی‌نظیر از دو بانو در فیلم وجود دارد که هر کدام در دو سوی ماجرا کاملاً تاثیرگذار و چنان درست است که دیده نشدنش واقعا هنر می‌خواهد.

«ستاره اسکندری» در نقش زن «سیاوش آبادیان لر» و «مهتاب نصیرپور» در نقش مادر «سیاوش آبادیان زرتشتی» که یکی با سکوت کامل و نگاه و آن گبرای این نگاه و دیگری با ایفای صلابت مثال‌زدنی در فیلم و در سکansı در کنار هم قرار گرفتن این دو کاملاً توانسته است تاثیر دراماتیک جای خالی یک شهید را به بیننده منتقل کند.

نگاه اساطیری به نام «سیاوش» و شهید وطن که یزد یا لرستان یا تهران یا هر جای دیگر نمی‌شناسد نیز در فیلم و تعلق آن نه به دین خاص بلکه به همه‌ی سرزمین و همچنین بی‌سر بودن او به مانند امام حسین (ع) و اصولاً بر مبنای چنین نگاهی فیلم ساختن در لایه‌های پنهان فیلم و همچنین همگن سازی شهیدان پاک این سرزمین در سایه این نگاه اساطیری ایرانی قابل اعتنا و تقدیر است.

تمام اتفاقات خوب در یک فیلم اما در فیلمنامه اثر و به خصوص در به کارگیری عناصر صحیح داستانی در آن معنا پیدا می‌کند. جایی که «سرو زیر آب» چندان بی‌نقص نمی‌نماید.

باری اگر داستان فیلم را صرفاً معارض داشتن یک پیکر از طرف دو خانواده شهید در نظر بگیریم و تلاش این افراد برای حل این معضل، باید بگوییم فیلم داستان شسته و رفته و سراسری تعریف می‌کند. داستانی که در فیلمنامه فیلم در میان انبوهی از شعارهای روشنفکرانه است که به طرز ناشیانه‌ای به اثر سنجاق شده تا آنجا که بیننده را کاملاً شوکه می‌کند و چنان از اثر بیرون می‌زند که تا برگشت او به جریان فیلم مدتی زمان لازم است.

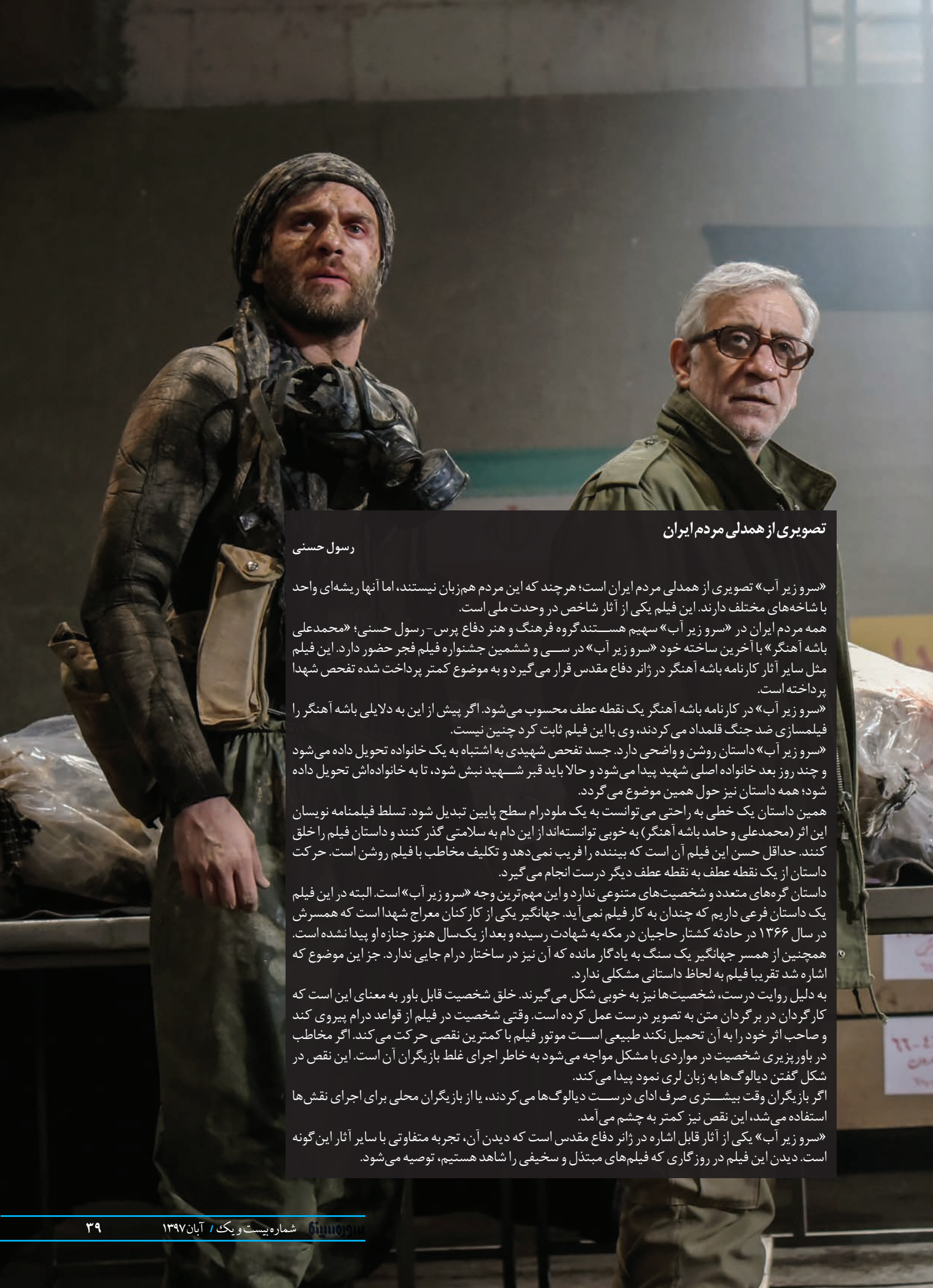
دیالوگ‌هایی همچون: «ما حق نداریم به مردم دروغ بگیم حتی اگر بخواهیم بهشون آرامش بدیم»...

و یا «زندگی در جریان» یا «دنبال حقیقت بگیرد» و یا حتی دیالوگ‌های نه چندان مرسوم برای شخصیتی مثل جهانگیر (رضا بهبودی) که در جایگاهی از جبهه جنگ قرار گرفته که اصلاً چنین چیزی از او بعید است.

دیالوگی چون: «کاش نمی‌رفتیم تو خاکشون کاش زودتر میومدیم سر مرز» و پاسخ شعاری و کلیشه‌ای ابوالقاسم (با بازی هومن برق‌نورد) و نیز سکانس به شدت شعاری شستن پرچم و آویزان کردن آن که با حجم سنگین موسیقی گنجانده شده هم هیچ آمیدی به هضم شدنش نیست.

بدون شک فیلم از این دست صحنه‌ها بسیار زیاد دارد و شاید بتوان به راحتی چندین دقیقه از آن را کوتاه کرد و به جذابیت آن افزود اما در خلال فیلم و در جایی که جهانبخش (بابک حمیدیان) پس از شهادت جهانگیر پیکر برادرش را به خانواده زرتشتی می‌دهد بدون اینکه آنها بدانند در دل خود به عنوان یک بیننده خدا خدا می‌کردم که‌ای کاش فیلم در این تعلیق بماند که آیا این پیکر، پیکر سیاوش است و یا پیکر جهانگیر منتهای طولی نکشید که این داستان مشخص شد و تمام جذابیت خود را از دست داد.

ای کاش جناب باشه آهنگر بزرگوار در ادیت مجدد فیلم خود اساساً لوپ نه چندان کاربردی در روند فیلم را کاملاً حذف کند و نیز با حذف قسمت‌های پایانی فیلم مثل گریه جهانبخش (بابک حمیدیان) این اجازه را به بیننده بدهد که با تخیل و سلیقه خود این تصمیم جهانبخش را به بوته قضاوت بگذارد و لذت فیلمشان را دو چندان کنند و جانی تازه به آن بدهند.



تصویری از همدلی مردم ایران

رسول حسنی

«سرو زیر آب» تصویری از همدلی مردم ایران است؛ هر چند که این مردم هم‌زبان نیستند، اما آنها ریشه‌ای واحد با شاخه‌های مختلف دارند. این فیلم یکی از آثار شاخص در وحدت ملی است.

همه مردم ایران در «سرو زیر آب» سهیم هستند گروه فرهنگ و هنر دفاع پرس-رسول حسنی؛ «محمدعلی باشه آهنگر» با آخرین ساخته خود «سرو زیر آب» در سسی و ششمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. این فیلم مثل سایر آثار کارنامه باشه آهنگر در ژانر دفاع مقدس قرار می‌گیرد و به موضوع کمتر پرداخت شده تفحص شهدا پرداخته است.

«سرو زیر آب» در کارنامه باشه آهنگر یک نقطه عطف محسوب می‌شود. اگر پیش از این به دلایلی باشه آهنگر را فیلمسازی ضد جنگ قلمداد می‌کردند، وی با این فیلم ثابت کرد چنین نیست.

«سرو زیر آب» داستان روشن و واضحی دارد. جسد تفحص شهیدی به اشتباه به یک خانواده تحویل داده می‌شود و چند روز بعد خانواده اصلی شهید پیدا می‌شود و حالا باید قبر شهید نبش شود، تا به خانواده‌اش تحویل داده شود؛ همه داستان نیز حول همین موضوع می‌گردد.

همین داستان یک خطی به راحتی می‌توانست به یک ملودرام سطح پایین تبدیل شود. تسلط فیلمنامه نویسان این اثر (محمدعلی و حامد باشه آهنگر) به خوبی توانسته‌اند از این دام به سلامتی گذر کنند و داستان فیلم را خلق کنند. حداقل حسن این فیلم آن است که بیننده را فریب نمی‌دهد و تکلیف مخاطب با فیلم روشن است. حرکت داستان از یک نقطه عطف به نقطه عطف دیگر درست انجام می‌گیرد.

داستان گره‌های متعدد و شخصیت‌های متنوعی ندارد و این مهم‌ترین وجه «سرو زیر آب» است. البته در این فیلم یک داستان فرعی داریم که چندان به کار فیلم نمی‌آید. جهانگیر یکی از کارکنان معراج شهدا است که همسرش در سال ۱۳۶۶ در حادثه کشتار حاجیان در مکه به شهادت رسیده و بعد از یک سال هنوز جنازه او پیدا نشده است. همچنین از همسر جهانگیر یک سنگ به یادگار مانده که آن نیز در ساختار درام جایی ندارد. جز این موضوع که اشاره شد تقریباً فیلم به لحاظ داستانی مشکلی ندارد.

به دلیل روایت درست، شخصیت‌ها نیز به خوبی شکل می‌گیرند. خلق شخصیت قابل باور به معنای این است که کارگردان در برگردان متن به تصویر درست عمل کرده است. وقتی شخصیت در فیلم از قواعد درام پیروی کند و صاحب اثر خود را به آن تحمیل نکند طبیعی است موتور فیلم با کمترین نقصی حرکت می‌کند. اگر مخاطب در باورپذیری شخصیت در مواردی با مشکل مواجه می‌شود به خاطر اجرای غلط بازیگران آن است. این نقص در شکل گفتن دیالوگ‌ها به زبان لری نمود پیدا می‌کند.

اگر بازیگران وقت بیشتری صرف ادای درست دیالوگ‌ها می‌کردند، یا از بازیگران محلی برای اجرای نقش‌ها استفاده می‌شد، این نقص نیز کمتر به چشم می‌آمد.

«سرو زیر آب» یکی از آثار قابل اشاره در ژانر دفاع مقدس است که دیدن آن، تجربه متفاوتی با سایر آثار این گونه است. دیدن این فیلم در روزگاری که فیلم‌های مبتذل و سخیفی را شاهد هستیم، توصیه می‌شود.



دلیل عدم اکران فیلم سینمایی عرق سرد در سینماهای حوزه هنری

است اثری، فیلم خوبی هم باشد اما مناسب قشر روشنفکر و مخاطبان خاص باشد نه همه مردم. یا برخی فیلم نیازمند شرایط خاصی برای اکران هستند. متأسفانه در سینمای ما موضوع نظام در جهندی سنی یک امر فرمایشی است و هیچ گونه الزام، قوانین تنبیه و تشویق برای رعایت در جهندی سنی در سینما نداریم و متأسفانه در این چند سال استفاده از این نظام و اصطلاحاتی چون مثبت ۱۸ یا مثبت ۱۵ و... به عنوان عنصر مشوق و تحریص برای بخشی از مخاطبان استفاده شده است. از این رو واژه تحریم کاملاً بی معناست و هیچ تحریمی وجود ندارد. نمایش یک اثر منوط به مولفه‌های محتوایی، ساختارهای درونی، انطباق آن با هنجارهای اجتماعی و شاخصه و ملاک‌های یک سازمان است.

عشیری در خصوص کارکرد واژه تحریم و برآیند استفاده از آن در جهت تبلیغات یک اثر اظهار داشت: متأسفانه نظارت و ارزشیابی قانونمند و مبرهنی در سینما عمال نمی‌شود. حتی، به تنها آئین نامه موجود در این زمینه که مربوط به دو دهه پیش است هم توجه نمی‌شود.

دنیا از این واژه استفاده می‌کنند. به خصوص که این روزها از سوی آمریکا از این کلمه به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود، برخی سینماگران و صنوف از این واژه سوءاستفاده و بهره‌برداری غلط می‌کنند. عدم نمایش یا نمایش یک فیلم حق هر سینماداری است و هر سینماداری طبق قانون اختیار دارد براساس شرایط اجتماعی، مخاطب‌شناسی و شاخصه‌ها و معیارهای مورد نظر نهاد و مجموعه‌اش دست به انتخاب آثار برای عرضه و اکران بزند. در حوزه موسیقی آثار بیشماری ممکن است مجوز بگیرند اما همه سالن‌ها برای همه آثار، کنسرت برگزار نمی‌کنند، این که بگوییم سالنی کنسرت آن خواننده را برگزار نکرد پس آن را تحریم کرده، اصلاً تعبیر درستی نیست. در سینما هم سالانه حدود صد فیلم ساخته می‌شود، از این تعداد ممکن است برخی فیلم‌ها امکان نمایش پیدا نکنند اما این به معنای تحریم آن‌ها نیست. قدرت، توانایی، مولفه‌های محتوایی و ساختار یک اثر است که این ظرفیت را ایجاد می‌کند که آن فیلم منطبق با هنجارهای اجتماعی توان و ظرفیت جذب مخاطب انبوه یا متوسط را دارا است یا نه؟ ممکن

حوزه هنری به دلیل همان امانتداری و تولید امانت مردم موظف است که از سینماهایی که تحت نظر آن است در راستای تقویت نظام خانواده، ارزش‌های اجتماعی، منویات نظام، مضامین مرتبط با مقاومت، دفاع مقدس و... بهره بگیرد.

به گزارش «صبا» عدم نمایش برخی آثار سینمایی در سینماهای حوزه هنری یکی از هزار داستان دنباله‌دار سینماست که این روزها به واسطه عدم نمایش فیلم «عرق سرد» در سینماهای حوزه هنری سرخط مهم‌ترین اخبار حوزه سینما قرار گرفته است. به دنبال گله برخی سینماگران و صاحبان آثار از این اتفاق، چند روز پیش کانون کارگردانان بیانیه‌ای صادر کرد و حوزه هنری که تا پیش از این در موضع سکوت بود جوابیه‌ای داد. اما «صبا» به همین بهانه در گفت‌وگو مدبران و سینماگرانی چون یزدان عشیری به بررسی جوانب مختلف این مسئله پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

ملیکا مومنی راد

یزدان عشیری؛ مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، در خصوص اقدام حوزه هنری مبنی بر عدم نمایش برخی فیلم‌ها و به کارگیری واژه تحریم از سوی سینماگران گفت: واژه تحریم به نوعی مجعول و مخلوق ژورنالیسم است و بیشتر در ادبیات سیاسی

در فقدان نظارت‌های مکفی از سوی سازمان سینمایی و یا ارشاد و به حسب دغدغه مندی برخی نهادها فضایی بوجود می‌آید که برخی می‌خواهند با تعبیر گوناگون مثل تحریم از این واژه سوء استفاده کنند و از آن به عنوان بهانه‌ای برای تشویق و جلب بخش کوچکی از مخاطبان بهره‌برداری می‌کنند. مگر سینمای ما چقدر مخاطب دارد؟ گستره محدودی از جمعیت حدود ۸۴ میلیونی ما مخاطب سینما هستند و متأسفانه در همین سال‌ها با ندانم‌کاری، دور زدن قوانین، اعمال نظرات سلیقه‌ای در بحث صدور پروانه ساخت و نمایش و... عملاً بسیاری از مخاطبان سینما را از دست دادیم. سینمای ایران در دهه ۶۰ با تکیه بر مضامین دفاع مقدس و انقلاب، مخاطب هشت میلیونی داشت در حالی که پر فروش‌ترین فیلم‌های حال حاضر سینما ممکن است مخاطب سه میلیونی داشته باشند. باید آسیب‌شناسی کرد چرا مخاطب را از دست داده‌ایم. یک عده با بهره‌برداری از برند تحریم در فضای مجازی ممکن است در مقطع کوتاهی درآمدی جزئی ایجاد کرده و تنور فروش فیلم خود را گرم کنند اما این اتفاق به معنای واقعی کلمه آسیبی به بدنه و ساحت سینما می‌زند که متأسفانه خانواده سینما متوجه آن نیستند.

یزدان عشیری با اشاره به اهمیت عملکرد وزارت ارشاد در بحث صدور پروانه ساخت و نمایش برای برخی فیلم‌ها در جهت جلوگیری از بروز چنین مشکلات در مرحله اکران گفت: متأسفانه مدیرانی که در حوزه نظارتی وزارت ارشاد هستند چون با آمدن و رفتن دولت‌ها مدام تغییر می‌کنند بعضاً، در مقطعی از تاریخ معاصر براساس بحث‌های سلیقه‌ای، جناحی و یا در جهت باج دادن به برخی اشخاص به دلیل لابی‌ها و فشارهای گسترده تصمیم‌گیری می‌کنند. خود مسئولان ارشاد نیز اذعان می‌کنند که بعضاً بحث سلیقه در صدور پروانه ساخت و نمایش برخی آثار دخیل بوده است. ما چند فیلم داشته‌ایم که توسط خود ارشاد پروانه نمایش گرفته و بعد جلوی نمایش آن از سوی خود ارشاد گرفته شده است؟ تعدادی از آثار درگیر چنین ماجرای بودند و هستند، این نشان می‌دهد در بحث صدور پروانه نمایش ابهاماتی وجود دارد. تجربه ثابت کرده اگر براساس مقررات و قوانین عمل کنیم، هر چیزی از مجاری قانونی و دستگاه‌های نظارتی عبور کند و قابلیت نمایش در سطح عمومی را داشته باشد

هیچ وقت با این گونه تناقض‌ها روبه‌رو نمی‌شویم و نخواهیم شد. چطور می‌شود فیلمی پروانه نمایش را اخذ می‌کند اما وزیر جلوی نمایش آن را بگیرد؟ کمیسیون فرهنگی مجلس با نمایش آن ممانعت کند و یا فیلمی پروانه نمایش دارد اما توسط خود سازمان سینمایی محبوس می‌شود. بروز چنین اتفاقاتی یعنی یک اشتباه و خبطی صورت گرفته است. وقتی مرجعی که صادرکننده پروانه نمایش است دچار تناقض و تضاد و رفتارهای سلیقه‌چندگانه است و با مصوبه خودش سلبی برخورد می‌کند تکلیف دستگاه‌هایی مثل سازمان صداوسیما که سید حمایتی تبلیغات را دارد و یا نهادها و مدیرانی که مسئولیت پخش و عرضه و توزیع آثار را بر عهده دارند، چیست؟

عشیری ادامه داد: پروانه نمایش برای خیلی از آثار صادر می‌شود اما طبق نص صریح قانون هر سینمادار و مدیر سالن سینمایی وظیفه دارد اثری را که می‌خواهد نمایش دهد، انتخاب و به عبارتی با سنجیدن جوانب مختلف، آن را گزینش کند. این سنجیدن بعدهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و... را شامل می‌شود. یک فیلم مثلاً ممکن است در پردیس آزادی و کورش با استقبال روبه‌رو شود اما در سینماهای شهرستان‌ها به عنوان مثال کردستان یا... حتی امکان و اجازه نمایش آن وجود نداشته باشد؛ که همین مسئله نیاز به مدیریت و مخاطب‌شناسی دارد.

این مسئول سینمایی درخصوص عملکرد حوزه هنری بیان کرد: دوستان چرا آن قدر بحث را بزرگ می‌کنند. از مجموع آثاری که در سال ۹۶ اکران شد، حوزه هنری یک فیلم را نمایش نداد و در هفت ماه اخیر سال ۹۷ نیز تنها یک فیلم نمایش داده نشده است. مراکز و کانون‌هایی که اقدام به نگارش بیانیه می‌کنند به این توجه می‌کنند که چقدر از آثار فیلمسازان ما رنگ پرده را ندیده است؟ و یا به فیلم‌هایی که از معیار پول‌شویی به نتیجه رسیدند، توجهی دارند؟ ما باید در حوزه صنفی براساس شاخصه‌های برابر نگاه کنیم. وقتی حوزه هنری به‌تنهایی بار سنگین نمایش و پخش فیلم‌هایی ارزشی و انقلابی از نوع فیلم‌های چون: «یتیم‌خانه ایران»، فیلم شریف و نجیب «ویلاهای» و... را به دوش کشید و خیلی از سینماداران و سینماها در حمایت از این آثار اهتمام نورزیدند، آن زمان چرا صنف درشان نیامد و همراهی نکردند؟ وقتی حوزه هنری در چند ساله اخیر به‌تنهایی

چراغ سینماها را در بسیاری از شهرستان‌ها و مناطق محروم روشن کرده و بیش از ۳۰ سالن سینما را احیاء و نوسازی کرده است چرا یکبار این برخی صنف نیامدند چهار خط بنویسند؟ مگر این سینماها برای خدمتگذاری به آثار و تولیدان این عزیزان و جامعه سینمایی ساخته نشده‌اند- آن هم سینماهایی که بیش از ۲۰-۳۰ سال چراغشان خاموش بود. حوزه هنری نهاد انقلابی است و براساس آیین‌نامه و دستورالعملی که دارد بر روی تولید، عرضه و پخش آثار خود حساسیت دارد. رویکرد ما توجه به خانواده بوده و دغدغه ما این است سینماهای حوزه هنری به‌عنوان سینمای خانواده و اخلاق محور فعالیت کنند و در جهت حمایت از آثار مذهبی، انقلابی، دفاع مقدس و فیلم‌های اجتماعی نجیب و شریف قدم بردارند.

اما یزدان عشیری در واکنش به اظهارات برخی سینماگران مبنی بر این که سینماهای حوزه هنری برای مردم است و متعلق به شخص و یا سازمان حوزه هنری نیست، گفت: براساس همین تعریف دوستان، این سینما امانتی است دست مسئولان حوزه هنری و مدیران حوزه آن را ملک شخصی خود نمی‌دانند. همین دغدغه مردم محوری که دوستان به آن اشاره می‌کنند برای ما روحیت دارد و به همین دلیل می‌دانیم اگر فیلم‌های ضدخانواده نشان دهیم خیلی از مردم و دلسوزان واقعی نظام به حوزه هنری که امانتدار مردم است خرده می‌گیرند. دوستان چرا نیمه خالی لیوان را می‌بینند؟ هر سینمایی حق انتخاب دارد و حوزه هنری بنا بر هدف‌گذاری خود توجه ویژه‌ای به خانواده دارد. وقتی می‌گوییم خانواده یعنی از کودک گرفته تا بزرگسال. حوزه هنری سعی می‌کند از میان سید تولیدات سینمای ایران فیلم‌هایی را انتخاب کند که به این اهداف نزدیک باشد. چرا خلط مبحث می‌کنند؟ حوزه هنری به‌دلیل همان امانتداری و تولیت امانت مردم موظف است که از سینماهایی که تحت نظر آن است در راستای تقویت نظام خانواده، ارزش‌های اجتماعی، منویات نظام، مضامین مرتبط با مقاومت، دفاع مقدس و... بهره بگیرد. ممکن است ده فیلم هم‌زمان پروانه نمایش بگیرند، اولویت حوزه هنری با فیلم‌هایی است که به این مضامین نزدیک باشد، این اعمال سلیقه نیست. این عین قانون و قانونمندی است.



موسی حقانی:

کلید شناخت روشنفکری دینی در ایران، شناخت میرزا آقاخان کرمانی و فرقه بابیه در ایران است

توحید، نبوت، امامت و رکن رابع استوار است. منظورشان از رکن رابع انسان کامل است که در آن مقطع، خودشان مدعی این جایگاه بودند. سید کاظم رشتی به مقوله ظهور بسیار تاکید می کند گویی که عن قریب است که ظهور شکل بگیرد. در مقابل حمله شدیدی به تقلید، علما و مراجع و متجهدین دارد به نوعی که نقد او فراتر از یک نقد ساده است و به اهانت می رسد. این صحبت ها فضای بسیار تندی را در آن مقطع به وجود می آورد و به نظر می رسد که استعمار هم به خوبی آن تفاوت ها و ادعاها را رصد می کرده است. موسی حقانی به نحوه شکل گیری فرقه بابیه در ایران اشاره کرد و گفت: فردی به نام علی محمد شیرازی در زمره شاگردان سید کاظم رشتی بود. کاظم رشتی به نوعی در مورد این شخص صحبت می کرد که گویی او باب ارتباط با امام زمان در عالم مثال است. البته وقتی که او مرد، ۱۶-۱۷ نفر از شاگردانش ادعای باب بودن کردند. مشهور است که روس ها این جریان را به راه انداختند اما قضا یا پیچیده تر از این روایت است. خود باب عبارتی دارد که به ما کمک می کند که بتوانیم منشأ این جریان را بشناسیم. باب می گوید که زمانی که در بوشهر بودم با علمای بنی اسرائیل مشهور بودم. حال سوال پیش می آید که آقای علی محمد شیرازی در بوشهر چه می کرده است؟ دایه های او تجارت خانه داشتند و تجارت تریاک داشتند. البته در آن زمان، تریاک جز صادرات های عمده ایران بود و خیلی ها درگیر این ماجرا بودند. ظاهراً آقای شیرازی نیز در آن تجارت خانه کار می کرده است و با یهودیان بغدادی تجارت داشتند. پس به نظر می رسد که آقای باب با یهودیان در ارتباط بوده است و آنان به خوبی ظرفیت های ایران را صد می کردند.

هم بستگی با این جریانات داشتند. وی به شناخت روشنفکری دینی در ایران اشاره کرد و گفت: به نظرم برای شناخت روشنفکری دینی در ایران باید در مرحله اول میرزا آقاخان کرمانی را بشناسیم و از این نظر شناخت دیدگاه ها و آرای او بسیار کمک کننده است. بعضی جاها عیناً همان حرف هایی که میرزا آقاخان زده است، توسط روشنفکران دینی تکرار می شود. دقت کنید که نتیجه تمام صحبت های آنان نفی شریعت، ارائه یک الگو و نمونه حداقلی از دین، نفی روحانیت شیعه و ... است. می خواهم راجع به بابیه یک توضیحات کوچکی بدهم. در ایران دوره قاجار، شیخیه که گرایشی از اخباریه بوده است، در بخش هایی از ایران و به ویژه تبریز و کرمان فعال می شود. شیخیه دو چهره محوری دارد که یکی شیخ احمد احسائی است و دیگری شیخ کاظم رشتی است. در آرای آقای احسائی نوع غلو نسبت به جایگاه ائمه دیده می شود و ادعایی هم دارند. آنان ادعا می کنند که توانستند مشکلات شیعه و اسلام را در ۳ زمینه حل کنند. یکی در خصوص معاد جسمانی است، دیگری در خصوص معراج جسمانی است و دیگری در مورد حیات جسمانی حضرت حجت است. مشکل اول را این گونه حل می کنند و می گویند که ما معاد جسمانی نداریم و معاد با جسم برزخی صورت می گیرد. مشکل دوم را این گونه حل کردند که پیامبر هم با جسم عنصری خود به معراج ترفته است بلکه با جسم مثالی اش به معراج رفته است و در نهایت در مورد امام زمان نیز می گویند که ایشان حیات مثالی دارد. بدین معنی که ایشان حیات جسمانی ندارد و در عالم مثال زندگی می کنند. شیخ احمد احسائی معتقد است که عالم بر چهار رکن

پنجمین جلسه از سلسله نشست سوژه یابی در مستند با موضوع «بررسی نقش روشنفکران در مشروطه و پس از مشروطه» با حضور علاقه مندان زیر نظر استاد موسی حقانی در حوزه هنری برگزار شد. در این نشست به نحوه شکل گیری فرقه بابیه در ایران پرداخته شد.

موسی حقانی در ابتدای صحبت های خود گفت: اگرچه آخوندزاده و همراهانش به صورت مستقیم در مشروطه حضور نداشتند و یا فقط افکار ملکم خان در ایجاد مشروطه نقش داشت، کسانی نظیر بابی ها (ازلی ها) و میرزا آقاخان کرمانی به صورت مستقیم در مشروطه درگیر بودند. در این جلسه وارد بررسی شخصیت هایی می شویم که به صورت مستقیم در مشروطه نقش داشتند. این موضوع بسیار مهم است و کمتر نیز به آن پرداخته شده است. البته در جاهایی که به این موضوع پرداخته شده است، این گونه عنوان می کنند که بابی بودن و شرکت بابی ها در انقلاب مشروطیت اتهامی است که به نواندیشان و نوگرایان در آن عصر زده می شود و هر کسی که تفکر نویی را ارائه می کرد، بر چسب بابی گری به او می خورد و با این حربه می خواستند او را از میدان به در کنند و راه هر نوآوری را ببندند. متأسفانه این حرف یک دیدگاه کلی در این عرصه است که رواج آن به حدی است که دامن مسئولین فرهنگی و بعضی از چهره ها را می گیرد. البته خود من موافق هستم که باید احتیاط کنیم و هر کسی را به صرف این که دیدگاه دیگری دارد، با چوب بابی بودن و بهایی بودن نرانیم. جالب این جا است که اغلب کسانی که در آن دوره این اتهام بهشان وارد شد، خیلی هم بی ربط نبوده است. البته ممکن است که در مواردی جزئی اشتباهی صورت گرفته باشد اما در اغلب موارد این ایراد وارد است و به نوعی یک



موسی حقانی:

کار به جایی رسیده است که باید بهایی بودن دولت آبادی را اثبات کنیم

می دانند که بر همه ادیان شمولیت دارد. برای اثبات ادعای خود مثال بسیار جالبی می زنند. می گویند آن که بت پرست بوده است، به دلیل شرایط اجتماعی شان بوده است، آن کس که ستاره پرست و خورشید پرست است، به این دلیل است که در بین آنان خورشید و ستاره از اهمیت بسیاری برخوردار است. علاوه بر این، دین حضرت موسی را برای اقوامی مناسب می داند که دچار تشتت شده اند.

این کارشناس و تاریخ نگار معاصر بیان داشت: جالب است که در مورد قوانین کنفوسیوس می گوید که اگر به قوانین این دین بنگرید می بینید که مناسب برای قومی متمدن است که در هرج و مرج، تحت اسارت و ظلم باشند. حتی راجع به اسلام نیز می گوید که این دین متناسب با اعراب و مناسب جغرافیای آنان است و با همین توجیه، موضوع حجاب را نیز می بندد. ویژگی سوم بایی گری، اقامه عدل است و ویژگی چهارم آن شروع از نقطه مبادی و اصلاح علل ذاتیه است. آنان اعتقاد دارند که ما باید ریشه مسائل را بشناسیم و آن را خشک کنیم. برای مثال در مورد مساله زنا، اعتقاد دارند که باید برویم ریشه مسئله را پیدا کنیم و آن را حل کنیم. بایی ها ادعا می کنند که آموزه های این دین، مشتمل بر آموزه های همه ادیان است. آنان حج را زیارت بیت باب در شیراز و طواف گرد آن می داند.

حتی اکنون نیز بر روی بایی بودن یک نفر شک وجود دارد. اکنون کار به جایی رسیده است که باید اثبات کنیم فردی مانند دولت آبادی اهل فرقه بابیه بوده است. دقت کنید که بسیاری از بایی ها در روزنامه اختر متمرکز می شوند و کار می کنند. چاپخانه اختر، تاسیس مدارس ایرانیان و ... از جمله محافل تجمعی بایی ها و ازلی ها بوده است. آنان فعالیت بسیار گسترده ای در استانبول داشتند به گونه ای که آن را تبدیل به محفلی برای این افراد کرده بودند. افراد بسیار زیادی در اختر مطلب می نوشتند. متأسفانه بسیاری از مطالبی که آنان می نوشتند، در پوشش دین و اسلام قرار می گرفت، به نجف می رفت و ذهن علمای نجف را هم نسبت به ایران، قاجار و علمای کشور آلوده می کرد.

موسی حقانی به نگاه بایی ها نسبت به دیگر ادیان اشاره کرد و گفت: کتاب هشت بهشت، شریعت «بیان» را تعریف می کند. در این کتاب، شمولیت باب بر تمام مذاهب را ذکر می کند و می گوید که این دین، آیینی است که تمام آیین های دیگر را شامل می شود. اولین ویژگی آیین باب این است که با تمام شرایط هماهنگ است و ساده و کلی است. آنان اسلام و دیگر ادیان را محصول شرایط جغرافیایی می دانند و اعتقاد دارند که این ادیان فقط به دلیل جغرافیایی در یک منطقه به وجود آمده اند و به همین دلیل نمی توانند شمولیت داشته باشند. در مقابل، آیین باب را آیینی کلی

ششمین جلسه از نشست «نقش روشنفکران در مشروطه و پس از مشروطه» با حضور علاقه مندان زیر نظر استاد موسی حقانی در حوزه هنری برگزار شد. در این نشست به ادامه مطالب جلسه قبل پیرامون فرقه بابیه و پیروان آن پرداخته شد.

موسی حقانی در مقدمه صحبت های خود، درباره عقاید و آرا میرزا آقاخان گفت: میرزا آقاخان در خانواده ای متولد شد که اهل صوفی گری بودند. به همین دلیل او به وحدت وجود اعتقاد داشت. مهم ترین اساتید او ملاجعفر ته باغ لعلی و سید جواد شیرازی است که هر دو اهل بابیه هستند و به همین دلیل بر بایی شدن او بسیار موثر هستند. کرمان و اصفهان دو کانون مهم بایی ها و ازلی ها است و میرزا آقاخان در هر دو جا حضور داشته است. او در اصفهان با خانواده دولت آبادی که به نوعی رهبر ازلی ها به حساب می آید، رفت و آمد دارد. علی محمد دولت آبادی می گوید که وقتی میرزا آقاخان به این جا آمد، در حیات روحی جمعی موثر واقع شد. جالب است بدانید که بعضی از منابع اشتباه می کنند و از میرزا آقاخان به عنوان یک شهید و مبارز مسلمان نام می برند در حالی که به گفته بسیاری از اطرافیان او، ایشان تا آخرین لحظه بایی مانده است. این شخصیت، بر روی عقاید شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بسیار حساس است.

وی ادامه داد: در مورد بایی ها باید بگویم که بسیار پنهان کار بوده اند و شاید به همین دلیل است که



انجمن سینمایی
انقلاب و دفاع مقدس
برگزاری کند

پانزدهمین جشنواره
فیلم مقاومت

15th Resistance International Film Festival

2018 26-30 Nov Tehran
تهران ۵ تا ۹ آذر ماه سینما فلسطین
سینما عصر جدید



موسسه
هنرهای
تصویری
سوره

نامزد دریافت ۱۰ سیمرغ بلورین
و برنده ی ۲ سیمرغ از جشنواره فیلم فجر

+ 12

دسید

هر کس چیزی برای
ترک نکردن دارد...

AXIOM

بهر روز شعبی تهیه کننده سید محمود رضوی

[illegible]

مؤسسه سینمایی سیمای مهر

مهناز افشار

سارا بہرامی

هادی حجازی فر

نگار عابدی

شادی کرم رودی

باحضور جمشید ہاشمی پور

وامین حیایی

منظوم
Manzom.ir

100

فستیوال چشم‌نویس

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی
فیلم‌های صد ثانیه‌ای

THE 12th INTERNATIONAL 100- SECOND
F I L M F E S T I V A L

ثبت‌نام از طریق سایت:

www.100fest.com

آخرین مهلت ارسال آثار تا پایان دی‌ماه ۱۳۹۷

برگزاری جشنواره ۸ تا ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۷

ایران - تهران ■ ۵-۴-۸۴۱۷۲۲۰۴ - ۲-۱-۸۸۹۱۸۳۰۱

Submission Deadline: January 20th, 2019

Festival: February 27th - March 1st - 2019 Tehran - Iran



معاونت علمی و فناوری
ریاست جمهوری